



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
الصلوة
والسلام

www.

www.

www.

www.

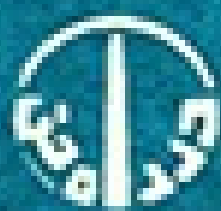
Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



موازنه‌ی اسلامی

بین

دنیا و آخرت

شماره کتاب

۳۶

نویسنده

گروهی از فضلا و اساتید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موازنه ی اسلامی بین دنیا و آخرت

نویسنده:

جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه

ناشر چاپی:

موسسه در راه حق

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
موازنه ی اسلامی بین دنیا و آخرت	۷
مشخصات کتاب	۷
اشاره	۷
فصل اول	۱۶
اشاره	۱۶
۱-در اسلام به کسب مواهب دنیوی و مادی امر شده است	۱۷
۲-دنیا و مواهب مادی خوب و «خیر» است	۵۷
۳-دنیا و مواهب مادی آن فضل و مرحمت خدای متعال است	۶۲
۴-گاهی دنیا و مواهب مادی آن، اجر و پاداش نیکوکاران و صالحان است	۶۷
۵-دنیا نزد خدا محبوب و برای بندگانش خلق شده است	۸۸
۶-دنیا رحمتی از خداست	۹۵
۷-دنیا نیکی و رحمت است	۹۹
۸-گاهی محروم شدن از مواهب دنیوی، عذاب و کیفری بر زشتیها و گناهان و ناسپاسی نعمتهاست	۱۰۸
۹-اموال موجب قوام و استواری امور مردم است	۱۲۰
۱۰-فقر و مستمندی ناپسند است	۱۲۳
فصل دوم	۱۲۵
اشاره	۱۲۵
۱-بهره های دنیوی موجب عذاب در دنیا و آخرت است	۱۲۷
۲-دنیا متاعی بی ثبات و ناپایدار است	۱۲۹
۳-دنیا سرای فریب است	۱۳۱
۴-دنیا و آخرت با هم تنافی دارند و جمع بین آنها ممکن نیست	۱۳۴
۵-دنیا سرگرمی و بازیچه است	۱۳۷
۶-دنیا سبب رو گرداندن و کناره گیری از آخرت است	۱۴۲

- ۱۴۵ ----- ۷- دنیا متاعی است و رو گرداندن از آن پسندیده است
- ۱۷۷ ----- ۸- فقر پسندیده و مرغوب است و همچنین پارسایی و داشتن به در کفاف
- ۱۸۴ ----- ۹- حرص و آز در خواهش دنیا و گردآوری مال ناپسند است
- ۲۰۱ ----- ۱۰- دنیا در برابر آخرت و کمالات معنوی ارزشی ندارد
- ۲۰۷ ----- فصل سوم
- ۲۰۷ ----- اشاره
- ۲۰۹ ----- ۱- دنیا دوستی نه خود دنیا ناپسند و مذموم است
- ۲۱۴ ----- ۲- شادمانی به دنیا ناپسند و مذموم است
- ۲۱۶ ----- ۳- دنیایی که غفلت آور و سرگرم کننده ی انسان باشد مذموم و ناپسند است
- ۲۱۸ ----- ۴- مقدم داشتن دنیا بر آخرت نکوهش شده است
- ۲۲۴ ----- ۵- گردآوری مال و بخل ورزیدن در مورد آن ناپسند و مذموم است
- ۲۲۹ ----- ۶- فروختن آخرت به دنیا سرزنش شده، و خریدن آخرت به دنیا
- ۲۳۳ ----- ۷- اسراف (زیاده روی) و تبذیر (بیهوده خرج کردن اموال) و اتراف (عیش و نوش و خوشگذرانی) ناپسند و مذموم است
- ۲۳۷ ----- ۸- خودداری از انفاق مال در آنچه خدا فرمان داده مذموم و ناپسند است
- ۲۴۱ ----- ۹- اطمینان و دل بستگی به دنیا مذموم است
- ۲۴۳ ----- ۱۰- دنیا هنگامی که کمک برای امور آخرت باشد پسندیده و ممدوح
- ۲۶۳ ----- درباره مرکز

موازنه ی اسلامی بین دنیا و آخرت

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: موازنه ی اسلامی بین دنیا و آخرت

نوشته ی گروهی از فضلا و اساتید

مشخصات نشر: قم. موسسه در راه حق

مشخصات ظاهری: ص ۲۵۶

فروست: (شماره کتاب ۳۶)

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۴۷۳

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم از خدمت شایسته‌ی که مؤسسه‌ی اسلامی «در راه حق» بدان اقدام کرده است، تشکیل مجتمعی علمی است که هدفش تبیین و روشننگری چهره‌ی واقعی و صحیح اقتصاد اسلامی است... تا اقتصاد اسلام به جهان عرضه شود چرا که جهان جویای اقتصادی کامل است که با آن خود را از تباهی اقتصادی که امروزه آنرا فرا گرفته نجات دهد... و اندیشه‌اش را از آنچه انسانیت را خوار می‌سازد و کرامت و آزادگی‌اش را سلب می‌کند، یا به خواهشهای سرکش فردی میدان می‌دهد تا با آزمندی بی‌پایانش حقوق دیگران را برآید، خلاصی بخشد.

آری، دنیای امروز اقتصادی را می‌جوید که هواهای نفسانی بشر در آن نباشد تا راهی درست برای نجات بیابد؛ و این مطلوب جز اقتصاد آسمانی، جز اقتصاد دین‌حقوقی اسلام نیست.

و برای همین منظور مجتمعی از استادان دانشمند:

شیخ حسین مظاهری

شیخ ابو الحسن مصلحی

شیخ رضا استادی

شیخ غلامرضا سلطانی

سید محسن خرازی

تشکیل شده تا به بررسی عمیق این موضوع و پی گیری و تحقیق مباحث آن پردازند. و این کتاب از مباحث مقدماتی آن و از ثمرات کار مجتمع مذکور است.

*** کتاب حاضر شامل سه بخش و یک خاتمه است:

فصل اول نصوصی اسلامی را که حاکی از تشویق و ترغیب به بعد مادی زندگی انسان است بررسی می کند؛ و این تشویق یا با فرمان به کسب آن و یا با بر شمردن صفاتی نیک از قبیل «خیر»، «فضل»، «اجر»، «رحمت» و «نیکویی» برای آن است، و نیز با تأکید بر اینکه بعد مادی، بعدی ضروری و بنیادی برای زندگانی انسان می باشد.

در حالیکه فصل دوم نصوصی را بیان می کند که بعد مادی را منفور، موجب کیفر، کالای فانی بی اصالت ناپایدار، بلکه فریب و خیال و بازیچه و سرگرمی بیهوده، و کامیابی کوتاه مدتی که پی آمدهای وخیم بزرگ در بر دارد، معرفی می کند، و در نتیجه به فقر، پارسایی، قناعت به اندازه لازم، دوری گزیدن از مادیات، و بجای آن عمل کردن برای آخرت و کوشش در راه آن تشویق می نماید.

فصل سوّم؛ حاوی نصوصی دینی است که حقیقت اندیشه ی اسلامی را در مورد بعد مادی زندگی انسان توضیح می دهد بطوریکه پیچیدگی و ابهام نصوص فصل اوّل و فصل دوّم را که گمان نوعی تعارض و تنافی میان آنها می رود برطرف می سازد، و چشم انداز روشنی از بینش اسلامی در مورد دنیا و امور مادی در کنار اندیشه های اسلامی دیگری از حیات و وجود بدست می دهد که همگام، راهگشای به واقعیت اسلام و مرزها و شمول قوانین آن که ضامن توازن فکری و عملی مطلوب در سیر تکامل طبیعی انسان است، می گردد. انسانی که نه بیکاره و تنبل و فرو رفته در خیالات و اوهام و برکنار از مسیر ارجمند فطری و ذاتی انسانیت باشد، و نه مبتلا به فساد و تباهی شخصیت کاذب که او را از واقعیتش بالا تر جلوه دهد و حدود وجودیش را بفراموشی سپارد و گمان کند همه چیز و برتر از همه چیز است و تا آنجا پیش رود که خود را خدا بیندارد.

واقعیت آنست که پی آمدها و زیانهایی که در اثر عقب افتادگی و کناره گیری برخی افراد انسان که حاصل پندارهای عزلت جویی و بیکارگی ناروا و ناپسند آنهاست برای انسانیت روی داده در برابر زیانهای غرور انسان و فراموش کردن واقعیت و ابعاد طبیعی خود که ثمره ی خدا پنداشتن موهومات و فراموشی حقیقت مطلقه که می تواند همواره او را به سوی کمال سوق دهد می باشد بسی ناچیز است، در حالیکه بدون شک این غرور و پندارهای باطل موجب بازماندن انسان از پیشرفت واقعی است.

و از این جا اهمیت تعیین و تبیین حدود تفکرات اسلامی را در مورد زندگی و حیات درمی یابیم تا مسلمان در فکر و عمل خویش در مورد این تفکرات خودکاو و ریشه یابی کند، و نیز به همین جهت است که این کتاب به بررسی و تبیین یکی از ابعاد تفکر اسلامی در مورد زندگی دنیا و بعد مادی حیات انسانی بر روی زمین پرداخته است...

حاصل آنکه نگرش به این بعد یکی از عناصر ضروری و زیر بنایی، و زمینه یی لازم برای بررسی سیر عالی تکاملی انسان یعنی سیر معنوی اوست. و هنگامی که بعد مادی همانطور که باید باشد مورد توجه قرار گیرد و روشن شود که همچون پل و معبری برای تکامل معنوی است در واقع از مادی بودن بیرون آمده و از معنویات محسوب می شود و پلیدیهای مادی را می ریزد و لباس معنا و آخرت می پوشد.

امّا اگر از واقعیت خود فراتر رود و هدفی برای کوشش انسان گردد و انسان خادم آن شود و خدایی گردد که انسان آنرا بپرستد در این هنگام بمعنای واقعی کلمه خسران و زیان و فریب و غرور خواهد بود، و در این حالت است که میان آن با آخرت تقابل خواهد بود چنانکه نزدیکی به آن دوری از آخرت و دوری از آن نزدیکی به آخرت است.

و اینک، با هم به سرچشمه های گوارای آیات و روایاتی که گویای حقیقت مذکور است درآییم و از آن با دست آوردی تازه که تصورمان را از حیات دنیا دگرگون می سازد و به راهی روشن رهنمونمان می گردد، برآییم. در پایان این نکته را یادآوری

می‌کنیم که این کتاب ترجمه است و عربی آن به عنوان «التوازن الاسلامی بین الدنيا و الاخره» قبلاً منتشر شده است برادران و خواهرانی که مایلند از متن عربی نیز استفاده کنند می‌توانند آنرا از موسسه ی در راه حق تهیه نمایند.

موسسه ی در راه حق

۱۳۶۰/۹/۲

ص:۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ مُحَمَّدٌ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ اللَّعْنُ عَلَىٰ أَعْدَائِهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ

برخی آیات قرآن کریم و نیز برخی روایات رسیده از پیشوایان اسلام به گونه‌ی است که یا صریحا «دنیا» و نعمتهای دنیوی را ناپسند می‌داند و یا بر ناروائی و ناپسندی دنیا اشاره دارد؛ متقابلا- آیات و روایات دیگری نیز هست که در مدح دنیا و پسندیدگی آنست. در نظر اول گمان می‌رود که این دو گونه آیات و روایات برخلاف و در تعارض با یکدیگرند؛ ولی یکدسته‌ی دیگر از آیات و روایات در دست است که تعارضی را که میان آنگونه آیات یا روایات گمان می‌رود برطرف کرده جمع بندی درستی از مفاهیم آنها بدست می‌دهد.

ما در این کتاب نخست آیات و روایاتی را که بر خوبی و پسندیدگی دنیا دلالت دارد ذکر می‌کنیم، و سپس آیات و روایاتی که در بدگویی به دنیا و مذمت آنست، و آنگاه آنچه را شاهد بر جمع میان این دو است؛ و البته مدعی نیستیم که همه‌ی آیات و روایات مربوط به این مباحث را گرد آورده ایم و هیچ از قلم نینداخته ایم.

دسته ی اوّل از آیات و روایات را ذیل این عناوین ذکر می کنیم:

- ۱- در اسلام به کسب مواهب دنیوی و مادی امر شده است.
- ۲- دنیا و مواهب مادی خوب و «خیر» است.
- ۳- دنیا و مواهب مادی آن فضل و مرحمت خدای متعال است.
- ۴- گاهی دنیا و مواهب مادی آن، اجر و پاداش نیکوکاران و صالحان است.
- ۵- دنیا نزد خدا محبوب و برای بندگانش خلق شده است.
- ۶- دنیا رحمتی از خداست.
- ۷- دنیا نیکی و رحمت است.
- ۸- محروم شدن از مواهب دنیوی گناه عذاب و کیفر است.
- ۹- اموال موجب قوام امور مردم است.
- ۱۰- فقر و مستمندی ناپسند شمرده شده است.

۱-خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (۱) در آنچه خداوند به تو عنایت کرده خواستار آخرت باش و بهره ی خود را نیز از دنیا فراموش مکن).

بنابراینکه مراد از جمله ی «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» بهره ی خود را نیز از دنیا فراموش مکن» تشویق به کسب مادیات و تحصیل مواهب دنیوی باشد. چنانکه ظاهر آیه بر همین دلالت دارد. (۲)

ص: ۱۱

۱- (۱) -سوره ی قصص آیه ی ۷۷

۲- (۲) -و نیز احتمال می رود که جمله ی «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» تأکیدی بر جمله ی قبلی آن باشد، که اگر چنین باشد دیگر دلالتی بر آنچه ما استنباط کردیم نخواهد داشت، و معنای آن چنین می شود: فراموش نکن که برای آخرت عمل کنی زیرا بهره ی واقعی انسان از دنیا همان است که برای آخرتش انجام داده باشد و این بهره است که برایش باقی می ماند و براستی بهره محسوب می شود. و همین معنا از امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز روایت شده و برخی مفسران محقق همین معنا را اختیار کرده اند. آری ممکن است گفته شود که آیه بنابراین معنایی که ذکر شده دلالت دارد بر اینکه دنیا آنگاه که کمک آخرت باشد مطلوب است

۲- «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (۱) (چون نماز جمعه برگزار شد در زمین پراکنده شوید و از فضل خداوند بطلبید)

فرمان به کسب مادیات در این آیه به جهت آنکه آیه در مقامی است که مانع و محظوری گمان می رود جز بر رفع مانع و مباح بودن کسب مادیات بر چیز دیگری دلالت ندارد، ولی مطلوبیت کسب مواهب مادی در این آیه از اینکه خدای متعال مواهب مادی دنیا را به «فضل خداوند» تعبیر فرموده استفاده می شود.

۳- «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ» (۲)

«ذلول» مرکبی است که رام و سواری بر آن آسان باشد، و بصورت استعاره، زمین با این صفت ذکر شده تا امکان هرگونه تصرفی را در زمین برساند.

«مناکب» جمع «منکب» است که به معنای پشت شانه و میان بازو و کتف است، و در این آیه استعاره بی است برای سطح زمین.

با این مقدمه معنای آیه چنین می شود: (اوست خدایی که زمین را چنان قرار داده که هرگونه تصرفی در آن آسان و ممکن است، پس در زمین پراکنده شوید و در آن از آنچه خداوند روزی شما ساخته بجوئید).

ص: ۱۲

۱- (۱) -سوره ی جمعه آیه ی ۱۰

۲- (۲) -سوره ی ملک آیه ی ۱۵

البته به جهت آنکه آیه در مقام بر شمردن نعمتهای الهی است استفاده ی وجوب از آن مشکل است ولی چنانکه ظاهر آیه دلالت دارد مطلوبیت کسب مواهب مادی از آن استفاده می شود.

در قرآن کریم آیات دیگری نیز با همین مضمون وجود دارد، ولی همینها که ذکر کردیم کافی است و از ذکر ما بقی بی نیاز می سازد.

*** امّا روایات ۱- «ابو خالد کوفی» از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «عبادت هفتاد قسمت است، برترین آنها طلب رزق حلال است» (۱)

کسب و کار و طلب حلال مطلقاً در این روایت مورد تشویق و ترغیب قرار گرفته، زیرا از برترین اقسام عبادت به معنای اعم آن که طاعت و بندگی خدای متعال باشد محسوب می شود، یا خود بمنزله ی عبادت است.

۲- «اسماعیل بن مسلم» از امام صادق از پدران گرامی او علیهم السلام، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

«عبادت هفتاد جزء و برترین جزء آن طلب حلال است» (۲)

۳- پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «روزی ده قسمت است، نه قسمت آن در تجارت و یک قسمت در غیر تجارت است» (۳)

ص: ۱۳

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۱۱ به نقل از «کافی» و «تهذیب».

۲- (۲) - وسائل ۱۳/۱۲ به نقل از «معانی الاخبار» و «ثواب الاعمال»

۳- (۳) - وسائل ۵/۱۲ به نقل از «کافی» و «من لا یحضره الفقیه» - بزودی این روایت را با صدر آن در روایات امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز ذکر می کنیم. به آنجا مراجعه شود.

شاید مراد از اینکه نه قسمت روزی در تجارت است آن باشد که فائده ی تجارت از کارهای دیگر بیشتر است، و یا منظور تجارت به معنای اعم آن است که شامل صنعت و کشاورزی و کارهای دیگر می شود.

۴- «علی بن عبد العزیز» می گوید امام صادق علیه السلام از من پرسید: «عمر بن مسلم» چه می کند؟

عرض کردم: فدایت شوم، به عبادت رو آورده و تجارت را رها کرده است.

فرمود: وای بر او! آیا نمی داند کسی که طلب روزی و کسب و کار را رها کند دعایش مستجاب نمی شود، هنگامی که آیه ی «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» هر کس تقوی بوزد خداوند او را در بن بست نمی گذارد و راهی برای او باز می کند و او را از جائی که گمان نمی برد روزی می دهد» نازل شد، گروهی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله درها را بر خویش فرو بستند، و به عبادت روی آوردند، و گفتند از کسب و کار بی نیاز شدیم و از سوی خدا کفایت می شویم! خبر این موضوع به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، نزد آنان فرستاد و آنان را احضار فرمود و گفت:

چه چیز شما را بر این کار واداشته است؟

عرض کردند: ای پیامبر خدا، خداوند در آن آیه متکفل معیشت ما شد و ما به عبادت روی آوردیم.

فرمود: هر کس چنین کند کسب و کار را رها سازد- دعایش مستجاب نمی شود، بر شما باد که در طلب روزی

از گفتار امام علیه السلام که فرمود «ویحه وای بر او» مذمت شدید رها کردن طلب روزی و کسب و کار و فقط به دعاء پرداختن و وانهادن اسباب ظاهری معیشت، استفاده می شود، و امام (علیه السلام) این طرز فکر را تخطئه فرموده همچنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله طرز فکر گروهی از یارانش را در آنچه از آیه ی مذکور فهمیده بودند خطا و نادرست شمرده است.

۵- «ابو سعید خدری» در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «هر کس درخت «طلح» (۲) یا «سدر» را آبیاری کند مثل آنست که به مؤمن تشنه یی آب داده باشد.» (۳)

در این روایت با رساترین وجه به بهره گیری و کسب مال از طریق کشاورزی و درختکاری تشویق شده است، و اینکه حفاظت و مراقبت از درختان با توجه به اینکه «طلح» و «سدر» خصوصیتی ندارند و درخت خاصی منظور نیست همچون حفظ جان محترمی است، و عقلا چون نگهداری و بقاء درخت با آبیاری کاری نیکو و پسندیده تلقی شده پس درختکاری و غرس نهال نیز پسندیده و نیکوست.

۶- «ابن بکیر» از امام موسی بن جعفر علیهما السلام نقل می کند که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است «نفس

ص: ۱۵

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۱۵ به نقل از «کافی» و «تهذیب» و «فقیه»

۲- (۲) «طلح» درختهای بزرگی که در ریگزارها می روید- «سدر» درخت کنار است.

۳- (۳) - وسائل ۲۵/۱۲ به نقل از «تفسیر عیاشی».

آدمی چون روزی خود را احراز نماید استقرار و آرامش می یابد» (۱)

۷- «اسحاق بن عمار» از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «مردی نزد پیامبر از بی بختی خود (یا از حرفه ی خود) شکایت کرد، پیامبر بدو فرمود: کالاهایی را در نظر بگیر و خریداری کن و بفروش از هر کدام سود یافتی به خرید و فروش همان پرداز» (۲)

از این روایت استفاده می شود که پیدا کردن حرفه ی مناسب و طلب سود نیکو و مطلوب است، تا آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن مرد را به کاری سودآور راهنمایی می فرماید و به او فرمان می دهد خرید و فروش کالائی را که سودآور است پیشه کند.

۸- «سکونی» از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر مردی گذشت که لباسی را می فروخت؛ مرد بلند قامت و لباس کوتاه بود، پیامبر به او فرمود: «بنشین زیرا اگر نشسته لباس را به مشتری ارائه دهی نشستن کالای تو را قیمتی تر می سازد» (۳)

و این ارشادی است از آن گرامی براه کسب و سودخواهی و آموزشی است که بوسیله ی آن اشتباه باصره ی بیننده را که گمان می کند لباس کوتاه است بر طرف نماید با توجه به اینکه لباس واقعا کوتاه نبوده و یا اگر کوتاه بوده چون فروشنده ی بلند قامت

ص: ۱۶

۱- (۱) - وسائل ۳۲۰/۱۲ به نقل از «کافی» و «القیه».

۲- (۲) - وسائل ۳۲۴/۱۲ به نقل از «کافی» و «القیه»

۳- (۳) - وسائل ۳۴۰/۱۲ به نقل از «کافی» و «التهذیب»

ایستاده کوتاهتر می نموده است و بهر صورت این دستور العملی از آن بزرگوار برای تحصیل سود است، پس تحصیل سود از نظر اسلام مطلوب است.

۹- «ابان بن تغلب» از امام باقر علیه السلام نقل می کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «درست نگهداشتن مال از مرّوت و جوانمردی است» (۱).

شاید مراد از درست نگهداشتن - «استصلاح» - نگهداری مال از ضایع شدن و تلف و خودداری از اسراف در آن باشد.

۱۰- امام صادق علیه السلام فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند چه مالی بهتر است؟ فرمود: زراعتی که صاحبش آنرا بکارد و از آن مراقبت نماید و هنگام برداشت محصول حقوق شرعی آن را پردازد. (۲).

۱۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: طلب حلال بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است. (۳).

۱۲- و نیز آن گرامی فرموده اند: کسی که با دسترنج خود زندگی می کند روز قیامت در شمار پیامبران خواهد بود و پاداش پیامبران را می گیرد. (۴).

*** ۱۳- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند: سپاهیان باذن

ص: ۱۷

۱- (۱) - وسائل ۴۰/۱۲ به نقل از «خصال».

۲- (۲) - وسائل ج ۱۳ ص ۱۹۴ به نقل از «کافی» و «الغیة» و «امالی صدوق»، و نیز در جای دیگر به نقل از «معانی الاخبار» و «خصال».

۳- (۳) - بحار الانوار ج ۱۰۳ ص ۹ به نقل از «جامع الاخبار».

۴- (۴) - بحار الانوار ج ۱۰۳ ص ۱۰ به نقل از «جامع الاخبار». و از پیامبران (صلی الله علیه و آله) حدیثی دیگر در روایت «مسعده» از امام صادق علیه السلام خواهد آمد.

خدا، قلعه های مردم و زینت فرمانروایان و عزت دین و راههای امنیتند، و امور مردم بدون آنان اداره نمی شود، و نیز امور سپاهیان نظام نمی پذیرد جز به آنچه خدای متعال از خراج برای ایشان قرار داده است که بوسیله ی آن برای جهاد با دشمنان نیرومند می شوند و برای اصلاح امور خود و رفع نیازمندیهایشان بر آن تکیه دارند، و نیز امور این دو صنف درست نمی شود جز به صنف سوم که قضات و کارگزاران و دبیران باشند. و امور همه ی اینها قوام نمی یابد جز به بازرگانان و صنعتکاران.

(۱)

از این روایت استفاده می شود که تجارت و صنعت و کسب مال و ثروت مطلوب است زیرا فوائد و مصالحی بر آن مترتب می شود که قطعاً از نظر شارع مقدّس مطلوب و لازمند.

۱۴- و نیز آن گرامی فرموده است: «از اموال خود با پرداختن زکات مراقبت کنید» (۲)

از این روایت در می یابیم که مراقبت از مال مطلوب است و زکات وسیله یی است برای آن، و این موضوع با ارشادی بودن «امر» در روایت منافاتی ندارد.

۱۵- امام صادق علیه السلام در حدیثی می فرماید امیر مؤمنان به «موالی»-مسلمانان غیر عرب فرمود: «تجارت کنید خداوند برکتان دهد، من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود روزی ده قسمت است، نه قسمت در تجارت و یک

ص: ۱۸

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۰۰ (چاپ مصر مطبعه الاستقامه).

۲- (۲) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۸۶

۱۶- و نیز امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: «با کسی که روزی به او روی آورده مشارکت کنید، زیرا این کار برای بی نیازی آسان تر و برای آوردن حظ و بهره به او سزاوارتر است». (۲)

۱۷- و نیز از آن گرامی است: «برای مؤمن سه ساعت است اوقات مؤمن به سه قسمت تقسیم شده است: -ساعتی که در آن با پروردگار خویش راز و نیاز می کند، و ساعتی که به تأمین معیشت خود می پردازد، و ساعتی که نفس خویش را به برخورداری از لذت‌های حلال و نیکو وا می گذارد؛ و برای خردمند شایسته نیست که جز در این سه کار سفر کند: تأمین معاش، یا بهره گیری برای آخرت، یا برخورداری از لذتی که حرام نباشد». (۳)

از این کلام استفاده می شود که تأمین معاش بقدر ضرورت مطلوب است، ولی در مورد زائد بر ضرورت این روایت دلالتی ندارد.

۱۸- امیر مؤمنان علیه السلام در گرمای نیمروز برای رفع نیازمندیها کسب معیشت بیرون می آمد و می خواست خداوند او را ببیند که در طلب حلال خود را به رنج و زحمت می اندازد. (۴)

۱۹- امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «خداوند پیشه ور امین و درستکار را دوست دارد» (۵)

ص: ۱۹

۱- (۱) - وسائل ۵/۱۲ به نقل از کافی و الفقیه

۲- (۲) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۰۴

۳- (۳) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۴۷

۴- (۴) - وسائل ج ۱۲ ص ۱۳ به نقل از «الفقیه».

۵- (۵) - وسائل ج ۱۲ ص ۱۳ به نقل از «الفقیه». و نیز ج ۱۲ ص ۹۶ به نقل از کافی و فقیه.

۲۰- «زید شحام» از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «امیر مؤمنان علیه السلام هزار برده را با دسترنج خویش آزاد فرمود» (۱)

و این دلالت دارد بر اینکه به دست خود و با تن خویش کار کردن مستحب است، زیرا عمل امام علیه السلام حجت است و برای پیروی کردن ما سرمشق و الگویی نیکو است.

۲۱- «سکونی» می گوید امام صادق از پدران گرامیش علیهم السلام روایت کرد که امیر مؤمنان علیه السلام در تفسیر این آیه «وَ أَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَ أَقْنَىٰ» فرمودند: یعنی بی نیاز کرد هر انسانی را به معیشتش و خوشنودش ساخت به کسب دستش. (۲)

در این روایت آن گرامی می خواهد آنچه را ظاهر آیه گمان می رود دفع نماید، زیرا ممکن است برخی از ظاهر آیه گمان برند که خدای متعال بدون وسیله انسان را بی نیاز می سازد و امام علیه السلام می فرماید مراد آیه این است که خداوند متعال انسان را با دست یازیدن به اسباب و علل ظاهری کار و کوشش بی نیاز می سازد چرا که تأثیر اسباب و وسایل نیز به اراده و خواست خدای متعال وابسته است.

۲۲- «حسین بن علوان» می گوید امام صادق از پدر گرامیش علیهما السلام نقل کرد که امیر مؤمنان فرموده است: «از رحمت خدا بدور باد کسی که آب و خاک بیابد و باز فقیر و مستمند بماند» (۳)

ص: ۲۰

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۲۲ به نقل از کافی و تهذیب.

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۲۴ به نقل از معانی الاخبار.

۳- (۳) - وسائل ج ۱۲ ص ۲۴ به نقل از قرب الاسناد

از این گفتار ژرف و جامع نکات لطیفی استفاده می شود که از آن جمله است: ۱- فقر و مستمندی ناپسند بوده و تحصیل بی نیازی با توّسل به اسباب و وسایل از نظر شارع پسندیده و مطلوب است. ۲- کسی که از توّسل به وسایل ظاهری معاش در حالیکه آن وسایل آماده و در دسترس اوست خودداری نماید از رحمت خدا دور است، زیرا این کار یکنوع ناسپاسی در برابر نعمت خدا محسوب می شود. ۳- رنج و کوشش در گردآوردن و فراهم ساختن عواملی که برای معاش نتیجه بخش است نزد شارع مقدّس پسندیده و مطلوب است.

۲۳- «زراره» از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود:

«مردی امیر مؤمنان علیه السلام را با کیسه بی از هسته های خرما دید، پرسید: اینها چیست؟ فرمود: «صد درخت خرما است ان شاء الله. و امیر علیه السلام همه ی آن هسته ها را کاشت و یکدانه از آنها را نیز وانگذاشت». (۱)

از این روایت اکیدا تشویق و ترغیب به کشاورزی و درختکاری استفاده می شود.

۲۴- امیر مؤمنان علی علیه السلام در حدیثی می فرمایند:

«معیشت مردمان از پنج چیز است: حکومت و فرمانروایی - کشاورزی و عمران و آبادی بازرگانی اجاره صدقه ها»

و در همین حدیث می فرماید: «و اَمَّا عِمْرَانُ وَ اَبَادِي بَدَانِ جِهَتِ كِهْ خِدَايْ مِتْعَالِ مِيْ فِرْمَايِدْ (هُيْوَ اَنْشَاكُمْ مِّنَ الْمَارِضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيْهَا-) اوست خدایی که شما را از زمین آفرید و از

ص: ۲۱

شما خواست تا در آن به عمران و آبادی پردازید، خدای سبحان با این آیه ما را آگاه می سازد که به مردم فرمان عمران آبادی داده است تا اینکار وسیله یی برای معیشتشان باشد که با حیوانات و محصولات و نظایر آن که از زمین بیرون می آید و خدا آنها را معاش خلایق قرار داده زندگی کنند» (۱)

۲۵- و نیز از آن گرامی در حدیثی که چهار صد موضوع را بیان فرموده اند روایت شده: به دادوستدها پردازید، زیرا تجارت و دادوستد موجب بی نیازی شما از دیگران است، و خدای متعال پیشه ور امین و درستکار را دوست می دارد» (۲)

*** ۲۶- امام صادق علیه السلام فرمودند: امام چهارم زین العابدین علیه السلام هر بامداد در طلب روزی و معاش بیرون می آمدند؛ به او عرض کردند ای فرزند پیامبر خدا کجا می روید؟

فرمود: میروم تا برای عائله ی خود صدقه بگیرم.

عرض کردند: آیا صدقه می گیرید!؟

فرمود: هر کس در طلب روزی حلال باشد آن روزی (که به دست می آورد) صدقه یی از خدا برای اوست. (۳)

۲۷- «ابو حمزه» از امام باقر علیه السلام نقل می کند: هر کس به جهت استعفاف (۴) حفظ آبروی خود که از مردم چیزی

ص: ۲۲

۱- (۱) - وسائل ج ۱۳ ص ۱۹۵ به نقل از کتاب «المحکم و المتشابه» از تفسیر نعمانی

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۴ به نقل از «خصال»

۳- (۳) - وسائل ج ۱۲ ص ۴۳ به نقل از «کافی»

۴- (۴) - در ۳ ثواب الاعمال» به جای استعفافا «استغناء» ذکر شده یعنی برای بی نیازی از مردم.

نطلبد) و کوشش برای تأمین خانواده ی خویش، و برای آنکه بتواند به همسایه ی خود احسان نماید، به کسب مال و مواهب مادی دنیا پردازد، در قیامت خدا را ملاقات می کند در حالیکه چهره اش چون ماه شب چهاردهم درخشنده و نورانی است. (۱)

از این روایت استفاده می شود که به کسب مال با عنوان ثانوی مثل گشایش برای خانواده و احسان و عطوفت به همسایه و بی نیازی و عفاف در برابر مردم، تشویق شده است.

۲۸- امام باقر علیه السلام فرمودند: من دشمن می دارم مردی را که از کسب و کار شانه خالی می کند، و بر پشت خویش می خوابد و می گوید خدایا به من روزی بده! و حرکت در زمین و جستجوی نعمت و فضل خدا را وا می گذارد، در حالیکه مورچه از سوراخ خویش بیرون می آید و روزی خویش را می طلبد. (۲)

این روایت تشویق و ترغیب مؤکدی است به کار و کوشش برای جلب روزی، و تمثیل به مورچه (با توجه به اینکه معروف است مورچه در طلب روزی کوشاست و سستی نمی کند) اشاره ی لطیفی است به لزوم کوشش و تحمل سختی در طلب معاش و اکتفا نکردن به دعا.

۲۹- «یزید بن هارون واسطی» می گوید: در مورد «فلاحان» از امام باقر علیه السلام سؤال کردم، فرمود: آنان کشاورزانند که گنجهای خدا در زمینند، و هیچیک از کارها نزد خدا محبوبتر از کشاورزی نیست، و همه ی پیامبران خدا کشاورز

ص: ۲۳

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۱۱ به نقل از «کافی» و «ثواب الاعمال» و «تهذیب».

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۱۷ به نقل از «فقیه».

بودند جز «ادریس» علیه السلام که خیاط بود. (۱)

در این روایت به کار تولیدی و کشاورزی ترغیب شده است و شاید حصر در این روایت (که محبوبترین کارها را کشاورزی معرفی می کند) «حصر اضافی» باشد (یعنی نسبت به کارهایی که برای معاش و کسب مادیات انجام می شود کشاورزی محبوبتر است نه مطلق اعمال)، یا به جهت آنست که احتیاجات اولیه ی انسان از حیث غذا و لباس، با کشاورزی بدست می آید، و آشکار است که مواد اولیه ی کارهای صنعتی نیز بیشتر از کشاورزی تأمین می شود، ولی تجارت چنانکه معلوم است کار تولیدی نیست.

۳۰- امام صادق علیه السلام نقل فرموده اند که: «محمد بن منکدر» می گفت گمان نمی کردم علی بن الحسین «زین العابدین» علیهما السلام فرزندی بزرگوارتر از خود بر جای گذارد، تا آنکه فرزندش محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) را دیدم. و می خواستم او را موعظه نمایم او مرا موعظه نمود.

یارانش گفتند: به چیز ترا موعظه نمود؟

گفت: در ساعت گرمی به برخی از نواحی مدینه می رفتم، ابو جعفر محمد بن علی علیهما السلام با من روبرو شد، و او مردی تنومند و سنگین بود، و بر دو غلام سیاه یا به دو نفر از موالی تکیه کرده بود (در راه رفتن به او کمک می کردند) با خود گفتم سبحان الله، بزرگی از بزرگان قریش در چنین ساعتی و با چنین حالتی به طلب دنیا (امور مادی) می رود، باید او را موعظه نمایم!

ص: ۲۴

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۲۵ به نقل از «تهذیب».

به او نزدیک شدم و سلام کردم، با گشاده رویی پاسخ داد (یا در حالیکه نفس نفس می زد پاسخ داد) و عرق از او می ریخت، گفتم: خدا حال ترا نیکو سازد، بزرگی از بزرگان قریش در چنین ساعتی و با چنین حالتی در طلب دنیاست؟! نمی ترسی در این حالت اجل در رسد و تو بر این حال باشی؟

فرمود: اگر مرگ در رسد و من بر این حال باشم، مرگ در رسیده در حالیکه به اطاعت و انجام فرمانی از فرمانهای خدای عزیز و جلیل مشغولم که بوسیله ی آن خود و خانواده ی خود را از تو و از مردم بی نیاز سازم. من آنگاه می ترسم که مرگ در رسد و به گناهی از گناهان مشغول باشم.

گفتم: راست گفتی خدا ترا رحمت کند، می خواستم ترا موعظه کنم تو مرا موعظه کردی. (۱)

از این روایت استفاده می شود که جویای مواهب مادی دنیا در حال فرمانبرداری از خدای متعال است، و فرمانبرداری جز در برابر «فرمان» نمی باشد (یعنی می توان نتیجه گرفت که شارع مقدّس به کسب مادیات امر کرده است).

*** ۳۱- «جمیل بن صالح» از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که در تفسیر آیه ی «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً» - پروردگارا در دنیا به ما نیکی ده و در آخرت به ما نیکی ده» فرمود: منظور خشنودی خدا و بهشت در آخرت و

ص: ۲۵

گشایش روزی و معاش و اخلاق نیکو در دنیا است. (۱)

از این کلام در می یابیم که گشایش در روزی و معاش بیشتر از مقدار ضرورت نزد شارع مطلوب است و خواستن آن با دعا از خدای متعال نیکوست.

۳۲- «معلی بن خنیس» می گوید: امام صادق علیه السلام مراد دید که در رفتن به بازار (محل تجارت خود) تأخیر کرده ام، فرمود: صبح زود به سوی عزت و سربلندی خود برو. (۲)

می بینیم که امام علیه السلام عزت را بر مال دنیا اطلاق می فرماید، و برای تحصیل آن فرمان می دهد که اول وقت به بازار رود.

۳۳- «علی بن عقبه» می گوید: امام صادق علیه السلام به یکی از موالی خود فرمود: ای عبد الله عزت خویش را پاسدار.

عرض کرد: فدایت شوم عزت من چیست؟

فرمود: صبح اول وقت به بازار بروی و خود را گرامی داری.

و نیز به یکی دیگر از موالی خود فرمود: چه شده که می بینم اول وقت به سوی عزت خود نمی روی؟

عرض کرد: در تشییع جنازه یی می خواهم حاضر شوم.

فرمود: پس بعد از ظهر رفتن به سوی عزت خود را وا مگذار. (۳)

۳۴- «محمد زعفرانی» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس به تجارت پردازد از مردم بی نیاز می شود.

ص: ۲۶

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۲ به نقل از «کافی» و «فقیه» و «معانی الاخبار» و «تهذیب».

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۳ به نقل از «فقیه».

۳- (۳) - وسائل ج ۱۲ ص ۵ به نقل از «تهذیب».

عرض کردم: اگر چه «معیل» باشد؟

فرمود: اگر چه «معیل» باشد، همانا نه دهم روزی در تجارت است. (۱)

در این روایت اگر «معیل» بمعنای ثروتمند باشد، روایت بر مطلوبیت توسعه در مال دلالت می کند و اگر به معنای عائله مندی و زیادی خانواده و بسیاری مخارج آنها باشد بر مطلوبیت مال به مقدار حاجت دلالت دارد؛ و در هر حال دلیل بر آنست که بی نیازی از مردم مطلوب است.

۳۵- «حماد بن عثمان» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: رها کردن تجارت از نقص عقل است. (۲)

شاید مراد آن باشد که رها کردن تجارت برای کسیکه شغل و عادتش تجارت است موجب نقص عقل او در معاش می شود، زیرا کسی که به تجارت اشتغال دارد مداوما در معرض تبادل افکار است به خلاف کسی که تجارت را رها کرده و در خانه ی خود منزوی شده باشد که از تجارت و تبادل افکار بدور می ماند.

۳۶- «فضیل بن یسار» می گوید امام صادق علیه السلام فرمودند: برای معاش خود چه چاره یی می کنی؟

عرض کردم: فعلا کاری انجام نمی دهم!

فرمود: اینطور اموالتان از بین می رود.

و این موضوع بر آن گرامی سخت و ناگوار بود. (۳)

ص: ۲۷

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۴ به نقل از «کافی» و «تهذیب».

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۵ به نقل از «کافی» و «تهذیب».

۳- (۳) - وسائل ج ۱۲ ص ۶ به نقل از «کافی».

۳۷- «فضیل اعور» می گوید من شاهد بودم که «معاذ بن کثیر» به امام صادق علیه السلام عرض کرد: من در وسعت و ثروت و بی نیازی قرار گرفته ام آیا تجارت را رها کنم؟

امام فرمود: اگر چنین کنی عقلت کم شده است. (یا چیزی شبیه این فرمود) (۱)

۳۸- «معاذ لباس فروش» می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود ای معاذ، آیا از تجارت ناتوان شده بی یا نسبت به آن بی میل گشته بی؟

عرض کردم: نه ناتوان و نه بی میل شده ام!

فرمود: پس چرا (تجارت نمی کنی)؟

عرض کردم: ما منتظر امری بودیم، و بدان جهت است که وقتی «ولید» کشته شد، من مال فراوانی داشتم که هم اکنون در دست من است و کسی هم از من طلبی ندارد، و گمان نمی کنم تا پایان عمرم خورنده ی این مال باشم (یعنی تا پایان عمر هرچه مصرف کنم تمام نمی شود و نیازی به تجارت ندارم).

فرمود: تجارت را ترک نکن، ترک آن عقل را می برد، بر خانواده ی خود وسعت و گشایش بده و مبادا (موجبات آسایش آنان را فراهم نسازی و بر آنان سخت بگیری) که پشت سر تو بدگویی کنند. (۲)

۳۹- و نیز «معاذ» می گوید به امام صادق علیه السلام

ص: ۲۸

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۶ به نقل از «کافی» و «تهذیب»

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۶ به نقل از «کافی» و «تهذیب» - در تهذیب: «انتظر امرک - منتظر فرمان شما بودم» و «لیس لاحد عندی شیئی مال کسی نزد من نیست» ذکر شده است.

عرض کردم: می‌خواهم بازار را رها کنم و ثروت هم دارم.

فرمود: در این صورت خرد تو سقوط می‌کند و در هیچ کاری نمی‌توان از تو یاری خواست. (۱)

از این روایت استفاده می‌شود که توسعه‌ی مال مطلوب است تا انسان بتواند کارهای خیر انجام دهد.

۴۰- «فضل بن ابی قره» می‌گوید: در مجلس امام حاضر بودم که امام صادق علیه السلام از حال مردی جو یا شد و پرسید:

چرا به حج نرفته‌ای؟

عرض کردند: تجارت را رها کرده و تنگدست شده‌ایم.

امام تکیه کرده بود، با شنیدن این پاسخ راست نشست و فرمود: تجارت را رها نکنید که خوار می‌شوید (۲) تجارت کنید تا خدا به شما برکت دهد. (۳)

۴۱- «فضیل بن یسار» می‌گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من از تجارت دست برداشته و از آن خودداری کرده‌ام.

فرمود: برای چه؟ آیا ناتوان شده‌ی؟ اینطور اموالتان از بین می‌رود. از تجارت دست بردارید و فضل خدای عزیز و جلیل را بخواهید. (۴)

از این روایات در می‌یابیم که شارع از دست رفتن مال را ناپسند و نگهداری بلکه زیاد کردن آنرا دوست می‌دارد، و

ص: ۲۹

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۷ به نقل از «کافی» و «تهذیب».

۲- (۲) - در «فقیه»: «فتموتوا - که می‌میرید» ذکر شده است.

۳- (۳) - وسائل ج ۱۲ ص ۷ به نقل از «کافی» و «تهذیب» و «فقیه».

۴- (۴) - وسائل ج ۱۲ ص ۷ به نقل از «کافی».

تجارت جستن فضل خداست که خداوند در قرآن کریم به تحصیل آن فرمان داده است.

۴۲- «محمد بن مسلم» داماد «برید عجلی» بود، «برید» به «محمد بن مسلم» گفت: از امام صادق علیه السلام در مورد کاری که می خواهم انجام دهم سؤال کن؛ و آن اینکه امانتها و اموالی از مردم نزد من است که با آن مضاربه و دادوستد می کنم، و اینک (برای آمادگی جهت مرگ) می خواهم امور دنیوی را رها کنم و مال و حق هر کسی که حقی دارد بخودش برگردانم.

«محمد» این موضوع را از امام علیه السلام سؤال کرد و جریان را به اطلاع امام رساند، و عرض کرد: شما برای او چه صلاح می دانید؟

امام فرمود: ای محمد! آیا می خواهی جنگ با خودش را شروع کنی؟ نه (نباید چنین کند) بلکه مطابق حق و طبق رضای خدای متعال باید دادوستد کند. (۱)

از این روایت استفاده می شود که ترک تجارت و مضاربه، جنگ با خویشان است، اگرچه ترک کننده کسی مثل «برید» باشد که به جهت پیری می خواست امور مادی را رها کند و برای مرگ آماده شود.

۴۳- «اسباط بن سالم» می گوید: روزی امام صادق علیه السلام از حال معاذ که تاجر کرباس بود جويا شد و من در خدمت امام بودم. به امام عرض شد: تجارت را رها کرده است.

ص: ۳۰

امام فرمود: کار شیطان است، هر کس تجارت را رها کند دو ثلث عقلش زایل می شود. آیا نمی دانند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از کاروانی که از شام آمده بود چیزهایی خریداری فرمود و با آن تجارت کرد و از آن سودی یافت که قرضش را پرداخت. (۱)

۴۴- «فضیل بن یسار» می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من تجارت را ترک کرده ام.

فرمود: اینکار را نکن، در را باز و بساطت را پهن کن و از پروردگارت خدای متعال روزی بطلب. (۲)

و از این روایات ترغیب به تجارت استفاده می شود، بلکه به مطلق کسب ترغیب شده در صورتیکه تجارت به عنوان مثال ذکر شده باشد.

۴۵- امام صادق علیه السلام فرموده اند: تجارت عقل را زیاد می کند، و فرمودند: ترک تجارت عقل را می برد. (۳)

۴۶- «عبد الاعلی مولی آل سام» می گوید: یکروز بسیار گرم تابستان در برخی راههای مدینه با امام صادق علیه السلام روبرو شدم، عرض کردم: فدایت شوم، با قربی که نزد خدا و قرابتی که با پیامبر صلی الله علیه و آله دارید، در چنین روزی خود را به رنج و زحمت افکنده اید؟! (۴)

فرمود: ای عبد الاعلی! در جستجوی روزی و معاش بیرون

ص: ۳۱

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۸ به نقل از «تهذیب».

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۸ به نقل از «فقیه».

۳- (۳) - وسائل ج ۱۲ ص ۸ به نقل از «فقیه».

۴- (۴) - در نسخه ی دیگری «لنفسک برای خود کوشش می کنی» ذکر شده.

آمده ام تا از نظایر تو بی نیاز شوم. (۱)

از این روایت استفاده می شود که طلب رزق حلال راجح است، هرچن ظاهرا تعلیلی که شده ارشادی است.

۴۷- «ایوب هروی» می گوید در خدمت امام صادق نشسته بودیم که «علاء بن کامل» آمده و روبروی امام نشست و عرض کرد: دعا بفرمائید خداوند به من بدون کار و کوشش و با راحتی، روزی دهد.

فرمود: برایت دعا نمی کنم، همچنانکه خدای عزیز و جلیل ترا فرمان داده است در طلب روزی باش (کار و کوشش کن) (۲)

۴۸- «کلب صیداوی» می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم در مورد روزی برایم دعا بفرمائید، امور من پیچیده و درهم شده است. امام بلافاصله پاسخ داد: نه، بیرون بیا و در طلب روزی باش (به کار و کوشش پرداز و به دعا واگذار مکن).

(۳)

۴۹- «خالد بن نجیع» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: هر یک از یاران خود را که ملاقات کردید بگویید امام به شما سلام می رساند، و بگویید: بر شما باد که پرهیز کار باشید و به آنچه شما را به ثواب خدا نائل می سازد پردازید، به خدا سوگند به شما فرمانی نمی دهم جز آنکه خودمان را نیز به آن فرمان می دهم، پس بر شما باد که جدی باشید و بکوشید، و چون نماز

ص: ۳۲

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۱۰ به نقل از «کافی» و «تهذیب».

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۱۰ به نقل از «کافی» و «تهذیب».

۳- (۳) - وسائل ۱۱/۱۲ به نقل از «کافی».

صبح را بجا آوردید و از عبادت منصرف شدید صبحگاه به طلب روزی بروید و روزی حلال بطلبید، خداوند به شما روزی خواهد داد و در کسب روزی یاریتان خواهد فرمود. (۱)

۵۰- «علاء» می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: آیا کسی از شما عاجز است که مانند مورچه باشد؟ مورچه روزی خود را به سوی سوراخ خویش می کشد. (۲)

۵۱- «عمر بن یزید» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مردی به خانه ی خود برود و در را فرو بندد در طلب معاش نباشد و کار و کوشش نکند آیا از آسمان چیزی برای او فرود می آید؟! (۳)

۵۲- «عمر بن یزید» می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی می گفت من در خانه ام می نشینم و نماز می خوانم و روزه می گیرم و پروردگارم را عبادت می کنم، و روزی من خواهد رسید!

امام فرمود: این یکی از آن سه نفر است که دعایشان مستجاب نمی شود. (۴)

از این روایت استفاده می شود که شدیداً از رها کردن کار و کوشش نهی شده، و تصوّر کسی که گمان کند بدون خواستن و بدون اسباب و وسایل ظاهری و تنها با دعا روزی می رسد خطا است.

ص: ۳۳

۱- (۱) - وسائل ۱۲/۱۲ به نقل از «کافی»

۲- (۲) - وسائل ۱۲/۱۲ به نقل از «کافی»

۳- (۳) - وسائل ۱۲/۱۲ به نقل از «کافی»

۴- (۴) - وسائل ج ۱۲ ص ۱۴ به نقل از «کافی» و «تهذیب» و «سرائر». (در روایات آینده آن سه دسته یی که دعایشان مستجاب نمی شود ذکر خواهد شد).

۵۳- «معلی بن خنیس» از پدرش نقل می کند که گفت:

امام صادق علیه السلام از حال مردی جو یا شد و من در خدمت امام بودم، به امام عرض کردند: فقر و نیازمندی به او روی آورده است.

فرمود: اکنون چه می کند؟

گفتند: در خانه به عبادت پروردگارش مشغول است.

فرمود: معاشش از کجا تأمین می شود؟

گفتند: توسط برخی از برادرانش.

امام فرمود: به خدا سوگند آنکه معاش او را اداره می کند عابدتر از اوست. (۱)

از این روایت نهی از نشستن در خانه و رها کردن کسب روزی استفاده می شود.

۵۴- «هشام صیدنانی» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: ای هشام، حتی اگر دیدی دو سپاه با هم جنگ را آغاز کرده اند باز کسب معاش را در آن روز وامگذار. (۲)

این روایت اشاره به آنست که از طلب روزی و معیشت چاره یی نیست اگرچه در حال سختی و جنگ باشد.

۵۵- «شهاب بن عبد ربّه» می گوید امام صادق علیه السلام به من فرمود: اگر گمان کنی یا به تو خبر رسد که این امر فرج ما و دولت قائم آل محمد ص فردا وقوع می یابد کسب معیشت را رها نکن، و اگر می توانی بکوش بار تو بر دوش دیگران نباشد. (۳)

ص: ۳۴

۱- (۱) - وسائل ۱۴/۱۲ به نقل از «کافی» و «تهذیب».

۲- (۲) - وسائل ۱۴/۱۲ به نقل از «کافی» و «تهذیب».

۳- (۳) - وسائل ۱۴/۱۲ به نقل از «کافی».

۵۶- «مسعده بن صدقه» در حدیثی طولانی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود:

خداوند در چندین آیه از قرآن فرمود است «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ - خدای متعال اسرافکاران را دوست ندارد»، و آنان را از امساک و سختگیری نیز نهی کرده و به راهی میان این دو فرمان داده است، نباید آنچه دارد ببخشد آنگاه دعا کند که خداوند به او روزی بدهد که دعایش مستجاب نمی شود، و در حدیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است آن بزرگوار می فرماید گروههایی از امت من دعایشان مستجاب نمی شود:

مردی که علیه پدر و مادرش دعا کند.

مردی که علیه بدهکاری که مالش را برده است دعا کند، در حالیکه نوشته و شاهدی بر بدهی او نگرفته باشد.

مردی که علیه زن خود دعا کند در حالیکه خداوند اختیار طلاق را بدست او سپرده است اگر سازش ندارند می تواند او را طلاق دهد.

مردی که در خانه ی خود بنشیند و بگوید: پروردگارا به من روزی بده و بیرون نیاید و بدنبال کسب روزی نرود؛ خدای عزیز و جلیل به چنین کسی می گوید: بنده ی من آیا برای تو راه جستجوی روزی و کسب و کار در زمین را با اعضای سالم قرار ندادم تا برای اطاعت فرمان من در جستجوی روزی بر آیی و میان من و خود معذور باشی و نیز برای آنکه سربار بستگان خویش نباشی، آنگاه اگر بخواهم ترا روزی می دهم و اگر بخواهم بر تو سخت می گیرم و ترا تنگدست می سازم و در این حال تو نزد من

ص: ۳۵

مردی که خداوند به او مال فراوان عنایت کند و او همه ی آنرا به دیگران ببخشد، آنگاه دعا کند پروردگارا به من روزی بده، که خداوند می فرماید: آیا به تو روزی فراوان ندادم، چرا در آن همچنانکه به تو فرمان داده ام میانه روی نکردی و چرا اسراف نمودی در حالیکه ترا از اسراف نهی کرده ام؟

و مردی که برای قطع رحم (بر بدن رشته خویشاوندی با وابستگان خود) دعا کند. (۱)

از این روایت ترغیب به کسب و کار و جستجوی روزی و اکتفا نکردن به دعا، استفاده می شود.

۵۷- امام صادق علیه السلام فرمود: من مردی را که دهان به سوی پروردگار خویش می گشاید و می گوید به من روزی بده و جستجوی روزی را وا می گذارد، دشمن می دارم. (۲)

از این حدیث در می یابیم که ترک طلب روزی و اکتفا کردن به دعا، خطا و مورد دشمنی شارع است.

۵۸- «عمر بن یزید» از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: من برای نیازی که خداوند در مورد آن مرا کفایت فرموده بر مرکب خود سوار می شوم (و بیرون می آیم)، و اینکار جز برای آن نیست که می خواهم خداوند مرا ببیند که در طلب حلال در آفتاب نیمروز بیرون آمده ام. آیا گفتار خدای عزیز و جلیل را نشنیده یی که می فرماید: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ

ص: ۳۶

۱- (۱) وسائل ج ۱۲ ص ۱۴ به نقل از کافی

۲- (۲) وسائل ۱۴/۱۲ به نقل از کافی و فقیه و تهذیب

فَأْتِشِرُوا فِي الْمَآرِضِ وَابْتَغُوا مِنِّي فَضْلَ اللَّهِ - چون نماز جمعه برگزار شد در زمین پراکنده شوید و فضل و نعمت خدا را بجوئید؛ آیا گمان می کنی اگر مردی به خانه برود و در را بر خویش فرو بندد و بگوید: روزی من نازل می شود، چنان خواهد شد؟! نه، او یکی از سه نفری است که دعایشان مستجاب نمی شود.

عرض کردم: آنها چه کسانی هستند؟

فرمود: مردی که زنی دارد و او را نفرین کند مستجاب نمی شود زیرا اختیارش با اوست و اگر بخواهد می تواند او را طلاق دهد.

و مردی که بر دیگری حقی دارد و شاهی بر طلب خود نگیرد، آنگاه بدهکار منکر حق او شود و او بدهکار را نفرین کند مستجاب نمی شود زیرا آنچه به او فرمان داده شده که بر بدهی شاهد یا نوشته یی بگیرد ترک کرده است.

و مردی که مالی دارد و در خانه بنشیند و برای کسب و کار و جستجوی روزی بیرون نیاید تا آنچه دارد مصرف نماید آنگاه دعا کند دعایش مستجاب نمی شود. (۱)

و این روایت با توجه به اینکه خداوند نیاز امام علیه السلام را کفایت کرده بود، به روشنی دلالت می کند که توسعه ی مال و معیشت مستحب است، و در ذیل روایت نیز به کار و کوشش ترغیب شده با آنکه آن مرد مالی به قدر کفایت داشته است.

۵۹- «عبد الاعلی» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۳۷

از خدای متعال بخواهید در دنیا بی نیازی و عافیت و در آخرت آمرزش و بهشت به شما عنایت فرماید. (۱)

و از این استفاده می شود که بی نیازی در دنیا مطلوب است و بهمین جهت امر می فرماید از خدا بخواهید.

۶۰- «علی بن حمزه» می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: من در برخی زمینهای زراعتی خود کار می کنم چنانکه عرق می ریزم، و افرادی را دارم که این کار را برایم انجام دهند، ولی خودم کار می کنم تا خدای عزیز و جلیل مرا مشاهده فرماید که در جستجوی روزی حلال هستم. (۲)

۶۱- «زراره» می گوید مردی خدمت امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: من نمی توانم کاری با دستهایم انجام دهم، و تجارت را نیز به درستی بلد نیستم و مستمند و محتاجم.

امام فرمود: کار کن، و چیزی را بر سر خویش بردار و خود را از مردم بی نیاز ساز همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله سنگی را بر گرده ی خویش حمل کرد و آنرا در دیوارهای -خانه ی خود نصب نمود... (۳)

از این روایت استفاده می شود که با تن خویش کار کردن نیکو و پسندیده است، و موجب عیب و عار برای انسان نیست، و در این مورد پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) سرمشق و الگوی خوبی برای ماست.

۶۲- «اسماعیل بن جابر» می گوید: خدمت امام صادق

ص: ۳۸

۱- (۱) - وسائل ۱۹/۱۲ به نقل از کافی

۲- (۲) - وسائل ۱۲/به نقل از کافی

۳- (۳) - وسائل ج ۱۲ ص ۲۲ به نقل از کافی

علیه السلام رسیدم، آن گرامی در باغ خود بود و بیلی در دست داشت و با آن جلوی آب را باز می کرد، و پیراهنی شبیه به کرباس بر تن داشت که از تنگی بر بدن او چسبیده بود لباس راحتی نبود- (۱)

۶۳- «ابو عمرو شیبانی» می گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم که بیلی در دست و لباسی خشن بر تن داشت و در باغ خود کار می کرد و عرق از پشت او فرو می ریخت. عرض کردم: فدایت شوم بیل را به من بدهید تا به جای شما کار کنم.

فرمود: دوست دارم مرد در طلب معیشت از گرمای آفتاب رنجه شود. (۲)

۶۴- «فضل بن ابی قرّه» می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم در حالیکه در باغ خود مشغول بودند، عرض کردیم: فدایتان شویم بگذارید ما برایتان انجام دهیم یا برخی از غلامان انجام دهند.

فرمود: نه، مرا به کار خود وا گذارید، می خواهم خدای عزیز و جلیل مرا ببیند که به دست خود کار می کنم و با زحمت و رنج خود جویای حلال هستم. (۳)

از این روایات و نظایر آنها دریافته می شود که ائمه علیهم السلام با کار بدنی خود مردم را به کار و کوشش ترغیب می فرمودند چرا که عمل ائمه (علیه السلام) حجت است، و نیز استفاده می شود کار آن بزرگواران اضافه بر مقدار ضرورت و برای توسعه

ص: ۳۹

۱- (۱) - وسائل ۲۳/۱۲ به نقل از «کافی»

۲- (۲) - وسائل ۲۳/۱۲ به نقل از «کافی»

۳- (۳) - وسائل ۲۴/۱۲ به نقل از «فقیه»

در زندگی بوده است.

۶۵- «محمد بن عذافر» می گوید: امام صادق علیه السلام هزار و هفتصد دینار به پدرم داد و فرمود: با آن برای من تجارت کن، و فرمود: من به سود آن رغبتی ندارم با آنکه سود خواستی و مرغوب است، لکن دوست دارم خدای عزیز و جلیل مرا ببیند در پی فوایدی که او قرار داده می روم.

پدرم گفت: با آن پول صد دینار سود کردم و امام را ملاقات نمودم و به عرض رساندم: صد دینار برای شما با پولتان سود کرده ام.

امام بسیار شاد شد و فرمود: آنرا روی سرمایه ی من قرار بده.

پس از چندی پدرم در گذشت، امام علیه السلام کسی را فرستاد و به من نوشت «خداوند ما و ترا در عافیت بدارد، هزار و هشتصد دینار مال من نزد پدرت بود که به او داده بودم تا با آن تجارت کند اکنون آنرا به «عمر بن یزید» بده.

من در حساب و کتاب پدرم نظر کردم، در آن نوشته بود: از مال ابو موسی امام صادق علیه السلام هزار و هفتصد دینار نزد من است که با آن صد دینار در تجارت سود کردم، و «عبد الله بن سنان» و «عمر بن یزید» او را ابو موسی رامی شناسند. (۱)(۲)

از این روایت استفاده می شود که طلب سود بوسیله ی تجارت

ص: ۴۰

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۲۶ به نقل از «کافی» و «تهذیب»

۲- (۲) گویا شخصی که برای امام تجارت می کرده است برای پنهان داشتن ارتباط خود با امام، نام امام را در حسابهای خود «ابو موسی» نوشته بود تا اگر وقتی اتفاق افتاد مورد بررسی و بازرجویی مأموران حکومت قرار گرفت نتوانند به ارتباط او با امام صادق علیه السلام پی ببرند.

پسندیده و مرغوب است زیرا سود از فوائد الهی است و در پی فوائد الهی رفتن پسندیده است اگرچه انسان غنی و بی نیاز باشد. (۱)

۶۶- «حلبی» از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: کسی که برای تأمین خانواده ی خویش زحمت می کشد همچون مجاهد در راه خداست. (۲)

۶۷- «فضل بن یسار» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: مرد تنگدستی که کار می کند و بقدر معیشت خود و خانواده اش بدست می آورد و در طلب حرام بر نمی آید همچون مجاهد در راه خداست. (۳)

از این دو روایت بر می آید که طلب مال نزد شارع مقدّس بقدر مطلوب و پسندیده است که آنرا به جهاد در راه خدا تشبیه فرموده اند، البته ممکن است به جهت فرمایش امام که فرمود «به قدر معیشت خود و خانواده اش بدست می آورد» گفته شود این دو روایت بر مطلوب بودن بیش از مقدار نیاز دلالتی ندارد (۴)

۶۸- «زراره» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: از رزق و روزی است آنچه به جهت مشقّت پوست را

ص: ۴۱

۱- (۱) - صدر همین روایت با اندک اختلافی در متن، در وسائل ج ۱۲ ص ۲۶ به نقل از «کافی» و «فقیه» و با سندی دیگر ذکر شده است.

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۴۲ به نقل از «کافی» و «فقیه».

۳- (۳) - وسائل ج ۴۳/۱۲ به نقل از «کافی».

۴- (۴) - و همینطور در روایتی که «زکریا بن آدم» از امام رضا علیه السلام نقل کرده و در آن جمله ی «ما یکف به عیاله آن مقدار که عائله اش را تأمین کند» ذکر شده و در صفحات آتی این روایت را نقل خواهیم کرد.

بر استخوان می چسباند. (۱)

از این روایت استفاده می شود که طلب روزی مطلوب و پسندید است اگرچه با زحمت و مشقتهایی باشد که پوست را بر استخوان بچسباند (و الله العالم).

۶۹- امام صادق علیه السلام به غلام خود «مصارف» فرمود: برای خود باغی یا مزرعه بی تهیه کن، زیرا مرد اگر با گرفتاری و مصیبتی روبرو شود و بداند که پس از او چیزی هست که عائله اش را اداره کند، آرامش خاطر بیشتری خواهد داشت. (۲)

از این روایت استفاده می شود نزد شارع تهیه ی زمین زراعتی برای تأمین آینده کاری پسندیده و مطلوب است.

۷۰- امام صادق علیه السلام فرمود: از ما نیست کسی که دنیایش را به جهت آخرتش و یا آخرتش را به جهت دنیایش وا گذارد. (۳)

از این روایت دریافته می شود که جمع بین دنیا و آخرت ممکن است، و پیرو ائمه علیهم السلام کسی است که هر دو را با هم رعایت کند و هیچیک را وا نگذارد.

۷۱- «عمر بن اذینه» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی، به غربت و راه دور رفتن در طلب روزی را دوست دارد. (۴)

۷۲- «احمد بن محمد بن ابی النصر» می گوید از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: امام باقر و امام صادق علیهما السلام تا گندم و نان سالانه را تأمین نمی کردند باغی خریداری

ص: ۴۲

۱- (۱) - وسائل ۴۳/۱۲ به نقل از «کافی».

۲- (۲) - وسائل ۴۴/۱۲ به نقل از «کافی».

۳- (۳) - وسائل ج ۱۲ ص ۴۹ به نقل از «فقیه».

۴- (۴) - وسائل ۵۰/۱۲ به نقل از «فقیه».

نمی فرمودند، و می گفتند: انسان وقتی گندم و نالن سال را تأمین کند پشتش سبک و راحت می شود. (۱)

۷۳- «حماد بن عثمان» می گوید: مردم مدینه به قحطی دچار شدند چنانکه مرد تنگدست گندم را با جو مخلوط می کرد و (نانی که از اختلاط آرد گندم و جو بدست می آمد) می خورد....

در این هنگام امام صادق علیه السلام گندمی خوب و مطبوع داشت که در ابتدای سال خریداری فرموده بود، امام با مشاهده ی وضع مردم به یکی از خدمتکارانش فرمود: برای ما جو خریداری کن و با این گندم مخلوط نما، یا گندم ما را بفروش، زیرا دوست نداریم ما نان خوب و مطبوع بخوریم در حالیکه مدرم نانی نامطبوع می خورند. (۲)

از این دو روایت استفاده می شود که تهیه ی خوراک سال و ذخیره کردن آن نزد شارع مطلوب است و روش ائمه علیهم السلام همین بوده، و برای این کار علمتی ارتکازی و عقلی ذکر فرموده اند و آن اینکه ذخیره کردن خوراک سال موجب اطمینان خاطر و راحتی خیال است.

۷۴- «سکونی» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر مرد دید در تجارتنی چیزی بدست نمی آید به تجارت دیگری پردازد. (۳)

۷۵- «اسحق بن عمار» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در طلب رزق و روزی کمی برآید همان موجب

ص: ۴۳

۱- (۱) - وسائل ۳۲۱/۱۲ به نقل از «قرب الاسناد».

۲- (۲) - وسائل ۳۲۱/۱۲ به نقل از «کافی» و «تهذیب».

۳- (۳) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۲۵ به نقل از «کافی» و «تهذیب».

جلب رزق و روزی فراوان برای او می شود. (۱)

۷۶- «اسحق بن عمار صیرفی» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: آنکه رزق اندک را کم و ناچیز بشمارد از رزق فراوان محروم می شود. آنگاه امام به من رو کرد و فرمود: ای اسحق، روزی کم را ناچیز بدان که از بسیار آن محروم می شوی. (۲)

و در این روایت به امری عقلی و بدیهی ارشاد فرموده است و آن مضمون ضرب المثل مشهوری است که می گویند: «قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود» بنابراین ناچیز دانستن روزی و بهره ی کم جایز نیست زیرا بهره ی فراوان معمولاً جز با گرد آمدن بهره های کوچک تحقق نمی پذیرد؛ و از این روایت تلویحاً استفاده می شود که تهیّه ی روزی فراوان نزد شارع مطلوب است.

۷۷- «ثعلبه» توسط مردی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: مراقبت از مال جزو ایمان است. (۳)

۷۸- برخی روایان از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که فرمود: بر تو باد مراقبت از مال، زیرا این کار موجب بزرگی و شرافت انسان بزرگوار و بی نیازی از افراد پست است. (۴)

۷۹- «هشام بن حکم» می گوید از امام صادق علیه السلام عُلّت تحریم ربا را پرسیدم، فرمود: زیرا اگر ربا حلال بود مردم

ص: ۴۴

۱- (۱) - وسائل ۳۳۸/۱۲ به نقل از «کافی».

۲- (۲) - وسائل ۳۳۸/۱۲ به نقل از «کافی».

۳- (۳) - وسائل ۴۰/۱۲ به نقل از «کافی» و «فقیه».

۴- (۴) - وسائل ۴۰/۱۲ به نقل از «کافی».

تجارتها و آنچه به آن نیازمندند رها می کردند، به این جهت خداوند ربا را حرام فرمود تا مردم با تنفر از حرام به حلال و دادوستدها و خرید و فروش رو آورند، پس می ماند اینکه میان خود بجای رباقرض الحسنه بدهند. (۱)

۸۰- «مفضل بن عمر» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که خود را اجیر دیگری سازد جلوی روزی خود را گرفته است.

۸۱- در روایتی دیگر فرمود: و چگونه جلوی روزی خود را نگرفته باشد در حالیکه آنچه در آن کار نصیبش شود متعلق به کسی است که او را استخدام کرده است. (۲)

۸۲- «عمار سباطی» می گوید به امام صادق عرض کردم:

مردی تجارت می کند، آیا اگر خود را اجیر دیگری سازد آنچه در تجارت نصیبش شود بخودش داده می شود؟

فرمود: خود را اجیر دیگری نسازد، بلکه از خدا روزی بخواهد و تجارت کند، زیرا اگر اجیر شود جلوی روزی خود را گرفته است. (۳)

این روایات به راهی که سودش بیشتر است تشویق و ارشاد می فرماید، و آن تجارت و استقلال در کار است، به خلاف استخدام شدن که آنچه در ازاء کارش می گیرد معمولاً مساوی با مقداری از کار اوست، با آنکه بازده و حاصل کار را او بوجود

ص: ۴۵

۱- (۱) - وسائل ۴۲۴/۱۲ به نقل از «فقیه» و «علل الشرایع» (در علل الشرایع به جای «فیبقی پس می ماند اینکه فیتصل پس می رسد به اینکه» ذکر شده است).

۲- (۲) - وسائل ۱۷۵/۱۲ به نقل از «کافی» و «فقیه».

۳- (۳) - وسائل ۱۷۶/۱۲ به نقل از «کافی» و «فقیه» و «تهذیب» و «استبصار».

آورده است.

۸۳- «سیابه» می گوید مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: فدایت شوم شنیده ام برخی می گویند کشاورزی مکروه و ناپسند است.

فرمود: زراعت کنید و درخت بکارید، نه به خدا سوگند، مردم کاری حلالتر و نیکوتر از آن انجام نمی دهند.... (۱)

۸۴- «یزید بن هارون» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: کشاورزان گنجهای جامعه اند، چیز نیکویی را که خدای عزیز و جلیل می رویاند کشت می کنند، و آنان از نظر جا و منزلت در قیامت بهترین مردمند و به نام «مبارک» ها خوانده می شوند. (۲)

۸۵- و نیز روایت شده که امام صادق علیه السلام فرمود:

کیمیای بزرگتر کشاورزی است. (۳)

و در این روایات و نظایر آن به تولیدات کشاورزی اکیدا تشویق و ترغیب شده و اینکه زراعت را کیمیا و کشاورزان را گنج نامیده اند آشکارا حاکی از آنست که کشاورزی، کار تولیدی واقعی است، و معیشت انسان بیشتر بر کشاورزی استوار است و گردش کارهای صنعتی نیز بدان وابسته است زیرا مواد اولیه غالباً از زمین بدست می آید.

*** ۸۶- «موسی بن بکر» می گوید امام کاظم علیه السلام به

ص: ۴۶

۱- (۱) - وسائل ج ۱۳ ص ۱۹۳ به نقل از «کافی» و «فقیه» و «تهذیب».

۲- (۲) - وسائل ۱۳/۱۹۴ به نقل از «کافی»

۳- (۳) - وسائل ۱۳/۱۹۴ به نقل از «کافی»

من فرمود: کسی که از راه حلال کسب روزی می کند تا خود و عائله اش را تأمین نماید همچون مجاهد در راه خداست. (۱)

در این روایت تأکید بلیغی است بر طلب دنیا، زیرا امام علیه السلام آنرا به منزله ی جهاد در راه خدا و معادل آن قرار داده است، خصوصاً اگر «امر» به جهت ذکر علت و حکمت، ارشادی باشد.

۸۷- «علی بن حمزه» می گوید: امام کاظم علیه السلام را دیدم که در زمین خود کار می کرد و پاهایش در عرق پوشیده بود، عرض کردم: فدایتان شوم دیگران کجا هستند؟ (که به جای شما این کار را انجام دهند)

فرمود: ای علی! کسانی که از من و پدرم بهتر بودند با دست خود در زمین کار کردند.

عرض کردم: آنان چه کسانی بودند؟

فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان و پدران من علیهم السلام، همگی با دستهای خود کار کردند. و این روش پیامبران و رسولان و اوصیاء و صالحان است. (۲)

در این روایت امام صریحاً توهم راوی را که گمان می کرد کار با زحمت و مشقت در شأن امام علیه السلام نیست تخطئه فرموده است، و تأکید است که این کار روش صالحان و پیامبران و رسولان بوده و نیز ترغیب اکیدی است به کارهای کشاورزی.

ص: ۴۷

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۱۱ به نقل از «کافی» و «تهذیب».

۲- (۲) - وسائل ۲۳/۱۲ به نقل از «کافی» و «فقیه».

*** مرحوم صدوق از امام کاظم روایت می کند که فرمود: برای دنیایت چنان کار کن که گویا تا ابد زنده خواهی بود و برای آخرت چنان کار کن که گویا فردا خواهی مرد. (۱)

در این روایت دو احتمال می رود: یکی آنکه در امور دنیا محکم کاری و دقت کند چنانکه گویی تا ابد می خواهد زنده باشد و در امور آخرت مثل توبه و پرداخت بدهی و انجام واجبات عجله و شتاب نماید چنانکه گویی دلواپس است که فردا می میرد.

دوم: آنکه در امور دنیا سستی و مسامحه ورزد و به آن اهمیت ندهد چنانکه گویا تا ابد زنده است و شتابی برای انجام کارهای دنیوی ندارد زیرا وقت بسیار است و فرصت از دست نمی رود، ولی در امور آخرت عجله کند و در انجام آنها بکوشد زیرا اجل ناگهان می رسد.

شاید احتمال دوم به جهت مقابله میان دنیا و آخرت در شتاب و سستی، ترجیح داشته باشد، به خلاف احتمال اول که در مورد دنیا استواری و محکم کاری منظور است و در مورد آخرت شتاب و به تأخیر نینداختن.

و بنا بر احتمال اول روایت جزو روایاتی خواهد بود که به تحصیل دنیا ترغیب می کند.

۸۸- «احمد بن محمد بن ابی نصر» می گوید به امام رضا علیه السلام عرض کردم: من در کوفه پرورش یافته ام و وضع

ص: ۴۸

معاش و درآمد در کوفه خوب نیست و گشایشی ندارد، و معاش ما در بغداد تأمین می شود، و از این کوهستان (منظور «بلاد جبل» یعنی قسمتهای غربی ایران بین عراق تا همدان است) در رزق و روزی بر مردم گشوده شده است.

فرمود: اگر می خواهی از کوفه خارج شوی (و برای معاش مسافرت کنی) خارج شو، زیرا امسال سال ناآرامی است و برای مردم هم چاره یی جز طلب معاش نیست پس تو نیز طلبیدن (و دنبال معاش رفتن) را وا مگذار. (۱)

در این روایت به خروج از شهر و زادگاه برای معاش و توسعه ی زندگی، ترغیب شده است.

۸۹- «زکریا بن آدم» می گوید امام رضا علیه السلام فرمود:

آنکه از فضل و نعمت خدا می طلبد تا از عائله ی خود نگهداری کند اجرش از مجاهد در راه خدای عزیز و جلیل بزرگتر است. (۲)

۹۰- «حسن بن جهم» می گوید از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: انسان وقتی نان و گندم سالش را تأمین نماید پشتش سبک و راحت می شود. (۳)

۹۱- «بزنطی» می گوید به امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم از خدا بخواهید به من روزی حلال عنایت فرماید.

فرمود: آیا می دانی حلال چیست؟

عرض کردم: فدایت شوم آنچه نزد ما مشهور است اینکه

ص: ۴۹

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۱۸ به نقل از «قرب الاسناد».

۲- (۲) - وسائل ۴۳/۱۲ به نقل از «کافی».

۳- (۳) - وسائل ۳۲۰/۱۲ به نقل از «کافی».

حلال یعنی کسب و درآمد پاک و نیکو.

فرمود: امام چهارم علی بن الحسین علیهم السلام فرموده اند: حلال معاش و روزی بر گزیدگان است، لکن تو (در دعای خود بگو: خدایا رزق و روزی فراوان و گسترده ی تو را خواستارم. [\(۱\)](#))

ص: ۵۰

۱- (۱) - بحار ج ۱۰۳ ص ۴ به نقل از «قرب الاسناد».

۲- دنیا و مواهب مادی خوب و «خیر» است

۱- خدای متعال می فرماید: «يَسْئَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ» (۱) - ای پیامبر از تو می پرسند چه چیز انفاق کنند بگو آنچه از «خیر مال» انفاق می کنید پس برای پدر و مادرست).

۲- «وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (۲) (و آنچه از «خیر مال» انفاق نمائید پس همانا خداوند به آن داناست).

۳- «وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفِّ إِلَيْكُمْ» (۳) (و آنچه از «خیر - مال» انفاق کنید به شما داده می شود).

۴- «وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا تُنْفِسْكُمْ» (۴) (و آنچه از «خیر - مال» انفاق کنید برای خودتان است).

در «مفردات راغب» چنین ذکر شده: «خبر» یعنی آنچه همه به

ص: ۵۱

۱- (۱) - سوره ی بقره آیه ی ۲۱۵

۲- (۲) - سوره ی بقره آیه ی ۲۷۳

۳- (۳) - سوره ی بقره آیه ی ۲۷۲

۴- (۴) - سوره ی بقره آیه ی ۲۷۲

آن رغبت و میل داشته باشند مانند عقل و عدل و فضل و چیزهایی که سودمند است، و ضد آن «بشر» است. و نیز گفته اند «خیر» دو معنا دارد: «خیر مطلق» که عبارت از چیزهایی است که در هر حال و نزد هر کس مرغوب و پسندیده است... و «خیر مقید» که برای یکی خیر است و برای دیگری شرّ، مثل مال که ممکن است برای زید خیر باشد و برای عمرو شرّ، و بهمین جهت خدای متعال مال را به دو صورت وصف فرموده است، در جایی می فرماید:

«إِنْ تَرَكَ خَيْرًا... اگر مالی از خود باقی گذاشت» (۱) و در جای دیگر می فرماید: «أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُؤْتُهُمْ بِهِ مِنْ مَالٍ وَبَيْنَ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ - آیا (مخالفان) گمان می کنند اینکه کمکشان کردیم به مال و فرزندان به جهت آنست که برای خیر رساندن به آنان می شتابیم؟» (۲)

و نیز «مفردات راغب» می گوید: «خیر» و «شرّ» بر دو وجه است، یکی آنکه هر دو «اسم» هستند چنانکه گذشت و به این معناست که قرآن می فرماید «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ - باید از شما گروهی باشند که به «خیر» دعوت نمایند» (۳)

دیگر آنکه هر دو «صفت» و با معنای تفضیلی هستند، مثل فرموده ی خدای متعال: «نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا» (۴) - بهتر از آن را

ص: ۵۲

۱- (۱) - سوره ی بقره آیه ی ۱۸۰

۲- (۲) - سوره ی مؤمنون آیه ی ۵۶

۳- (۳) - سوره ی آل عمران آیه ی ۱۰۴

۴- (۴) - سوره ی بقره آیه ی ۱۰۶

بنابراین «خیر» در آیاتی که ذکر شد با معنای «اسمی» بر چیز سودمند اطلاق شده و مراد از آن مال است؛ پس مال از نظر قرآن خیر و خوب است.

ممکن است در ذهن خطور کند که اطلاق خیر بر مال در این آیات به اعتبار آنست که انفاق (که کار خیر و پسندیده‌ی است) بر آن منطبق شده، و گرنه مال بنابراینکه شیئی از اشیاء است به خودی خود نه خوب است نه بد، همچنانکه کارد نه خوب است نه ب مگر به اعتبار کاربرد آن، یعنی اگر مثلاً برای ذبح مشروع حیوانی بکار رود خوب است و اگر برای قتل مؤمنی بکار رود بد است، مال هم هنگامیکه صفت انفاق روی آن بیاید «خیر» است نه مطلقاً.

ولی ظاهراً صفت خوبی برای مال پیش از انفاق وجود دارد نه آنکه بوسیله‌ی انفاق حاصل شود، و گواه این معنا آیاتی است که ذیلاً ذکر می‌کنیم، و در آنها اطلاق خیر بر مال به جهت عنوانی از عناوین مثل انفاق نیست:

۵- «فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» - موسی علیه السلام در دعای خود به خدای متعال عرض کرد: پروردگارا به آنچه از «خیر مال» برایم نازل فرمائی محتاج و نیازمند» (۲)

۶- «فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي» - سلیمان علیه السلام گفت: من به جهت دوست داشتن «خیر» -

ص: ۵۳

۱- (۱) - مفردات راغب طبع مکتبه‌ی مرتضویه ص ۱۶۰

۲- (۲) - سوره‌ی قصص آیه‌ی ۲۴

اسب، مال» از یاد پروردگارم باز ماندم...» (۱)

۷- «هَمْ مِنْ مَشَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ مَنَعَ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ - طعنه زننده یی که بسیار پی سخن چینی می رود، مانع «خیر» متجاوزی گناهکاری...» (۲)

۸- «أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ مَنَعَ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُرِيبٍ - بیفکنید در دوزخ هر بسیار ناسپاس کینه توزی را که بشدت مانع خیر، متجاوز، و شک کننده ی (در خدا) است» (۳)

بنابر آنکه مراد از «خیر» در دو آیه ی اخیر مال و مراد از «منع» منع و خودداری از پرداخت حقوق مالی باشد (به کتابهای مناسب این موضوع نظیر تفاسیر رجوع شود)

۹- «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا - انسان به شدت حریص آفریده شده است، چون شری به او برسد بسیار بی تاب می کند، و چون خیری به او برسد بسیار بخل می ورزد» (۴)

مراد از «شر» و «خیر» چنانکه در تفسیر «علی بن ابراهیم قمی» ذکر شده «فقر» و «غنی» است، و سیاق آیه نیز همین را اقتضا می کند، و «هلوع» از ماده ی «هلع» است که به معنای شدت حرص و آز می باشد، و گفته اند که دو آیه ی بعد از «هلوعا» آنرا تفسیر می کند، و با این معنا کلمه ی «مس» و «منوع» نیز مناسبت دارد، و از لوازم حرص و آز شدید جزع و

ص: ۵۴

۱- (۱) -سوره ی ص آیه ی ۳۲

۲- (۲) -سوره ی قلم آیه ی ۱۲

۳- (۳) -سوره ی ق آیه ی ۲۵

۴- (۴) -سوره ی معارج آیه ی ۲۱

بی تابی در برخورد با شرّ و فقر، و بخل و خودداری در برخورد با خیر و بی نیازی و ثروت است.

۱۰- «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ، وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكُمْ لَشَهِيدٌ، وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ- همانا انسان نسبت به پروردگار خود ناسپاس و نافرمان است، و او گواه بر این است، و او سخت دوستدار خیر (مال) است» (۱)

گفته اند مراد از آیه این است که انسان به شدت دوستدار مال می باشد و همین مالدوستی موجب می شود که از ادای حقوق الهی و انفاق در راه خدا خودداری ورزد.

این آیه و آیات قبلی با آنکه در مقام مذمت و سرزنش انسان و حرص و کفران و ناسپاسی اوست، در عین حال در مورد مال کلمه ی «خیر» را بکار برده است و این گواه روشنی است بر آنچه ما در صدد اثبات آن هستیم.

۱۱- «كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ- نوشته شد بر شما (فرمان الهی است) که چون مرگ یکی از شما فرا رسد اگر مالی بر جای گذارد، برای پدر و مادر و خویشان به نیکی وصیت کند» (۲)

و این آیه از روشنترین آیاتی است که بر آنچه ما در صدد اثبات آنیم دلالت دارد، خصوصاً اگر مراد از «خیر» مال فراوان باشد.

ص: ۵۵

۱- (۱) -سوره ی عادیات آیه ی ۸

۲- (۲) -سوره ی بقره آیه ی ۱۸۰

۳- دنیا و مواهب مادی آن فضل و مرحمت خدای متعال است

۱- خدای متعال می فرماید: «وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ - آنانکه در انفاق آنچه خداوند از فضل و نعمت خود به ایشان عطا کرده بخل می روزند گمان نکنند این برایشان بهتر است بلکه این برای آنان بدتر است» (۱)

۲- «الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ - آنانکه بخل می ورزند و مردم را به بخل فرمان می دهند و آنچه خداوند از فضل و نعمت خود به آنان عطا کرده کتمان می نمایند» (۲)

اگرچه فضل به علم و دیگر کمالات معنوی نیز اطلاق می شود اما به قرینه ی «بخل» باید گفت آشکارترین مصداق آن در این آیات «مال» است.

ص: ۵۶

۱- (۱) -سوره ی عمران آیه ی ۱۸۰

۲- (۲) -سوره ی نساء آیه ی ۳۷

۳- «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا- آيا بر آنچه خداوند از فضل و نعمت خود به مردم عطا فرموده حسد می ورزند؟ پس قطعاً ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت عنایت کردیم و به آنان پادشاهی بزرگی دادیم» (۱)

این کلام خدای متعال که «به آنان پادشاهی بزرگی دادیم» گواه عمومیت معنای «فضل» و اشتغال آن بر مال و پادشاهی که مواهب مادی و دنیوی هستند می باشد.

۴- «وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فُضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَنْ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا- و اگر نعمتی از خدا نصیب شما شود البته (منافق بدون در نظر گرفتن سوابق آشنائی) چنانکه گویا میان شما و او هرگز دوستی نبوده است می گوید کاش همراه آنان بودم و به بهره یی بزرگ نائل می شدم» (۲)

«فضل» در این آیه بر غنیمت و فتح اطلاق شده چنانکه مورد آیه نیز گواه آنست. (مراجعه شود)

۵- «وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ- و اگر از سنگینی مخارج زندگی و تنگدستی بیم دارید پس خداوند اگر بخواهد شما را به فضل و رحمت خود بی نیاز می سازد» (۳)

ص: ۵۷

۱- (۱) -سوره ی نساء آیه ی ۵۴

۲- (۲) -سوره ی نساء آیه ی ۷۳

۳- (۳) -سوره ی توبه آیه ی ۲۸

یعنی: اگر از فقر و نیازمندی می ترسید چون مسلمانان مکه می ترسیدند با جلوگیری از ورود مشرکان به مکه تجارتها و درآمدشان از دست برود خداوند از طریق دیگری شما را بی نیاز می سازد.

۶- «وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ» - و اگر به آنچه خدا و رسولش به آنان عطا کردند راضی می شدند و می گفتند خدا ما را بس است بزودی خدا و پیامبرش از فضل و نعمت الهی به ما عطا می کنند، ما به سوی خدا رغبت و اشتیاق داریم برای آنان بهتر بود» (۱)

۷- «وَمَا نَقْمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ» - و کینه ندارند جز از آنرو که خدا و پیامبرش از فضل و نعمت الهی به آنان بی نیازی عطا کردند» (۲)

۸- «وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنُصَدِّقَنَّ وَلَنَكُوفُنَّ مِنَ الصَّيْحَانِ، فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ» - و برخی از آنان با خدا پیمان بستند که اگر خداوند از فضل و نعمت خویش به ما عطا کند البته صدقه می دهیم و از شایستگان می شویم، و هنگامیکه خداوند به آنان از فضل و نعمت خود عطا کرد در آن بخل ورزیدند و پشت کردند در حالیکه (از تعهد خود) روی گردانند» (۳)

۹- «وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ» - و کشتی

ص: ۵۸

۱- (۱) -سوره ی توبه آیه ی ۵۹

۲- (۲) -سوره ی توبه آیه ی ۷۴

۳- (۳) -سوره ی توبه آیه ی ۷۵

را می بینی که (آب دریا را) می شکافد و برای آنکه از فضل و نعمت خدا روزی بطلبید» (۱)

۱۰- «رَبُّكُمْ الَّذِي يُرْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ- پروردگار شماست آنکه کشتی را در دریا می راند تا از فضل و نعمت او روزی بجوئید» (۲)

۱۱- «... وَ جَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِيَتَّبِعُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ- و آیت روز را روشن قرار دادیم تا فضل و نعمتی از پروردگارتان را بجوئید» (۳)

۱۲- «وَلَا يَأْتِلِ أَوْلُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَ السَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أَوْلَى الْقُرْبَى... و کوتاهی و خودداری نکنند نعمت داران و ثروتمندان شما از عطا کردن و رسیدگی به خویشان» (۴)

۱۳- «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ- اگر فقیر باشند خداوند به فضل و نعمت خود بی نیازشان می فرماید و خداون گشایش دهنده ی داناست» (۵)

۱۴- «وَ مِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ- و از رحمت خود برای شما شب و روز را قرار داد تا در آن بیارامید و تا از فضل و نعمت او بجوئید» (۶)

۱۵- «وَ مِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ ابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ- و از آیات اوست خفتن شما در شب و روز و روزی جستن شما از فضل و نعمت او» (۷)

ص: ۵۹

۱- (۱) -سوره ی نحل آیه ی ۱۴

۲- (۲) -سوره ی اسراء آیه ی ۶۶

۳- (۳) -سوره ی اسراء آیه ی ۱۲

۴- (۴) -سوره ی نور آیه ی ۲۲

۵- (۵) -سوره ی نور آیه ی ۳۲

۶- (۶) -سوره ی قصص آیه ی ۷۳

۷- (۷) -سوره ی روم آیه ی ۲۳

۱۶- «وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» - و تا روان شود کشتی به فرمان او، و تا روزی بجوئید از فضل و نعمت او، و باشد که شکر گذاری کنید» (۱)

۱۷- «وَتَرَى الْفُلُكَ فِيهِ مَوَاحِرَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» - و می بینی کشتی را که در آن می شکافد آب را تا روزی بجوئید از فضل و نعمت او، و باشد که شکر گزاری کنید» (۲)

۱۸- «اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ» - خداست که دریا را برای شما رام ساخت تا بفرمانش کشتی در آن روان شود و تا از فضل و نعمت او روزی بجوئید» (۳)

۱۹- «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» - پس هنگامیکه نماز جمعه برگزار شد در زمین پراکنده شوید و از فضل و نعمت خدا روزی بجوئید» (۴)

۲۰- «وَ آخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» - و گروهی دیگر که در زمین به سفر و تجارت می پردازند، از فضل و نعمت خدا روزی می جویند» (۵)

و در بسیاری آیات دیگر و نیز روایات، همین تعبیر دیده می شود. (۶)

ص: ۶۰

۱- (۱) -سوره ی روم آیه ی ۴۶

۲- (۲) -سوره ی فاطر آیه ی ۱۲

۳- (۳) -سوره ی جاثیه آیه ی ۱۲

۴- (۴) -سوره ی جمعه آیه ی ۱۰

۵- (۵) -سوره ی مزمل آیه ی ۲۰

۶- (۶) -به «معجم المفهرس» الفاظ قرآن، واژه ی «فضل» مراجعه شود، و نیز به «وسائل» ج ۱۲ ص ۳۰۰-۳۰۱ و ۳۰۳-۳۰۴

۴- گاهی دنیا و مواهب مادی آن، اجر و پاداش نیکوکاران و صالحان است

۱- خدای متعال می فرماید: «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» - و این چنین یوسف را در زمین توانا ساختیم که در هر کجای آن بخواهد جای گیرد، رحمتمان را به هر که بخواهیم می رسانیم و پاداش نیکوکاران را ضایع و تباه نمی سازیم» (۱)

۲- «إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» - همانا هر که تقوی بورزد و شکیبائی کند پس قطعاً خدای متعال پاداش نیکوکاران را تباه نمی سازد» (۲)

توضیح:

این آیات در مورد یوسف علیه السلام نازل شده است، و قرآن

ص: ۶۱

۱- (۱) -سوره ی یوسف آیه ی ۵۶

۲- (۲) -سوره ی یوسف آیه ی ۹۰

کریم رنجها و گرفتاریهای سختی را که بر او گذشت از حسد بردن برادرانش بر او و به چاه افتادن و اسیری و بردگی و گرفتاریهایی که زن عزیز مصر و زنان شهر برای او بوجود آوردند و تهمت و زندان و... بیان می فرماید، و یوسف علیه السلام در همه ی این موارد شکیبائی ورزید و در برابر خدای متعال حق بندگی و تقوی را بجا آورد و همواره نیکوکار و شایسته بود، و پاداش او در دنیا آن شد که به توانائی و فرمانروائی و تسلط بر خزائن ثروت زمین رسید، و همچنانکه قرآن می فرماید در آخرت پاداش مؤمنان پرهیزکار بزرگتر است.

از این بیان در می یابیم که دنیا و مواهب مادی آن نزد شارع مقدّس مطلوب و پسندیده است بطوریکه پاداش و ثواب عمل صالح قرار می گیرد.

۳- «وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ - و به او اسحق و یعقوب را عطا کردیم، و پیامبری و کتاب را در نسل او قرار دادیم، و پاداش او را در دنیا دادیم و او در آخرت قطعا از شایستگان است» (۱)

از این آیه استفاده می شود که خدای متعال در دنیا پاداش ابراهیم علیه السلام را امامت و ریاست دینی و شایستگی در نسل قرار داد، و اینها دنیا به معنای عام آن هستند.

۴- «أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ الَّتِي هِيَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ - آنان دو بار پاداششان

ص: ۶۲

داده می شود به جهت آنکه شکیبائی ورزیدند و با نیکی بدی را دور می سازند و از آنچه به آنان روزی، دادیم انفاق می کنند» (۱)

بنابر آنکه مراد از دوبار پاداش، پاداش در دنیا و پاداش در آخرت باشد.

۵- «قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ - بگو ای بندگان من که ایمان آوردید، در برابر پروردگار خویش پرهیزکار باشید، برای آنانکه نیکی کنند در این دنیا نیکی خواهد بود، و زمین خدا پهناور است، جز این نیست که شکیبایان پاداششان بی شمار داده می شود» (۲)

بنابر آنکه مراد از «حسنه» مال و یا دنیا به معنای اعم آن باشد.

۶- «وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ - و اگر آنان ایمان می آوردند و تقوی می ورزیدند هر آینه پاداش و ثواب از جانب خدا بهتر است اگر بدانند» (۳)

بنابر آنکه مراد از «خیر»، دنیای بهتر باشد به قرینه ی آیاتی که قبل از آن است.

۷- «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ - کیست آنکه به خداوند قرض الحسنه بدهد تا خدا چندین برابر برایش بیفزاید، و خداوند تنگدستی و گشایش می دهد و به سوی او باز

ص: ۶۳

۱- (۱) -سوره ی قصص آیه ی ۵۴

۲- (۲) -سوره ی زمر آیه ی ۱۰

۳- (۳) -سوره ی بقره آیه ی ۱۰۳

گردانده می شوید» (۱)

بنابر آنکه مضاعف کردن در دنیا باشد همچنانکه ظاهر آیه گویای آنست. و جمله ی «خداوند تنگدستی و گشایش می دهد» نیز بر آن دلالت دارد.

۸- «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» - خداوند ربا را نابود می کند و صدقات را بهره ور می سازد، و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست ندارد» (۲)

۹- «فَاتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحَسَنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ» - پس خداوند به آنان پاداش دنیوی و پاداش نیکوی اخروی را عطا فرمود» (۳)

۱۰- «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً» - و آنکه در راه خدا هجرت کند در زمین گریز- گاههای بسیار و گشایش خواهد یافت» (۴)

۱۱- «مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» - آنکه پاداش دنیوی را می خواهد پس (بداند که) پاداش دنیوی و اخروی نزد خداست» (۵)

۱۲- «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَمَا كَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» - و اگر آنان تورات و انجیل و آنچه از پروردگارش بر آنان نازل شده بر پا می داشتند از بالای سر و از زیر پاهایشان می خوردند (نعمت از هر سو به آنان رو می آورد)» - (۶)

ص: ۶۴

۱- (۱) -سوره ی بقره آیه ی ۲۴۵

۲- (۲) -سوره ی بقره آیه ی ۲۷۶

۳- (۳) -سوره ی آل عمران آیه ی ۱۴۸

۴- (۴) -سوره ی نساء آیه ی ۱۰۰

۵- (۵) -سوره ی نساء آیه ی ۱۳۴

۶- (۶) -سوره ی مائده آیه ی ۶۶

۱۳ «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» - و اگر مردم آبادیها ایمان می آوردند و پرهیزگاری می کردند، قطعاً برکت‌های آسمان و زمین را بر آنان می گشودیم، ولی تکذیب کردند پس به جهت آنچه انجام می دادند آنان را فرو گرفتیم» (۱)

۱۴- «وَأَوْزَيْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الحُسَيْنِ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا» - سرزمینهای با برکت شرقی و غربی زمین را به قومی که ناتوان داشته می شدند به میراث دادیم، و کلمه ی نیکوی پروردگارت در مورد بنی اسرائیل به جهت آنکه شکیبائی کردند، انجام گرفت» (۲)

۱۵- «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَ يَنفِرُ فِي الأَسْرِ مِنَ الأَسْرَىٰ إِنَّ يَعْلَمِ اللهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ» - ای پیامبر به اسیرانی که در دست شماست بگو اگر خداوند خیری در دلهايتان ببیند به شما بهتر از آنچه از شما گرفته شده عطا می کند» (۳)

۱۶- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا المَسْجِدَ الحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَ إِن خِفْتُمْ عِيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ إِن شَاءَ إِنَّ اللهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» - ای مؤمنان جز این نیست که مشرکان پلیدند پس نباید بعد از امسال به مسجد الحرام نزدیک شوند، و اگر از سنگینی مخارج زندگی و

ص: ۶۵

۱- (۱) -سوره ی اعراف آیه ی ۹۶

۲- (۲) -سوره ی اعراف آیه ی ۱۳۷

۳- (۳) -سوره ی انفال آیه ی ۷۰

تنگدستی می ترسید پس خداوند اگر بخواهد شما را به فضل و رحمت خود بی نیاز می سازد، همانا خدا دانای درستکار است»

(۱)

۱۷- «وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ- و از پروردگارتان آمرزش بخواهید آنگاه به سوی او باز گردید که تا مدتی معین و مقدر به بهره یی نیکو بهره مندتان می فرماید و بهر صاحب فضلی فضلش را می دهد(حق هر کس که فضیلتی دارد رعایت می شود)» (۲)

۱۸- «وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ- و ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید آنگاه به سوی او باز گردید که از آسمان باران بسیار برایتان می فرستد و نیرویی بر نیرویتان می افزاید،(به خدا) پشت نکنید در حالیکه مجرم و گناهکار باشید» (۳)

۱۹- «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ- و این چنین برای یوسف در زمین مکانت و توانائی فراهم ساختیم» (۴)

۲۰- «وَإِذِ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ- و هنگامیکه پروردگارتان اعلام فرمود اگر شکر گذاری کنید همانا برایتان می افزایم و اگر ناسپاسی نمائید همانا عذاب من بسیار سخت است» (۵)

۲۱- «وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ

ص: ۶۶

۱- (۱) -سوره ی توبه آیه ی ۲۸

۲- (۲) -سوره ی هود آیه ی ۳

۳- (۳) -سوره ی هود آیه ی ۵۲

۴- (۴) -سوره ی یوسف آیه ی ۲۱

۵- (۵) -سوره ی ابراهیم آیه ی ۷

أَحْسِنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لِنِعْمِ دَارِ الْمُتَّقِينَ - و به آنانکه تقوی پیشه کردند گفته شد پروردگارتان چه فرو فرستاد؟ گفتند خیر و خوبی. برای آنانکه نیکی کردند در این دنیا نیکی است و سرای آخرت بهتر است، و سرای تقوی پیشگان بسیار نیکوست» (۱)

۲۲- «وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوْنَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ - آنانکه در راه خدا هجرت کردند پس از آنکه ستم دیند همانا در این دنیا جایگاهشان را نیکو می سازیم و پاداش آخرت بزرگتر است اگر بدانند» (۲)

۲۳- «وَ أَمَّا مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جِزَاءُ الْحُسْنَى وَ سَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا - و اما آنکه ایمان آورد و کار شایسته کرد پس برای او پاداشی نیکوست و به زودی برای او به گشایش و آسودگی فرمان می دهیم» (۳)

«پاداش نیکو» در این آیه پاداشی است که از «ذی القرنین» به آنان می رسد، و آیات قبل از آن گواه این معناست.

۲۴- «وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّرَ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا - خداوند به کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند وعده می دهد که

ص: ۶۷

۱- (۱) -سوره ی نحل آیه ی ۳۰

۲- (۲) -سوره ی نحل آیه ی ۴۱

۳- (۳) -سوره ی کهف آیه ی ۸۸

آنان را در زمین جانشین سازد چنانکه کسانی را که پیش از ایشان بودند جانشین ساخت، و دینشان را که خدا بر آنان پسندید بر پا دارد و بیمشان را به امنیت مبدل سازد که مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند» (۱)

۲۵- «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعْنَا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ - و اراده کرده ایم که منت نهیم بر آنانکه در زمین ناتوان داشته شدند و آنان را پیشوایان قرار دهیم و آنان را وارثان قرار دهیم» (۲)

۲۶- «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ - و به تحقیق در زبور پس از ذکر نوشتیم: همانا بندگان شایسته ی من وارث زمین می شوند» (۳)

۲۷- «وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَ أَوْزَنَا الْأَرْضَ - و گفتند ستایش برای خدایی است که وعده ی خود را بر ما راست آورد و زمین را به ما به ارث داد» (۴)

*** و اما روایات:

۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند: برترین وسیله یی که با آن به خدای سبحان توصل جسته اند ایمان به خدا و پیامبر اوست، و جهاد در راه او که اوج اسلام است... و حج و عمره که این دو فقر را بر طرف می کنند و گناه را تخفیف می دهند، و رسیدگی به

ص: ۶۸

۱- (۱) -سوره ی نور آیه ی ۵۵

۲- (۲) -سوره ی قصص آیه ی ۵

۳- (۳) -سوره ی انبیاء آیه ی ۱۰۵

۴- (۴) -سوره ی زمر آیه ی ۷۴

خویشاوندان که این کار مال را فراوان می سازد و مرگ را به تأخیر می افکند. (۱)

۲- و نیز فرمود: خداوند استغفار را وسیله یی برای فراوانی رزق و رحمت بر خلق قرار داد، و فرموده است: «إِسْتِغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ» (۲) از پروردگارتان آمرزش بخواهید همانا او بسیار آمرزنده است، از آسمان بر شما باران بسیار می فرستد و با اموال و پسران کمکتان می کند. (۳)

۳- و نیز فرمود: آنکه کار آخرت خود را اصلاح کند خداوند کار دنیای او را اصلاح می کند. (۴)

۴- و نیز فرمود: آنکه برای دینش عمل کند خداوند کار دنیایش را کفایت می فرماید. (۵)

۵- و نیز فرمود: کسی که نعمتهای الهی بر او فراوان شود نیازمندیهای مردم به او نیز بسیار می گردد، پس آنکه برای خدا آنچه در نعمتها واجب است در آن نیازمندیها انجام دهد (با نعمتهایی که خدا به او عطا کرده در رفع نیاز مردم بکوشد) موجب دوام و بقاء نعمتها شده است. (۶)

۶- و نیز فرمود: خداوند ایمان را برای پاک شدن از شرک واجب ساخت... و زکات را برای آنکه وسیله ی رزق باشد. (۷)

بنابر آنکه معنای آن روایت آن باشد که پرداخت زکات موجب افزونی در رزق و روزی است.

ص: ۶۹

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۱ ص ۲۱۵

۲- (۲) - سوره ی نوح آیه ی ۱۰

۳- (۳) - نهج البلاغه ۳۴/۲

۴- (۴) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۷۰

۵- (۵) - نهج البلاغه ۲۵۴/۳

۶- (۶) - نهج البلاغه ۲۴۳/۳

۷- (۷) - نهج البلاغه ۲۰۸۰/۳

شایسته است در ذیل همین عنوان برخی آیات و روایات را که حاکی از پاداش دنیوی کارهای نیک است ذکر کنیم، و ذکر آنها از قبیل ذکر «مصدق» برای «عنوان» است؛ مثل پاداش نیکی به پدر و مادر، رسیدگی به خویشان، انجام حج، پرداخت زکات و صدقه و انفاق در راه خدا. (۱)

أما آیات:

۱- خدای متعال می فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَدِجًا سَبْعَ سِنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» - مثل آنانکه اموالشان را در راه خدا انفاق می کنند همچون دانه بی است که هفت سنبله برآورد که در هر سنبله صد دانه باشد، و خداوند برای هر کس بخواد دو برابر می سازد، و خداوند گشایش دهنده ی داناست» (۲)

ص: ۷۰

۱- (۱) - و سزاوار است آیاتی که انفاق در راه خدا را موجب زیاد شدن مال می داند ذکر نمائیم و همه ی آنها در سوره ی بقره از آیه ی ۲۶۱ تا ۲۷۳ است. (مراجعه شود)

۲- (۲) - سوره ی بقره آیه ی ۲۶۱

ظاهراً این دو برابر کردن در همین دنیاست، به قرینه ی دیگر آیات و روایاتی که درباره ی پاداش صدقه و انفاق می باشند و ذکر خواهیم کرد.

۲- «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» - و آنچه انفاق نمائید او (خدا) عوضش را می دهد و او بهترین روزی دهندگان است» (۱)

یعنی آنچه از اموالتان در کارهای خیر خرج کنید خداوند سبحان به جای آن یا در دنیا با افزودن نعمت و یا در آخرت با پاداش بهشت، به شما عوض می دهد.

۳- «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ» - کیست که به خداوند قرض الحسنه بدهد تا برای او دوچندان سازد» (۲)

۴- «إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ» - اگر به خداوند قرض الحسنه بدهید برایتان دو برابر می سازد و شما را می آمرزد» (۳)

ظاهراً مراد از قرض، انفاق و صدقه است، و اطلاق قرض بر آن به جهت آنستکه تلف نمی شود بلکه اصل مالش با اضافه باقی می ماند، و نیز ممکن است گفته شود آیه شامل قرض اصطلاحی در فقه هم می شود.

۵- «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزْبِئُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» - خداوند ربا را نابود و صدقات را بهره ور

ص: ۷۱

۱- (۱) -سوره ی سبا آیه ی ۳۹

۲- (۲) -سوره ی بقره آیه ی ۲۴۵ و سوره حدید آیه ی ۱۱

۳- (۳) -سوره ی تغابن آیه ی ۱۷

می سازد و خدا هیچ بسیار ناسپاس گناهکاری را دوست ندارد» (۱)

۶- «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْزُبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْزُبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ- آنچه بر با بدهید که در اموال مردم فزونی یابد نزد خدا افزایشی ندارد و آنچه زکات بدهید که رضای خدا را بخواهید، کسانی که چنین کنند دوچندان می یابند» (۲)

*** و اما روایات:

۱- امام باقر علیه السلام فرمودند: رسیدگی به خویشاوندان (صله ی رحم) اعمال را پاک و اموال را فراوان می سازد و بلا را دفع و حساب در قیامت را آسان می کند و مرگ را به تأخیر می افکند» (۳)

۲- امام صادق علیه السلام می فرماید: رسیدگی به خویشان اخلاق را نیکو و دست را سخاوتمند و جان را پاکیزه می سازد و رزق و روزی را می افزایش (۴) و مرگ را به تأخیر می افکند. (۵)

۳- امام باقر علیه السلام فرمود: رسیدگی به خویشاوندان

ص: ۷۲

۱- (۱) -سوره ی بقره آیه ی ۲۷۶

۲- (۲) -سوره ی روم آیه ی ۳۹ (در این آیات «ربا» مقابل «قرض و زکات و صدقه» قرار گرفته و حاکی از آنست که افزایش مال را که در ربا می طلبند خداوند در قرض و زکات و صدقه قرار داده است)

۳- (۳) -کافی ج ۲ ص ۱۵۰

۴- (۴) -«رزق» در این روایات اگر قط به معنای مواهب دنیا و مال نباشد قطعاً شامل آنها می شود.

۵- (۵) -کافی ۱۵۱/۲

اخلاق را نیکو می سازد... و رزق و روزی را می افزاید... (۱)

۴- امام باقر علیه السلام فرمود: رسیدگی به خویشان اعمال را پاک و بلا را دفع می کند و اموال را فراوان و عمر را طولانی می سازد و رزق و روزی را وسعت می بخشد... (۲)

۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمودند: هر کس تأخیر مرگ و افزایش روزی را دوست دارد به خویشاوندانش رسیدگی کند (صله ی رحم نماید). (۳)

۶- «سلیمان بن هلال» می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: افراد فلان خاندان نسبت به هم نیکی و رسیدگی می کنند، امام علیه السلام فرمود: در اینصورت اموالشان فراوان و افرادشان نیز بسیار خواهد شد و همواره در این حال خواهند بود تا آنگاه که از یکدیگر ببرند و قطع مراوده نمایند، پس هنگامیکه چنین کنند (افزایش مال و افراد) از ایشان زایل می شود و از دست می دهند. (۴)

۷- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: قومی فاجر که پرهیزکار نیستند صله ی رحم می کنند و اموالشان فراوان و عمرهاشان طولانی می شود، حال اگر پرهیزکار و شایسته باشند چه خواهد شد؟ (۵)

۸- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس دوست دارد خداوند عمرش را طولانی سازد و در روزیش گشایش دهد، صله ی رحم نماید. (۶)

ص: ۷۳

۱- (۱) - کافی ۱۵۲/۲

۲- (۲) - کافی ۱۵۲/۲

۳- (۳) - کافی ۱۵۲/۲

۴- (۴) - کافی ۱۵۴/۲

۵- (۵) - کافی ج ۲ ص ۱۵۵

۶- (۶) - کافی ۱۵۶/۲

۹- امام صادق علیه السلام فرمودند: صله ی رحم اعمال را پاک و اموال را فراوان و حساب (در قیامت) را آسان می سازد و بلا را دفع می کند و رزق و روزی را می افزاید. (۱)

۱۰- امام باقر علیه السلام فرمود: در کتاب امیر مؤمنان علیه السلام ذکر شده که سه خصلت است که دارنده ی آنها نمی میرد تا نتیجه ی ناگوار آنها را می بیند: ستم و تجاوز به دیگری، بریدن از خویشاوند، و سوگند دروغ. و زود پاداشتر از هر عبادتی صله ی رحم است، همانا قومی فاجر و بدکارند پس به یکدیگر رسیدگی و صله ی رحم می کنند اموالشان افزایش می یابد و ثروتمند می شوند... (۲)

۱۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا شما را به بهترین اخلاق دنیا و آخرت راهنمایی نکنم؟ عرض کردند:

بفرمائید ای رسول خدا.

فرمود: آنست که صله ی رحم کند نسبت به کسی که از او بریده، و عطا کند به کسی که او را محروم داشته، و عفو کند کسی را که بر او ستم کرده است. هرکس دوست دارد عمرش طولانی شود و رزق و روزیش وسعت یابد، پرهیزگاری کند و صله ی رحم نماید. (۳)

۱۲- برخی راویان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که فرمود: صله ی رحم موجب افزایش مال و محبوبیت

ص: ۷۴

۱- (۱) - کافی ۱۵۷/۲

۲- (۲) - بحار ج ۷۴ ص ۹۹ به نقل از «مجالس المفید».

۳- (۳) - بحار ج ۷۴ ص ۱۰۲ به نقل از کتاب حسین بن سعید اهوازی

در خانواده و طولانی شدن عمر است. (۱)

(و بسیاری روایات دیگر که مضمون آنها با آنچه ذکر کردیم یکسان است و علاقمندان می توانند مراجعه نمایند)

۱۳- امام صادق علیه السلام فرمود: نیکی با همسایه رزق و روزی را می افزاید. (۲)

۱۴- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که نیازی از نیازهای دنیوی شخص نیازمند سختی دیده یی را بعهده بگیرد و در این را گام بردارد تا خداوند از او رفع نیاز کند، خدای متعال به او پاکی و برائت از نفاق و امان از آتش دوزخ عطا می کند، و هفتاد حاجت از حوائج دنیای او را برآورده می سازد، و همواره در رحمت خداوند غوطه ور است تا از آن کار باز گردد. (۳)

۱۵- امام صادق علیه السلام فرمود: چه چیز مردی از شما را باز می دارد که به پدر و مادرش نیکی کند وقتی زنده اند و وقتی مرده باشند برای آنان نماز بخواند و حج برود و روزه بگیرد، که آنچه انجام دهد برای آنان خواهد بود (ثوابش به آنان می رسد) و برای خودش نیز مانند آن است (خودش نیز پاداش آنچه انجام داده می یابد) و خدای عزیز و جلیل به جهت نیکی و صله ی او (۴)، برایش خیر بسیاری می افزاید. (۵)

۱۶- «بزنطی» می گوید امام رضا علیه السلام می فرمود:

ص: ۷۵

۱- (۱) - بحار ۱۰۲/۷۴ به نقل از کتاب حسین بن سعید اهوازی

۲- (۲) - بحار ۱۵۳/۷۴ به نقل از کتاب حسین بن سعید اهوازی.

۳- (۳) - بحار ۳۸۸/۷۴ به نقل از «امالی صدوق».

۴- (۴) - «به جهت نیکی و نماز او».

۵- (۵) - بحار ج ۷۴ ص ۴۶ به نقل از «کافی».

مردی از بنی اسرائیل یکی از خویشان خود را کشت، آنگاه جسد او را در راه برترین سبط از اسباط بنی اسرائیل افکند (بنی اسرائیل دوازده قبیله از فرزندان دوازده پسر یعقوب علیه السلام بودند و به این قبایل اسباط بنی اسرائیل گفته می شد) آنگاه آمد و به خونخواهی مقتول پرداخت. به موسی علیه السلام گفتند افراد فلان سبط فلان مرد را کشتند، به ما خبر بده که چه کسی او را کشته است؟

فرمود: گاوی نزد من بیاورید.

(در دنباله ی روایت می فرماید):

در جستجوی آن گاو (با مشخصات تعیین شده) بر آمدند، و آنرا نزد جوانی از بنی اسرائیل یافتند، آن جوان گفت: گاو را جز در برابر آنقدر طلا که پوست آنرا پر کند نمی فروشم.

جویندگان نزد موسی علیه السلام باز گشتند و موضوع را باز گفتند، فرمود: آنرا بخرید. آنرا خریدند و نزد موسی آوردند و فرمان داد گاو را ذبح کنند...

یکی از یاران موسی علیه السلام به او غرض کرد: این گاو سرگذشتی دارد.

فرمود: چیست؟

عرض کرد: جوانی از بنی اسرائیل نسبت به پدر خود نیکوکار بود، یکبار گوساله یی خریداری کرد و (برای آوردن بها) نزد پدرش آمد و او را دید که خفته است و کلیدهای (صندوق یا محلی که پول و قیمت در آن بود) زیر بالین اوست. نپسندید که پدر را از خواب بیدار کند (و استراحت او را ضایع سازد) بنابراین از خرید خود صرفنظر کرد؛ هنگامی که پدرش بیدار شد جریان را به او گفت، پدرش گفت: کار خوبی کردی، بیا این گاو را به

جای آنچه از دست دادی بگیر.

پیامبر خدا موسی علیه السلام فرمود: ببینید نیکوکاری به نیکوکار چه می رساند! (۱)

(این روایتی طولانی است و ما قسمتی از آنرا که مورد نظرمان بود ذکر کردیم).

۱۷- امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس دوست دارد خدای عزیز و جلیل سختی های هنگام مرگ را بر او سبک و آسان سازد به خویشان خود رسیدگی و صله ی رحم نماید و به پدر و مادر مهربان و نیکو کار باشد، اگر چنین باشد خدا سختی های هنگام مرگ را بر او آسان می سازد و در زندگی نیز هرگز دچار فقر نمی شود. (۲)

۱۸- امام باقر علیه السلام فرمود: نیکوکاری و صدقه ی پنهانی فقر را بر طرف می کنند و بر عمر می افزایند... (۳)

۱۹- امام صادق علیه السلام فرمود: اگر دوست داری خداوند عمرت را بیفزاید پدر و مادرت را خوشحال کن. و نیز فرمود: نیکوکاری رزق و روزی را می افزاید. (۴)

۲۰- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: همانا خاندانی نیکوکارند (نسبت به دیگران نیکی می کند) و اموالشان افزایش می یابد با آنکه فاسق و فاجرند (و متدین نیستند) (۵)

ص: ۷۷

۱- (۱) - بحار ۶۹/۷۴ به نقل از «عیون اخبار الرضا».

۲- (۲) - بحار ۸۱/۷۴ به نقل از «روضه الواعظین».

۳- (۳) - بحار ۸۱/۷۴ به نقل از کتاب حسین بن سعید اهوازی.

۴- (۴) - بحار ج ۷۴ ص ۸۱ به نقل از کتاب حسین بن سعید.

۵- (۵) - بحار ۸۲/۷۴ به نقل از کتاب حسین بن سعید.

۲۱- امام باقر علیه السلام فرمود: حج فقر را برطرف می سازد و صدقه بلا را دفع می کند و نیکی عمر را می افزاید. (۱)

۲۲- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس دوست دارد که عمرش طولانی شود و روزیش وسعت یابد نسبت به پدر و مادر صله و رسیدگی کند که همانا صله ی پدر و مادر از عبادت خداست. (۲)

۲۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: حج و عمره فقر و گناهان را برطرف می سازد همچنانکه کوره زنگ آهن را پاک می کند. (۳)

(و به این مضمون روایات بسیار زیادی با اسناد گوناگون رسیده است).

۲۴- امام کاظم علیه السلام فرمود: کسی که حج انجام داده باشد هرگز به املاق (بی چیزی و مستمندی) دچار نمی شود.

عرض کردم: املاق چیست؟

فرمود: گفتار خدا (که می فرماید): «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ - فرزندان خود را از ترس مستمندی نکشید». (۴)

و در روایتی دیگر با این اضافه ذکر شده است که پرسید:

املاق چیست؟

فرمود: مفلس شدن است. (۵)

ص: ۷۸

۱- (۱) - بحار ۸۵/۷۴ به نقل از کتاب «دعوات راوندی».

۲- (۲) - بحار ۸۵/۷۴ به نقل از کتاب «عده الداعی»

۳- (۳) - وسائل ج ۸ ص ۷۴ به نقل از کتاب «تهذیب» و «فقیه».

۴- (۴) - وسائل ۷۵/۸ به نقل از «تفسیر عیاشی».

۵- (۵) - وسائل ۷۵/۸ به نقل از «تفسیر عیاشی».

۲۵- امام صادق علیه السلام فرمود: پی در پی به حج و عمره رفتن سنگینی فقر و مرگ ناپسند را دفع می کند. (۱)

۲۶- امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس دو بار حج بجای آورد همواره در خیر خواهد بود تا بمیرد. (۲)

۲۷- امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس سه بار حج گذارد هرگز دچار فقر نخواهد شد. (۳)

۲۸- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: فقر و تب ملازم کسی که بر حج و عمره مداومت می ورزد نمی شود. (۴)

۲۹- امام صادق علیه السلام فرمود: چون شب عرفه در رسد خداوند دو فرشته را بر می انگیزد که بر چهره ی مردم نظر کنند، پس وقتی مردی را که هر سال به حج می آمده نیابند یکی از آندو به دیگری می گوید: فلان شخص چه شده است؟ می گوید:

خدای عزیز و جلیل دانتر است. پس یکی از آندو می گوید: بار خدایا اگر فقر او را از آمدن به حج بازداشته است او را بی نیاز گردان، و اگر قرض او را باز داشته است برایش ادا فرما، و اگر بیماری او را بازداشته است شفایش بده، و اگر مرگ او را بازداشته است او را بیا مرز و رحمت کن. (۵)

۳۰- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس دنیا و آخرت می خواهد به سوی این خانه (کعبه) بیاید... (۶)

۳۱- امام صادق علیه السلام فرمود: صدقه قرض را ادا

ص: ۷۹

۱- (۱) - وسائل ۸۸/۸ به نقل از «کافی».

۲- (۲) - وسائل ۹۱/۸ به نقل از «حضال».

۳- (۳) - وسائل ۹۱/۸ به نقل از «حضال».

۴- (۴) - وسائل ج ۸ ص ۹۵ به نقل از «کافی».

۵- (۵) - وسائل ۹۶/۸ به نقل از «فقیه».

۶- (۶) - وسائل ۱۰۷/۸ به نقل از «فقیه».

می کند و برکت را جانشین می سازد. (۱)

۳۲- امام صادق علیه السلام فرمود:... صدقه ی نیکو قرض را ادا و برکت را جانشین می سازد. (۲)

۳۳- امام باقر علیه السلام فرمود: نیکی و صدقه فقر را برطرف می سازند و عمر را می افزایند و هفتاد گونه مرگ ناپسند را از انجام دهنده ی خود دفع می کنند. (۳)

۳۴- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: صدقه بدهید، که همانا صدقه مال را فراوان می سازد، پس صدقه بدهید خدا رحمتتان کند. (۴)

۳۵- امام صادق به فرزند خود «محمد» فرمود: پسر من چقدر از این مال اضافه نزد تو مانده است؟

عرض کرد: چهل دینار.

فرمود: بیرون برو و آنرا صدقه بده.

عرض کرد: نزد من جز همین چهل دینار چیزی باقی نمانده است.

فرمود: آنرا صدقه بده که خداوند به جای آن می دهد، آیا نمی دانی که برای هر چیزی کلیدی است و کلید رزق و روزی صدقه است؟ پس آنرا صدقه بده. (۵)

۳۶- امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: رزق و روزی

ص: ۸۰

۱- (۱) - وسائل ۲۵۵/۶ به نقل از «کافی»

۲- (۲) - وسائل ۲۵۵/۶ به نقل از «کافی» و «ثواب الاعمال».

۳- (۳) - وسائل ۲۵۵/۶ به نقل از «فقیه» و «کافی» و «ثواب الاعمال».

۴- (۴) - وسائل ۲۵۷/۶ به نقل از «کافی»

۵- (۵) - وسائل ۲۵۷/۶ به نقل از «کافی».

را با صدقه فرود آورید، آنکه یقین داشته باشد عوض آنرا می گیرد در عطا کردن سخاوتمندی می کند، همانا خدا به قدر هزینه، روزی نازل می فرماید. (۱)

(روایات زیادی به این مضمون رسیده است).

۳۷- امام صادق علیه السلام فرمود: صدقه در شب خشم پروردگار را فرو می نشاند... و صدقه در روز مال را بار آور می سازد و عمر را می افزاید. (۲)

۳۸- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: از آنچه خدا روزیتان داده انفاق کنید که همانا انفاق کننده همچون مجاهد در راه خداست، پس آنکه به عوض گرفتن یقین داشته باشد بخشنده و سخی می شود... اموالتانرا با زکات حفظ کنید... (۳)

ص: ۸۱

۱- (۱) - وسائل ۲۵۷/۶ به نقل از «فقیه» و «نهج البلاغه».

۲- (۲) - وسائل ۲۷۳/۶ به نقل از «کافی» و «تهذیب» و «ثواب الاعمال».

۳- (۳) - وسائل ۲۸۰/۶ به نقل از «علل الشرایع».

۵- دنیا نزد خدا محبوب و برای بندگانش خلق شده است

۱- خدای متعال می فرماید: «وَلَا تُبْذَرُ تَبْدِيرًا إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ - بیهوده مال را تلف مکن، تلف کنندگان برادران شیطانهایند» (۱)

توضیح:

«تبدیر» یعنی بیهوده تلف کردن، و از اینکه تلف کردن حرام و ناپسند است در می یابیم چیزی که از تلف کردن آن نهی شده نزد خدای متعال محبوب و پسندیده است.

۲- «وَأْتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا - همان روز جمع آوری محصول حق آنرا پردازید و زیاده روی نکنید» (۲)

۳- «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ - بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که همانا او اسرافکاران را دوست ندارد» (۳)

ص: ۸۲

۱- (۱) -سوره ی اسراء آیه ی ۲۶

۲- (۲) -سوره ی انعام آیه ی ۱۴۱

۳- (۳) -سوره ی اعراف آیه ی ۳۱

۴- «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» - و آنانکه چون انفاق کنند زیاده روی نمی کنند و سختگیری هم نمی نمایند و رفتاری میان این دو دارند» (۱)

این آیه در دنبال آیاتی است که بندگان خدای رحمان را توصیف می فرماید، و او صافی که در این آیات ذکر شده برخی واجب و برخی مستحب و فضیلت و کمال است، بهمین جهت نمی توان حرمت اسراف را از این آیه استفاده کرد.

«تفسیر مجمع البیان» می گوید: در معنای اسراف اختلاف است، برخی گفته ان اسراف، خرج کردن در معاصی است و «اقتار» خودداری از پرداختن حقوق الهی... و نیز گفته اند «اسراف» زیاده روی در انفاق است، و «اقتار» کوتاهی کردن از مقداری که لازم است. (۲)

و «قوام» جد وسط است، چنانکه در روایتی امام صادق علیه السلام نیز بیان فرموده اند. (۳)

بنابراین آیه ی شریفه به حدّ وسط فرمان می دهد و از افراط و تفریط نهی می فرماید، همچنانکه در همه ی امور اعتدال و میانه روی شایسته است. و مضمون این آیه موافق روایاتی است که در مورد کسانی که دعایشان مستجاب نمی شود قبلاً ذکر شد، و می فرماید «مردی مالی دارد و بیهوده تلف می کند آنگاه می گوید: پروردگارا به من روزی بده. خداوند می فرماید: آیا ترا

ص: ۸۳

۱- (۱) -سوره ی فرقان آیه ی ۶۷

۲- (۲) -مجمع البیان ج ۴ ص ۱۷۹

۳- (۳) -مجمع البیان ج ۴ ص ۱۷۹

به اقتصاد و میانه روی فرمان ندادم».

و «اقتصاد» همان حدّ وسط در انفاق و اعتدال در آن است.

ظاهراً منظور آیه ی شریفه معنای دوّم است، و معنای اوّل یکی از مصداقهای معنای دوّم می باشد.

۵- «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ» - خدایی که زمین را بستر شما قرار داد و آسمان را ساختمانی، و از آسمان آبی فرو فرستاد و با آن محصولات را برآورد تا رزق و روزی شما باشد» (۱)

۶- «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» - اوست (خدایی) که همه ی آنچه در زمین است برای شما آفرید» (۲)

۷- «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ» - و قطعاً ما شما را در زمین جایگزین و توانا ساختیم و در آن معیشتهایی برایتان قرار دادیم» (۳)

۸- «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» - بگو چه کسی زینت خدا را که برای بندگانش برآورده و پاکیزه های از رزق و روزی را حرام کرده است؟ بگو آنها در زندگانی دنیا برای مؤمنان است و در قیامت مخصوص ایشان است» (۴)

۹- «وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ» - و برای شما در آن

ص: ۸۴

۱- (۱) - سوره ی بقره آیه ی ۲۱

۲- (۲) - سوره ی بقره آیه ی ۲۸

۳- (۳) - سوره ی اعراف آیه ی ۱۰

۴- (۴) - سوره ی اعراف آیه ی ۳۲

۱۰- «وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا- و به شما از هرچه خواسته اید داده است، و اگر نعمت خدا را بشمرید، شمار آنرا نمی توانید» (۲)

۱۱- «وَ الْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ... وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا- و چارپایان را آفرید، در آنها برایتان پوشش گرم و سودمندیهایی است و از آنها می خورید... و اگر نعمت خدا را بشمرید شمار آنرا نمی توانید» (۳)

۱۲- «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً- آیا نمی بینید که خدا آنچه در آسمان و آنچه در زمین است در اختیار شما قرار داده و نعمتهای آشکار و پنهانش را بر شما تمام کرده است» (۴)

۱۳- «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلُوكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ- آیا نمی بینی که خدا آنچه در زمین است در اختیار شما قرار داد و کشتی را که به فرمان او در دریا روان است» (۵)

۱۴- «وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ- و آنچه در آسمان و زمین است در اختیار شما قرار داد» (۶)

۱۵- «وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ

ص: ۸۵

۱- (۱) -سوره ی حجر آیه ی ۲۰

۲- (۲) -سوره ی ابراهیم آیه ی ۳۴

۳- (۳) -سوره ی نخل آیه ی ۴-۱۸

۴- (۴) -سوره ی لقمان آیه ی ۲۰

۵- (۵) -سوره ی حج آیه ی ۶۵

۶- (۶) -جاثیه آیه ی ۱۳

جُلُودِ الْأَنْعَامِ يُبَيِّنُ... و خداوند خانه هایتان را برایتان آرامشگاهی قرار داد، و از پوست چارپایان برایتان خانه هایی پدید آورد...»

(۱)

۱۶- «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ جَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا... ثُمَّ تَذَكَّرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ- آنکه زمین را برایتان بستری هموار ساخت و در آن برای شما راههایی قرار داد... آنگاه یاد آورید نعمت پروردگارتان را وقتی بر آن قرار گرفتید»

(۲)

۱۷- «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا- اوست که زمین را برایتان رام ساخت» (۳)

۱۸- «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيْنَ وَ بَيْنَ وَ يَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا- پس گفتم از پروردگارتان آمرزش بخواهید همانا او بسیار آمرزنده است، از آسمان باران فراوان برایتان می فرستد و با اموال و پسران یاریتان می کند و برایتان باغها بوجود می آورد و نهرها جاری می سازد» (۴)

۱۹- «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا وَ الْجِبَالَ أَوْتَادًا وَ جَعَلْنَا النِّهَارَ مَعَاشًا وَ أَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَ نَبَاتًا وَ جَنَّاتٍ أَلْفَافًا- آیا زمین را گهواره یی قرار ندادیم و کوهها را میخهایی... و روز را برای کسب معیشت قرار دادیم... و از ابرهای فشرده ی پر باران آبی ریزان فرو فرستادیم تا به آن دانه و رستنی و باغهای انبوه درهم پیچیده

ص: ۸۶

۱- (۱) -سوره ی نحل آیه ی ۸۰

۲- (۲) -سوره ی زخرف آیه ی ۹-۱۳

۳- (۳) -سوره ی ملک آیه ی ۱۵

۴- (۴) -سوره ی نوح آیه ی ۱۰-۱۲

۲۰- «وَ الْأَرْضَ بَعِيدَ ذَاتِكَ دَحَاها أَخْرَجَ مِنْها ماءَها وَ مَرْعَها وَ الْجِبَالَ أَرْساها مَتاعاً لَكُمْ وَ لِنِعْمِ كُمْ- وَ زمین را پس از آن بگستراند، و آب و چراگاهش را بر آورد، و کوهها را استوار ساخت، تا موجب بهره مندی شما و چارپایانتان باشند» (۲)

۲۱- «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ مَتاعاً لَكُمْ وَ لِنِعْمِ كُمْ- پس انسان باید به غذایش بنگرد... متاعی است برای شما و چارپایانتان» (۳)

۲۲- «وَ نَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ ماءً مُبارِکاً رِزْقاً لِلْعِبَادِ- وَ از آسمان آبی با برکت فرو فرستادیم... برای رزق و روزی بندگان» (۴)

۲۳- «وَ الْأَرْضَ وَضَعْنَا لِلْإِنْسَانِ فِيها فَأَكْهَهُ فَبأَى آلاءِ رَبِّكُما تُكذِّبانِ يُخْرِجُ مِنْهُما اللُّؤْلُؤَ وَ الْمَرْجانَ فَبأَى آلاءِ رَبِّكُما تُكذِّبانِ- وَ زمین را برای مردمان قرار داد، در آن میوه است... پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید... از آن دو، مروارید و مرجان بیرون می آید، پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید» (۵)

۲۴- «وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لا يَحْتَسِبُ- وَ هر کس در برابر خدا پرهیزکار باشد برای او راه خروجی از بن بستها قرار می دهد و از طریقی که گمان نمی کند

۱- (۱) -سوره ی نبا آیه ی ۵-۱۶

۲- (۲) -سوره ی نازعات آیه ی ۳۰-۳۳

۳- (۳) -سوره ی عبس آیه ی ۲۴-۳۲

۴- (۴) -سوره ی ق آیه ی ۷-۱۰

۵- (۵) -سوره ی الرحمن آیه ی ۹-۲۲

به او روزی می رساند» (۱)

توضیح در مورد دلالت این آیات:

می بینیم که خدای متعال بر بندگان مَنّت می گذارد که به آنان «دنیا» به معنای عام آن که مال و ثروت و ریاست و...

باشد عطا کرده است، و این مَنّت نهادن و برشمردن نعمتها بر محبوبیت آنها نزد خدا دلالت دارد (اضافه بر این آفرینش زمین و نهرها و درختها و چارپایان و معادن و گنجهای آن که برای انسان و به جهت اکرام اوست برای دلالت بر آنچه ما در صدد آنیم کافی است) و واجب است از نعمتهای الهی در آنچه بر انسان حرام نباشد استفاده شود، زیرا منظور از آفرینش این نعمتها انسان است.

ص: ۸۸

۱- (۱) -سوره ی طلاق آیه ی ۳

(۱)

۱- خدای متعال می فرماید: «وَ إِذَا أَدَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسْتَهْمٍ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا - و هنگامیکه به مردم پس از مشقتی که به ایشان رسیده است رحمتی می چشانیم، در آیات ما نیرنگ می ورزند» (۲)

۲- «وَ لَئِنْ أَدَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْهَا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَكْفُرُ - و اگر از خود رحمتی به انسان بچشانیم سپس آنرا از او بگیریم، هر آینه بسیار نومید و ناسپاس خواهد بود» (۳)

۳- «نَصَبْتُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ - رحمتان را بهر کس بخواهیم می رسانیم، و پاداش نیکوکاران را تباه نمی کنیم» (۴)

ص: ۸۹

۱- (۱) - یعنی در کلام خدای متعال از آن تعبیر به رحمت شده است.

۲- (۲) - سوره ی یونس آیه ی ۲۱

۳- (۳) - سوره ی هود آیه ی ۹

۴- (۴) - سوره ی یوسف آیه ی ۵۶

۴- «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَيْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ- بگو اگر شما مالک گنجینه های رحمت پروردگار می بودید هر آینه از ترس بخشش،امساک می ورزیدید» (۱)

۵- «فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْرِخَ كَتْرَجًا كَنَزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ- پس پروردگارت اراده فرمود که آندو به رشد خود برسند و گنجشان را استخراج کنند،به جهت رحمتی از پروردگارت» (۲)

۶- «ثُمَّ إِذَا أَذَقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ- پس چون به ایشان رحمتی از خود بچشانند در اینهنگام گروهی از آنان به پروردگارشان شرک می ورزند» (۳)

۷- «وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا- و چون رحمتی به مردم بچشانیم به آن شادمان می شوند» (۴)

۸- «مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا- خدا آنچه از رحمت بر مردم بگشاید کسی نمی تواند جلوی آنرا بگیرد» (۵)

۹- «أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ- یا گنجینه های رحمت پروردگار عزتمند بخشنده ی تو نزد ایشان است؟» (۶)

۱۰- «وَ وَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا- به جهت

ص: ۹۰

۱- (۱) -سوره ی اسراء آیه ی ۱۰۰

۲- (۲) -سوره ی کهف آیه ی ۸۲

۳- (۳) -سوره ی روم آیه ی ۳۳

۴- (۴) -سوره ی روم آیه ی ۶۳

۵- (۵) -سوره ی فاطر آیه ی ۲

۶- (۶) -سوره ی ص آیه ی ۹

رحمتی از جانب ما خانواده اش و همراه آنان همانندشان را به او عطا کردیم» (۱)

۱۱- «قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ- بگو خیر دهید مرا آنچه غیر از خدا می خوانید، اگر خدا بخواهد به من گزند برساند آیا آنها برطرف کننده ی گزند او هستند، یا بخواهد رحمتی نصیب سازد آیا آنان بازدارنده ی رحمت اویند؟» (۲)

۱۲- «وَلَئِنْ أَدْقْنَا رَحْمَةً مِّنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرْأٍ مَسْتَهْتَهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي- و اگر به او رحمتی او خود بچشانیم پس از مشقتی که به او رسیده است، هر آینه می گوید این برای من است» (۳)

۱۳- «وَإِنَّا إِذَا أَدَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا- و ما چون به انسان رحمتی از خود بچشانیم به آن شادمان می شود» (۴)

«راغب» در «مفردات» می گوید: «رحمت، حال رقتی است که موجب احساس نسبت به «مرحوم» می شود، و گاهی در مجرّد معنای «رقت» استعمال می شود و گاهی در مجرّد «احسان» بدون رقت... و هنگامیکه خدای متعال به آن وصف شود، مراد «احسان» مجرّد و بدون رقت است و بهمین جهت روایت شده «رحمت» از خدا، نعمت و افزونی دادن، و از انسانها رقت و ترحم است» (۵)

ص: ۹۱

۱- (۱) -سوره ی ص آیه ی ۴۳

۲- (۲) -سوره ی زمر آیه ی ۳۸

۳- (۳) -سوره ی فصلت آیه ی ۵۰

۴- (۴) -سوره ی شوری آیه ی ۴۸

۵- (۵) -مفردات راغب ص ۱۹۱

اطلاق «رحمت» بر ثروت و پادشاهی در برخی از این آیات اشکالی ندارد، همچنانکه اطلاق «رحمت» بر دنیا به معنای اعم آن بگونه‌ی بی‌شک شامل سلامتی و امنیت و علم و... شود در برخی دیگر از این آیات بلا-اشکال است، و تمسک به این آیات، تمسک به «عام» در «شبهه‌ی موضوعیه» نخواهد بود.

توضیح آنکه: آیه‌ی مثل: «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَيْتُمْ حَشِيَّةَ الْإِنْفَاقِ فِي مَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» (سوره بقره، آیه ۲۷۱) دارد، برای آنکه امساک و بخل از ترس بخشیدن قطعاً مربوط به مال است و اشمال آن بر اموری نظیر «علم» مشکل است.

امّا در آیه‌ی نظیر: «وَ إِذَا أَدْقَبْنَا النَّيَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا» (سوره بقره، آیه ۲۷۲) مراد از رحمت نعمتی از نعمتهای دنیاست، پس قطعاً دنیا به معنای عام آن منظور است ولی اشمال آن بر خصوص مال مورد تردید می‌باشد، و تمسک به این گونه آیات برای اثبات اطلاق «رحمت» بر دنیا به معنای عام آن از قبیل تمسک به عام در شبهه‌ی موضوعیه نیست؛ آری تمسک به این گونه آیات برای آنکه اطلاق رحمت بر مال را اثبات کنیم درست نیست زیرا شمول آن مورد تردید است.

۱- قرآن کریم می فرماید: «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» - و از ایشان کسانی هستند که می گویند پروردگارا در دنیا به ما نیکی بده و در آخرت نیکی بده و از عذاب آتش نگاهمان دار» (۱)

راغب می گوید: «حسنه» بهر نعمت خوش آیندی گفته می شود که در جان یا تن یا امور و احوال دیگر به انسان برسد، و مقابل آن «سئئه» است. (۲)

توضیح در مورد دلالت آیه:

مؤمن آنچه در دنیا و آخرت خوشایند اوست و او را شاد می سازد از خدای متعال خواستار است، بنابراین چیزهایی نظیر گشایش در روزی، همسر شایسته، خانه ی وسیع، ثروت، سلامتی، خردمندی، پیروزی بر دشمن و... همه «حسنه»

ص: ۹۳

۱- (۱) - سوره ی بقره آیه ی ۲۰۱

۲- (۲) - مفردات راغب ص ۱۱۸

هستند، و در روایات ائمه علیهم السلام نیز «حسنة» به برخی از همین نعمتها تفسیر شده که در واقع از باب بیان مصداق است.

۲- «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا- آنچه از نیکیها به تو برسد از خداست و آنچه از بدیها به تو برسد از خودت است و ترا بعنوان رسول و پیامبر برای مردم فرستادیم و خداوند برای گواهی کافی است» (۱)

۳- «وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقَصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَلَا- إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا- يَعْلَمُونَ- و قطعاً بر خاندان فرعون با قحطی و کمبود محصولات سخت گرفتیم شاید متذکر شوند، پس هنگامی که نیکی به آنان روی می آورد می گفتند این برای ماست، و اگر بدی هب ایشان می رسید شومی را به موسی و کسانی که با او بودند نسبت می دادند، همانا شومی آنان نزد خداست ولی بیشتر آنان نمی دانند» (۲)

۴- «وَ اَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ اِنَّا هُدْنَا اِلَيْكَ- و برای ما در این دنیا و در آخرت نیکی بنویس، همانا ما به سوی تو باز گشته ایم» (۳)

۵- «اِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُوهُمْ وَ اِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا

ص: ۹۴

۱- (۱) -سوره ی نساء آیه ی ۷۹

۲- (۲) -سوره ی اعراف آیه ی ۱۳۰

۳- (۳) -سوره ی اعراف آیه ی ۱۵۶

قَدْ أَخَذْنَا أَمْرًا مِنْ قَبْلُ وَ يَتَوَلَّوْا وَ هُمْ فَرِحُونَ- و اگر به تو نیکی برسد بدشان می آید و اگر به تو مصیبتی برسد می گویند از بیشتر مراقب امورمان بوده ایم، و با شادمانی روی برمی تابند» (۱)

۶- «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَ لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ شَاكِرًا لِلنَّعْمَةِ اجْتَبَاهُ وَ هَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ آتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ- ابراهیم پیشوایی متواضع در برابر خدا و گرونده ی به دین حق بود و از مشرکان نبود، شکرگزار نعمتهای خدا بود، خداوند او را برگزید و به صراط مستقیم هدایت فرمود، و به او در دنیا نیکی دادیم و همانا او در آخرت از شایستگان است.» (۲)

۷- «وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ- آنانکه در راه خدا مهاجرت نمودند پس از آنکه ستم دیدند، جایگاهشان را در دنیا نیکو می سازیم و هر آینه پاداش آخرت بزرگتر است اگر بدانند» (۳)

۸- «وَ قِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لَنَعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ- و به آنانکه پرهیزگاری کردند گفته شد پروردگارتان چه نازل فرمود؟ گفتند: خیر و خوبی. برای آنانکه نیکی کردند در این دنیا نیکی است و هر آینه سرای آخرت بهتر است و همانا سرای پرهیزکاران نیکوست» (۴)

ص: ۹۵

۱- (۱) -سوره ی توبه آیه ی ۵۰

۲- (۲) -سوره ی نحل آیه ی ۱۲۲

۳- (۳) -سوره ی نحل آیه ی ۴۱

۴- (۴) -سوره ی نحل آیه ی ۳۰

۹- «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ - و در آنچه خدا بتو داده سرای آخرت را بجوی، و بهره ات را از دنیا نیز فراموش مکن و نیکی کن همچنانکه خدا به تو نیکی کرد» (۱)

۱۰- «قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةٌ - بگو ای بندگان من که ایمان آورید، در برابر پروردگارتان پرهیزگار باشید، برای آنان که نیکی کنند در این دنیا نیکی خواهد بود و زمین خدا پهناور است» (۲)

۱۱- «وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَ جَعَلَ لَكُم مُلُوكًا وَ آتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ - و آنگاه که موسی به قوم خود گفت ای قوم من یاد آرید نعمت خدا را بر شما هنگامی که میان شما پیامبرانی قرار داد و شما را پادشاهانی گردانید و عطا کرد به شما آنچه به احدی از جهانیان عطا نکرده است» (۳)

۱۲- «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ - این بدانجهت است که خدا تغییر دهنده ی نعمتی که به قومی عطا فرموده نیست تا آنچه در خودشان است تغییر دهند.» (۴)

۱۳- «وَ لَئِنْ أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضِرَاءٍ مَسَّتَهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ - و اگر به او نعمتی بچشانیم پس

ص: ۹۶

۱- (۱) -سوره ی قصص آیه ی ۷۷

۲- (۲) -سوره ی زمر آیه ی ۱۰

۳- (۳) -سوره ی مائده آیه ی ۲۰

۴- (۴) -سوره ی انفال آیه ی ۵۳

از مشقتی که بدو رسیده، هر آینه می گوید بدی ها از من رفت، و همانا او شادمان و فخرکننده است» (۱)

۱۴- «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَإِنْ تَعِدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا- خدایی که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرو فرستاد آنگاه با آن محصولات را رویاند تا روزی شما باشد... و اگر نعمت خدا را بشمرید شمار آن نمی توانید» (۲)

۱۵- يَغْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ- نعمت خدا را می شناسند آنگاه آن را انکار می کنند و بیشتر آنان کافرند» (۳)

۱۶- فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ- پس بخورید از آنچه خداوند روزی شما ساخته و حلال و پاکیزه اند و سپاسگزار نعمت خدا باشید» (۴)

۱۷- «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً- آیا نمی بینید که خدا آنچه در آسمان و آنچه در زمین است در اختیار شما قرار داده و نعمتهای آشکار و پنهانش را بر شما تمام کرده است» (۵)

۱۸- «أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلُوكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ- آیا نمی بینی کشتی در دریا به لطف خدا روان است» (۶)

۱۹- «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ

ص: ۹۷

۱- (۱) -سوره ی هود آیه ی ۱۰

۲- (۲) -سوره ی ابراهیم آیه ی ۳۲

۳- (۳) -سوره ی نحل آیه ی ۸۳

۴- (۴) -سوره ی نحل آیه ی ۱۱۴

۵- (۵) -سوره ی لقمان آیه ی ۲۰

۶- (۶) -سوره ی لقمان آیه ی ۳۱

خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ - ای مردم نعمت خدا را بر شما بیاد آرید، آیا آفریننده یی جز خدا وجود دارد که به شما روزی دهد»

(۱)

«نعمت» در این آیات بر دنیا اطلاق شده، اضافه بر این، آیات در مقام منت گذاری و برشمردن نعمتها هستند که این خود تأکیدی بر مدعای ماست.

۲۰- «فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ - پس هنگامیکه به انسان مشقتی برسد ما را می خواند و دعا می کند آنگاه چون نعمتی از خود به او عطا کنیم می گوید همانا آن را بنا بر دانشی بدست آوردم» (۲)

۲۱- «وَ إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَدَّوْا دُعَاءِ عَرِيضٍ - و چون به انسان نعمت بدهیم روی بر می گرداند و کنار می کشد و چون شری به او برسد دعای عریض و پهناوری دارد» (۳)

۲۲- «وَ الَّذِي خَلَقَ الْمَازِجَ كُلَّهَا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلُكِ وَ الْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ لِتَسْبِتُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَ تَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ - و خدایی که همه ی جفتها را آفرید و از کشتی و چارپایان برایتان مرکب ساخت تا بر پشت آن قرار گیرید آنگاه چون بر آن استوار نشستید نعمت خدا را بیاد آرید و بگویید منزّه است آنکه این را برای ما رام ساخت و ما حریف آن نبودیم» (۴)

ص: ۹۸

۱- (۱) -سوره ی فاطر آیه ی ۳

۲- (۲) -سوره ی زمر آیه ی ۴۹

۳- (۳) -سوره ی فصلت آیه ی ۵۱

۴- (۴) -سوره ی زخرف آیه ی ۱۳

۲۳- «كَمْ تَرَكَوا مِنْ جَنَاتٍ وَ عُيُونٍ وَ زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ وَ نَعْمَهُ كَانُوا فِيهَا فَآكِهِينَ - چه بسیار باغها و چشمه سارها و کشتزارها و جایگاه پسندیده و نعمتی که در آن خوش گذرانی می کردند بر جای نهادند» (۱)

۲۴- إنا فتحنا لك فتحاً مبيناً ليُغْفَرَ لَكَ اللهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ ما تَأَخَّرَ وَ يُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطاً مُسْتَقِيمًا - ما برای ت فتح کردیم فتحی روشن و آشکار، تا در گذرد خدا از گناه گذشته و آینده ات و نعمتش را بر تو تمام سازد و ترا به صراطی مستقیم هدایت فرماید» (۲)

توضیح: چنانکه برخی گفته اند مراد از نعمت در این آیه سلطنت و حکومت است، و لا اقل معنای عام نعمت شامل اینها نیز می شود. (توجه شود)

۲۵- «وَ ذَرْنِي وَ الْمُكذِّبِينَ أُولِي النِّعْمَةِ وَ مَهْلَهُمْ قَلِيلًا» - تکذیب کنندگان صاحب نعمت را با من واگذار و اندکی به ایشان مهلت ده» (۳)

توضیح: مراد از «صاحبان نعمت» همان ثروتمندان است، ولی می توان اشکال کرد که اطلاق در نظایر این آیه باعتبار آنست که مردم آنان را صاحب نعمت می بینید. (توجه شود)

۲۶- «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعْمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِي وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي

ص: ۹۹

۱- (۱) -سوره ی دخان آیه ی ۲۷

۲- (۲) -سوره ی فتح آیه ی ۱

۳- (۳) -سوره ی مزمل آیه ی ۱۱

أَهَانِنِ - امّا آدمی چون پروردگارش او را آزمایش کند پس او را اکرام نماید و نعمت دهد می گوید پروردگارم مرا اکرام کرد، و چون او را آزمایش کند پس روزیش را تنگ سازد می گوید پروردگارم مرا خوار ساخت» (۱).

*** و امّا روایات ۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: شکرگزاری زینت بی نیازی است. (۲)

از کلمه ی «شکرگزاری» در می یابیم که «غنی و بی نیازی» نعمت است زیرا «شکر» در برابر نعمت بکار می رود.

۲- و نیز فرمود: آگاه باشید همانا فراوانی مال و ثروتمندی جزو نعمتهاست، و برتر از فراوانی مال سلامتی بدن است و برتر از سلامتی بدن تقوای قلب است. (۳)

۳- و نیز فرمود: کسی که نعمتهای الهی بر او فراوان شود نیازمندهای مردم به او نیز بسیار می گردد، پس آنکه برای خدا آنچه در نعمتها واجب است در آن نیازمندها انجام دهد (با نعمتهایی که خدا به او عطا کرده در رفع نیاز مردم بکوشد و واجبات مالی خود را پردازد) موجب دوام و بقاء نعمتها شده است، و آنکه آنچه در آن نعمتها واجب است بر پا ندارد و انجام ندهد، آن نعمتها را در معرض زوال و فنا قرار داده است (۴)

ص: ۱۰۰

۱- (۱) -سوره ی فجر آیه ی ۱۶

۲- (۲) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۶۵

۳- (۳) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۴۷

۴- (۴) -نهج البلاغه ۲۴۳/۳

۴- و نیز فرمود: سوگند به خدا هرگز چنین نبوده که قومی در ناز و نعمت زندگی کنند و نعمتهاشان زوال یابد مگر به جهت گناہانی که مرتکب شده اند. (۱)

ص: ۱۰۱

۱- (۱) - نهج البلاغه ۱۱۹/۲

۸- گاهی محروم شدن از مواهب دنیوی، عذاب و کیفری بر زشتیها و گناهان و ناسپاسی نعمتهاست

۱- خدای متعال می فرماید: «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَأُوْا بِغَضَبٍ مِّنَ اللّٰهِ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانُوْا يَكْفُرُوْنَ بِآيٰتِ اللّٰهِ وَ يَقْتُلُوْنَ النَّبِيْنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوْا يَعْتَدُوْنَ- و خواری و بینوایی بر آنان افکنده شد و به غضبی از جانب خدا دچار شدند، برای آنکه به آیات خدا کفر می ورزید و پیامبران را بناحق می شکتند، و برای آنانکه نافرمانی کردند و متجاوز بودند» (۱)

بنابر آنکه مبتلا کردن آنان به خواری و بینوایی بطور «تکوینی» باشد معنای آیه مطابق منظور ما است، و استثنائی هم که در آیه ی دیگر نقل شده بر همین معنا گواهی می دهد:

«ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ اَیْنَ مَا تَقَفُوْا اِلَّا بِحِجْلِ مِنَ اللّٰهِ وَ حِجْلٍ مِّنَ النَّاسِ وَ بَأُوْا بِغَضَبٍ مِّنَ اللّٰهِ وَ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذٰلِكَ

ص: ۱۰۲

بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ- هر کجا باشند خواری و ذلت بر آنان زده شده مگر به وسیله و عهدهی از جانب خدا و یا وسیله و عهدهی از سوی مردم، و به غضبی از خدا دچار شدند و فقر و بینوائی بر آنان زده شد، این برای آنست که به آیات خدا کفر می ورزیدند و پیامبران را بناحق می کشتند و برای آنکه نافرمانی کردند و متجاوز بودند» (۱)

امّا اگر بگوییم مراد از «ذلت و خواری» بدست خود و با حقارت جزیه دادن است «حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (۲)» و مراد از «مسکنت و بی نوائی» تظاهر به فقر است که آنان خود را فقیر نشان می دهند اگرچه ثروتمند باشند، و دیده شده گاهی ثروتمند از آنان ظاهری پریشان دارد از ترس آنکه جزیه ی او اضافه نشود، در این صورت استدلال به این آیه در مورد مدّعی ما صحیح نخواهد بود.

۲- «وَ لِيُخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّهُمْ ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا- و باید بترسند آنانکه اگر پس از خود فرزندان ناتوان بر جای گذارند برای آنان بیمناکند پس باید از خدا بپرهیزند و گفتاری درست بگویند» (۳)

اگر «امر» در این آیه مربوط به سرپرست مال یتیم باشد که او را به ادای امانت و حفظ ان تکلیف می کند و از عاقبت بد

ص: ۱۰۳

۱- (۱) -سوره ی آل عمران آیه ی ۱۱۲

۲- (۲) -سوره ی توبه آیه ی ۲۹

۳- (۳) -سوره ی نساء آیه ی ۹

خوردن مال یتیم از روی ستم بر حذر می دارد و آن عاقبت بد فقر و بینوائی در فرزندان صغیر او خواهد بود؛ در این صورت آیه گواه بر مدّعی ماست.

اما اگر آیه مربوط به وصیت بهنگام مرگ و زیانی که به ورثه می رسد باشد مربوط به مدّعی ما نخواهد بود.

۲- «فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بِصَيِّدِهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا» - پس به جهت ستمی از جانب یهودان، برخی چیزهای نیکویی که حلالشان بود بر آنان حرام کردیم و به جهت آنکه بسیار از راه خدا جلوگیری می کردند»
(۱)

در این آیه سلب نعمتهای دنیوی که کیفری برای آنان می باشد به صورت تشریحی است (یعنی خدای متعال نعمت را از آنان سلب نکرده بلکه اجازه ی استفاده از آن را سلب فرموده و بر آنان حرام کرده است)

همچنانکه در آیه ی دیگر می فرماید: «وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا ذَلِكَ جَزَيْنَاهُم بِبَغْيِهِمْ» - و بر یهودان هر حیوان چنگک و ناخن داری را حرام کردیم و از گاو گوسفند پیه های آنها را بر ایشان حرام نمودیم... این چنین آنان را به جهت ستمکاریشان جزا دادیم» (۲)

بنابراین، استدلال به این آیه در مورد آنچه ما در صدد اثبات

ص: ۱۰۴

۱- (۱) -سوره ی نساء آیه ی ۱۶۰

۲- (۲) -سوره ی انعام آیه ی ۱۴۶

آن هستیم استدلال تمامی نیست.

۴- «وَكَذَلِكَ نُؤَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»- و این چنین برخی ستمکاران را بر برخی دیگر سرپرست و فرمانروا می سازیم به جهت آنچه انجام می دادند» (۱)

۵- «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»- و اگر مردم آبادیها ایمان می آوردند و تقوی می ورزیدند البته برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می گشودیم، ولی تکذیب کردند پس به جهت آنچه انجام می دادند آنان را فرو گرفتمی» (۲)

مراد از «برکات آسمان» فواید حاصله از نزول باران و غیر آن است و «برکات زمین» نباتات و محصولات است که از زمین می روید، و منظور از «اخذ و فرو گرفتن» جلوگیری از این برکات آسمانی و زمینی است نه هلاک کردن مردم، و این معنا از مقابله ی «اخذ» با «فتح» در آیه برمی آید.

۶- «وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ»- و قطعاً خاندان فرعون را بقحطی و کمبود محصولات فرو گرفتیم شاید متذکر شوند» (۳)

از این آیه استفاده می شود که مبتلا شدن آنان به قحطی و خشکسالی و کمبود محصولات و به عبارت دیگر سلب دنیا از

ص: ۱۰۵

۱- (۱) -سوره ی انعام آیه ی ۱۲۷

۲- (۲) -سوره ی اعراف آیه ی ۹۶

۳- (۳) -سوره ی اعراف آیه ی ۱۳۰

آنان کيفر و مجازات کفر و بی ایمانی آنان نسبت به موسی علیه السلام بوده است.

۷- «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» - این بدان جهت است که خدا تغییر دهنده ی نعمتی که به قومی عطا فرموده نیست تا آنچه در خودشان است تغییر دهند» (۱)

۸- «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» - همانا خدا آنچه مربوط به قومی است تغییر نمی دهد تا وقتی آنچ در خودشان است تغییر دهند» (۲)

۹- «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» - و هنگامیکه پروردگارتان اعلام فرمود اگر شکرگزاری کنید برایتان می افزایم و اگر ناسپاسی نمائید همانا عذاب من بسیار سخت است» (۳)

بنابر آنکه مراد از «عذاب» معنایی عام که شامل سلب نعمت هم می شود باشد و به قرینه ی آنکه «شکرگزاری و افزایش» و «ناسپاسی و عذاب» را ملازم هم قرار داده است همین معنا بر می آید.

۱۰- «وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصَِّبُهُمْ بِمَا صَيَّرُوا قَارِعَةً أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» - و همواره به آنان که کفر ورزیدند به جهت آنچه انجام دادند بلای کوبنده یی اصابت می کند و یا نزدیک به خانه و مأوای

ص: ۱۰۶

۱- (۱) -سوره ی انفال آیه ی ۵۳

۲- (۲) -سوره ی رعد آیه ی ۱۳

۳- (۳) -سوره ی ابراهیم آیه ی ۷

آنان فرود می آید تا آنگاه که وعده ی خدا برسد، همانا خدا خلف وعده نمی کند» (۱)

۱۱- «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا- قَوْمٍ كَانَتْ آمِنَهُ مُطْمَئِنُّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ- و خداوند قریه یی را مثال می زند که در امنیت و آرامش بود، روزیش فراوان از هر سو می رسید، پس به نعمتهای خدا ناسپاسی نمود، و خدا به جهت آنچه انجام می دادند لباس گرسنگی و ترس بر آن پوشاند» (۲)

۱۲- «وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَ أَحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَى مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا وَ لَمْ تَكُنْ لَهُ فِتْنَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ مَا كَانَ مُنتَصِرًا- و برای آنان دو مردی را مثال بزن که برای یکیشان دو باغ قرار دادیم از درختان انگور... و میوه اش نابود شد پس از حسرت و پشیمانی آنچه در آن هزینه کرده بود دو دست برهم می سائند، و باغ برافکنده و سرنگون بود و او می گفت ایکاش نسبت به پروردگارم احدی را شریک و انباز نمی ساختم. و جز خدا برای او سپاهی که یاریش کنند وجود نداشت و او یاری شونده نبود» (۳)

۱۳- «وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى- و آنکه از یاد من رو بگرداند برای او زندگی سختی است و روز قیامت او را نابینا برمی انگیزیم» (۴)

ص: ۱۰۷

۱- (۱) -سوره ی رعد آیه ی ۳۲

۲- (۲) -سوره ی نحل آیه ی ۱۱۲

۳- (۳) -سوره ی کهف آیه ی ۳۲-۴۳

۴- (۴) -سوره ی طه آیه ی ۱۲۴

بنابر آنکه مراد از «ضنك» تنگی معیشت و فقر باشد، اما گر بگوییم «ضنك» با ثروتمندی هم جمع می شود و مراد سختی و مشقت در امور نفسانی است ارتباطی با منظور ما نخواهد داشت.

۱۴- «أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ» - آیا نمی بینند که ما به سوی زمین می آییم و بر اطراف آن نقص وارد می سازیم، آیا ایشان غلبه کننده اند» (۱)

بنابر آنکه مراد از نقص وارد ساختن به زمین، نقص در برکات و نعمتها و محصولات زمین باشد چنانکه در آیه یی دیگر می فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ» - و البته شما را با مقداری ترس و گرسنگی و نقص در مالها و جانها و محصولات می آزماییم» (۲) و نیز می فرماید: «وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِّنَ الثَّمَرَاتِ» - و قطعاً خاندان فرعون را با قحطی و نقص در اموال و محصولات فرو گرفتیم» (۳)

اما گر مراد آیه چیزی مانند مرگ عالم و دانشمند باشد - چنانکه در برخی روایات بهمین معنا تفسیر شده دلالتی بر منظور ما نخواهد داشت، مگر آنکه بگویید «نقص» معنایی عام دارد که شامل نقص مال و محصولات و جانها نیز می شود (چنانکه در آیه یی در سوره ی بقره ذکر شده است) (۴) و در اینصورت آنچه در برخی روایات در مورد مرگ عالم و دانشمند آمده در واقع بیان آشکارترین مصداق و از باب جریان و تطبیق است نه

ص: ۱۰۸

۱- (۱) -سوره ی انبیاء آیه ی ۴۶

۲- (۲) -سوره ی بقره آیه ی ۱۵۵

۳- (۳) -سوره ی اعراف آیه ی ۱۳۰

۴- (۴) -سوره ی بقره آیه ی ۱۵۵

اگر کسی بگوید: آیه بر اینکه این «نقص» به جهت عقوبت و کیفر است دلالتی ندارد؛ پاسخ آنست که: استدلال ما به این آیه با ملاحظه ی صدر آیه درست است، زیرا ابتدای آیه می فرماید: «بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَ آبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ...» - بلکه اینان و پدرانشان را کامیاب و بهره مند ساختیم تا عمر بر ایشان دراز شد، آیا نمی بینند...». یعنی بهره مندی از نعمتهای دنیا موجب غرور آنان و پدرانشان گردید، و آیه تهدید می کند که خدا قادر است که با «نقص زمین» آنان را فرو بگیرد و او بر این کار چیره و غالب است.

۱۵- «فَلْيَخْذِرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» - آنانکه با فرمان او مخالفت می ورزند باید بترسند از آنکه فتنه یا عذاب دردناکی به ایشان برسد» (۱)

۱۶- «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» - فساد به جهت آنچه مردم انجام دادند در خشکی و دریا آشکار شد، باید نتیجه ی برخی از اعمالشان را به ایشان بچشانند شاید باز گردند» (۲)

۱۷- «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» - آنچه از مصیبتها به شما رسید به جهت کارهایی است که انجام داده اید و خدا از بسیاری عفو و گذشت می فرماید» (۳)

ص: ۱۰۹

۱- (۱) -سوره ی نور آیه ی ۶۳

۲- (۲) -سوره ی روم آیه ی ۴۱

۳- (۳) -سوره ی شوری آیه ی ۳۰

مراد از «فساد آشکار» مصیبت‌ها و بلاهایی است نظیر زلزله‌ها، نیامدن باران و قحطی، بیماری‌های واگیر، جنگ‌ها، و بطور کلی آنچه نظام صالحی را که در زمین جریان دارد بر هم زند و به فساد و خرابی و رنج و سختی بکشاند، چه این فساد و خرابی و بر هم خوردگی بدست برخی انسانها وقوع یابد (مانند جنگ‌ها) و چه بدست آنان نباشد (مانند زلزله و سیل).

نتیجه آنکه میان اعمال مردم و حوادثی که در جهان چه در سوی خیر و چه در سوی شرّ وقوع می‌یابد رابطه‌ی نزدیک وجود دارد، و حوادث به نوعی از تبعیت تابع اعمالند؛ اگر بشر براه اطاعت و بندگی خدا برود پیامد آن نزول خیرات و گشایش درهای برکات است، و اگر از این راه انحراف جوید پیامد آن ظهور فساد و خرابی در خشکی و دریا و پیدایش جنگ‌ها و ستمها و دیگر زشتیهایی است که به سوء اعمال آدمی مربوط می‌شود، و همینطور است پیدایش مصیبت‌ها و خطرهای طبیعی مانند سیل و زلزله و صاعقه و طوفان و نظایر اینها. لذا خدای متعال «سیل عرم» و «طوفان نوح» و «صاعقه ثمود» و «طوفان باد بر قوم عاد» (۱) را همینطور وصف می‌فرماید یعنی اثر اعمال مردم می‌شمارد، و این سنتی الهی است که در همه‌ی امتها جریان دارد، ولی این یادآوری لازم است که این موضوع قانونی عام و همگانی نیست، زیرا گاهی نزول خیرات و برکات به جهت مهلت دادن به گناهکاران و زمینه‌سازی برای کیفر نهایی آنان است، و متقابلاً گاهی بلاها و مصیبت‌ها برای ترفیع درجه و

ص: ۱۱۰

۱- (۱) -سوره‌ی سبا آیه‌ی ۱۶ و سوره‌ی عنکبوت آیه‌ی ۱۴ و سوره‌ی فصلت آیه‌ی ۱۷ و سوره‌ی قمر آیه‌ی ۱۹

تکمیل معنویت مؤمنان می باشد همچنانکه در بلاها و مصیبت هایی که بر پیامبران و اولیاء خدا وارد شده آشکار است.

بنابراین می توان گفت هر جا خدای متعال به فرد یا گروهی نعمتی عنایت فرماید، اگر نعمت یافته صالح باشد آن نعمت عطای خداست و ممکن است آزمایش و ممکن است پاداش عمل نیک او باشد. و اگر نعمت یافته فاسد و گناهکار باشد، آن نعمت برای او دشمنی و مکر الهی و مهلت دادن و زمینه سازی برای کیفر نهایی اوست: «وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ، وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ - آنان مکر می کنند و خدا نیز مکر می کند و خداوند بهترین مکرکنندگان است» (۱) «سَنَسِيحٌ تَدْرِيحُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ - با زمینه سازی به تدریج آنان را به سوی عقوبت نهایی می بریم بگونه ای که در نمی یابند» (۲) «وَأْمَلِي لَهُمْ إِنْ كَيْدِي مَتِينٌ - به ایشان مهلت می دهم همانا نیرنگ من محکم و استوار است» (۳)

و همینطور در مصیبت ها و بلاها، اگر بلا دیده و مصیبت رسیده صالح باشد امتحان و آزمایشی است که خدای متعال بوسیله ی آن پاک را از ناپاک متمایز می سازد و موجب ترفیع درجه و ترقی معنوی اوست و اگر فاسد و گناهکار باشد انتقام و کیفر اعمال اوست.

بنابراین ابتلا به فقر و مصیبت بخودی خود دلیل بر بد بودن کسی نیست، و نیز کامیابی و برخورداری از نعمت دلیل خوبی

ص: ۱۱۱

۱- (۱) -سوره ی انفال آیه ی ۳۰

۲- (۲) -سوره ی اعراف آیه ی ۱۸۲ و سوره ی قلم آیه ی ۴۴

۳- (۳) -سوره ی اعراف آیه ی ۱۸۳ و سوره ی قلم آیه ی ۴۵

کسی نخواهد بود؛ خدای متعال می فرماید: «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ كَلَّا...» - اما آدمی چون پروردگارش او را آزمایش کند پس او را اکرام نماید و نعمت دهد می گوید پروردگارم مرا اکرام کرد، و چون او را آزمایش کند پس روزیش را تنگ سازد می گوید پروردگارم مرا خوار ساخت، نه هرگز چنین نیست...» (۱)

و نیز می فرماید: «وَ مَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّى عَفَوْا وَ قَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَ السَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَعْتَهُ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ» - در هیچ آبادی پیامبری گسیل نداشتیم جز آنکه اهل آنجا را به سختی و رنج گرفتار ساختیم باشد که در پیشگاه خدازاری و فروتنی کنند، آنگاه سختی و بلا را به نیکی و نعمت مبدل ساختیم تا بر آسودند و گفتند به پدران ما سختی و بلا رسید، سپس آنان را ناگهان فرو گرفتیم در حالیکه آگاه نبودند» (۲)

در این آیه به «سنت گرفتار کردن به سختی و رنج برای فروتنی و زاری و بازگشت به سوی خدای متعال» و آنگاه به «سنت گرفتار کردن بوسیله ی تبدیل سختی به نیکی و راحتی» که همان «سنت استدراج» یعنی زمینه سازی برای کیفر می باشد اشاره شده است. (۳)

ص: ۱۱۲

۱- (۱) -سوره ی فجر آیه ی ۱۴

۲- (۲) -سوره ی اعراف آیه ی ۹۵

۳- (۳) -تفسیر المیزان ج ۲ و ۸

و امّیا روایات ۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: سوگند به خدا هرگز چنین نبوده که قومی در ناز و نعمت زندگی کنند و نعمتهایشان زوال یابد مگر به جهت گناہانی که مرتکب شده اند، زیرا خدای متعال نسبت به بندگان ستمگر نیست. (۱)

۲- و نیز فرمود: کسی که ما خاندان را دوست بدارد باید آماده ی پوشیدن لباس فقر باشد. (۲)

۳- و نیز فرمود: خدا می فرماید «وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (۳) بدانید مالها و فرزندانان آزمایشی هستند» و معنای آن اینست که خداوند با اموال و اولاد ایشان را می سنجد تا آنکه نسبت به روزی دادن او خشمگین است و آنکه راضی به قسمت الهی است آشکار گردد. اگرچه خدای متعال بر آنان از خودشان داناتر است ولی برای آنکه اعمال که بوسیله ی آن مستحق پاداش یا کیفر می شوند آشکار شود، چرا که برخی پسر می خواهند و دختر دوست ندارند و برخی افزایش مال را دوست دارند و بی چیزی و بدحالی را دوست نمی دارند. (۴)

۴- و نیز فرمود: آگاه باشید که یکی از امتحانها، فقر و مستمندی است. (۵)

ص: ۱۱۳

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۲ ص ۱۱۹

۲- (۲) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۷۶

۳- (۳) - سوره ی انفال آیه ی ۲۸

۴- (۴) - نهج البلاغه ۱۷۱/۳

۵- (۵) - نهج البلاغه ۲۴۷/۳ (توجه شود که جز روایت اول بقیه روایات فوق الذکر را بعنوان گواه بر برخی توضیحات که ذیل آیات ذکر کرده بودیم نقل نموده ایم.)

خدای متعال می فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا- اموالتان را که خداوند موجب قوام و استواری امورتان قرار داده به سفیهان ندهید» (۱)

در نظر اول آیه بر نهی از زیاده روی در انفاق به سفیهان و نهی از بخشیدن بیش از نیازهای ضروری ایشان دلالت دارد، جز آنکه در سیاق کلام، وقوع آیه در جایی که قبل و بعد آن به اموال یتیمان و سرپرستی و اداره و مراقبت این اموال توسط اولیاء ایتم مربوط می شود قرینه ی روشنی است بر اینکه مراد از «سفهاء» سفیهان یتیم می باشد، و منظور از «اموالکم اموالتان» در واقع اموال یتیمان است که با نوعی از عنایت به اولیاء نسبت داده شده، چنانکه قبل از آن جمله ی «وَأْتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ- و به یتیمان اموالشان را بدهید» گواه آنست، و بعد از آن نیز جمله ی «وَأَرْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ- و به ایشان بخورانید و آنان را

ص: ۱۱۴

بپوشانید». و شاهد دیگر آیه ی بعد است که می فرماید: «وَ ابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ - یتیمان را بیازمائید آنگاه که به سنن ازدواج رسیدند اگر در آنان رشد و خردمندی یافتید اموالشان را به آنان رد کنید».

البته چون آیه «عام» است و «عموم وارد» معتبر است نه «خصوص مورد»، بنابراین نهی آیه شامل دادن اموال هر سفیھی چه یتیم باشد چه غیر یتیم می گردد.

در هر صورت، اگر منظور از «سفهاء» سفیهان یتیم باشد منظور از «اموالکم» نیز اموال یتیمان خواهد بود، و اموال به سرپرستانی که مخاطب آیه هستند با این عنایت نسبت داده شده که مجموع اموال و ثروتی که در دنیا موجود است متعلق به مجموع افراد جهان است، و اینکه برخی از اموال به برخی از افراد تعلق یافته و برخی به برخی دیگر بنا بر مصلحتی عمومی و اجتماعی است که مبدأ «ملکیت» می باشد، و همچون نوعی «تقسیم کار» میان افراد یک جامعه است که بنا بر آن بر هر فردی لازم است به وظائف خود اقدام نماید و بر انجام وظائف خویش مراقبت داشته باشد. و یکی از فروع این مبدأ و منشأ، وظیفه یی است که بر عهده ی سرپرستان می باشد که امور سفیهان را اداره و سرپرستی نمایند و اموال آنان را به دست آنان نسپارند که مبدا با اسراف و تبذیر و کارهای دیگر اموال را ضایع و تلف سازند.

باری: نتیجه حاصله از آیه این است که «مال» متعلق به خداست و آنرا در اختیار نوع انسان قرار داده تا در رفع کجیها و گرفتاریهای اجتماع انسانی بکار برد و زندگیش را با آن ادامه

دهد، بدون آنکه خدا فرد خاصی را به آن اختصاص داده باشد، آنگاه در مورد اموالی که به مجموعه ی افراد عطا کرده ضمن تقسیم تشریحی مخصوصی مثل «وراثت» و «حیازت» و «تجارت» و... اجازه ی ملکیت خصوصی داده است، و برای تصرف در مال شرائطی مثل «بلوغ» و «عقل» و... قرار داده، و بدین ترتیب مصلحت فرد با توجه به حفظ مصالح اجتماع مراعات می شود، ولی اگر این دو مصلحت با هم برخورد داشته و طوری باشد که مصلحت اجتماع از دست برود، مصلحت اجتماع مقدم است.

۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: فقر مرگ بزرگتری است. (۱)

۲- و نیز فرمود: پسر من! من بر تو از فقر بیمناکم، از آن به خدا پناه ببر، چرا که فقر ناقص کننده ی دین، و حیران کننده ی عقل و فراخواننده ی دشمنی است. (۲)

۳- و نیز فرمود: آگاه باشید یکی از بلاها و آزمایشها فقر و مستمندی است، و سختتر از فقر و مستمندی بیماری بدن است. و سختتر از بیماری بدن بیماری دل است. (۳)

۴- و نیز در دعا و نیایش خود به خدای متعال عرض می کرد: بار خدایا من از مشقت سفر، و غم و اندوه و بد حالی در بازگشت، و دیدار زشتی در خانواده و مال به تو پناه می برم. (۴)

ص: ۱۱۷

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۹۲

۲- (۲) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۲۹

۳- (۳) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۴۷

۴- (۴) - نهج البلاغه ج ۱ ص ۹۲

دسته ی دوم از آیات و روایات را ذیل این عناوین ذکر می کنیم:

۱- بهره های دنیوی موجب عذاب در دنیا و آخرت است.

۲- دنیا متاعی بی ثبات و ناپایدار است.

۳- دنیا سرای فریب است.

۴- دنیا و آخرت با هم تنافی دارند و جمع بین آنها ممکن نیست.

۵- دنیا سرگرمی و بازیچه است.

۶- دنیا سبب روگرداندن و کناره گیری از آخرت است.

۷- دنیا متاعی است و روگرداندن از آن پسندیده است.

۸- فقر پسندیده و مرغوب است و همچنین پارسائی و داشتن به قدر کفاف.

۹- حرص و آز در خواهش دنیا و گردآوری مال ناپسند است.

۱۰- دنیا در برابر آخرت و کمالات معنوی ارزشی ندارد.

۱- بهره های دنیوی موجب عذاب در دنیا و آخرت است

۱- خدای متعال می فرماید: «وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ- اموال و فرزندان ایشان تو را شگفت زده نسازد، خداوند می خواهد با آن ایشان را در دنیا عذاب کند و جان بدهند در حالیکه کافر باشند» (۱)

۲- «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ- به آنچه ازواجی از ایشان را بهره مند ساخته ایم چشم مدوز که شکوفه و زینت زندگانی دنیاست تا آنان را در آن بهره مندیها بیازماییم، و روزی پروردگار تو نیکوتر و پایدارتر است» (۲)

۳- «لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفَضْنَا جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ- به آنچه ازواجی از ایشان

ص: ۱۲۱

۱- (۱) -سوره ی توبه آیه ی ۸۵

۲- (۲) -سوره ی طه آیه ی ۱۳۱

راه بهره مند ساخته ایم چشم مدوز و بر آنان اندوهگین مباش، و پرو بالت را برای مؤمنان بگشا» (۱).

منظور از «ازواج» شبیه ها یا مثلها یا صنفهاست، و منظور از «زهره» نیکویی و شادابی یا زینت مندی دنیاست، و منظور از «فتنه» عذاب یا آزمایش است.

اما روایات ۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: کالای دنیا، کالایی ناچیز و بی ارزش و وباخیز و خطرناک است. (۲)

۲- و نیز فرمود: اما بعد، همانا مثل دنیا همچون مار است که بدنی نرم و زهری کشنده دارد. (۳)

۳- و نیز فرمود: مثل دنیا همچون مار است که بدنی نرم دارد و زهر کشنده در درون آنست، فریب خورده ی نادان به سوی آن مایل می شود و دانای خردمند از آن حذر می کند. (۴)

ص: ۱۲۲

۱- (۱) -سوره ی حجر آیه ی ۸۸

۲- (۲) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۳۹

۳- (۳) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۴۱

۴- (۴) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۷۸

۲- دنیا متاعی بی ثبات و ناپایدار است

۱- خدای متعال می فرماید: «...تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ.. متاع زندگانی دنیا را می جوئید، و نزد خدا غنیمت‌های بسیار است» (۱)

۲- «يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَ يَقُولُونَ سَيُعَذِّبُنَا لَنَا- متاع ناپایدار این دنیای پست را می گیرند و می گویند آمرزیده می شویم» (۲)

۳- «تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ- متابع ناپایدار دنیا را اراده می کنید و خدا آخرت را اراده می فرماید» (۳)

۴- «لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَا تَبْغُوكَ- اگر بهره و متاعی نزدیک و سفری کوتاه و بی زحمت باشد پیرویت می کنند» (۴)

۵- «وَلَا تُكْرَهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَىٰ الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا

ص: ۱۲۳

۱- (۱) -سوره ی نساء آیه ی ۹۳

۲- (۲) -سوره ی اعراف آیه ی ۱۶۹

۳- (۳) -سوره ی انفال آیه ی ۶۷

۴- (۴) -سوره ی توبه آیه ی ۴۲

﴿لَتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا - كَنِزَانَ خُود رَا اِگَر مِي خَوَاهَنْد شُوهر بگيرند بَرَاي دَسْتِيَابِي بَه مَال و مَتَاع ناپايدار دُنْيَا بَه زَنَّا مَجْبُور نَكْنِيد﴾ (۱)

«عرض» چيزهايي است كه دوام و ثبات ندارند، و متكلمان بصورت استعاره «عرض» را بَرَاي چيزهايي بكار مِي بَرْنَد كه از خود ثباتي ندارند و بَه جُوهر و ذاتي غير خود وابسته اند مثل: رنگ و طعم.

ص: ۱۲۴

۱- (۱) - سوره ي نور آيه ي ۳۳

۳- دنیا سرای فریب است

۱- خدای متعال می فرماید: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ- و زندگانی دنیا جز کالایی فریبنده نیست» (۱)

۲- «الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَ غَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا- آنکه دینشان را به سرگرمی و بازیچه گرفتند و زندگانی دنیا آنان را بفریفت» (۲)

۳- «وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَ غَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا- آنانکه دینشان را به سرگرمی و بازیچه گرفتند و زندگانی دنیا آنان را بفریفت، واگذار» (۳)

۴- «وَ غَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ شَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ- زندگانی دنیا ایشان را بفریفت و بر خود گواهی دادند که کافر بوده اند» (۴)

۵- «فَلَا تَعْرَنَّهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغُرَّتْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ- پس

ص: ۱۲۵

۱- (۱) -سوره ی آل عمران آیه ی ۱۸۵

۲- (۲) -سوره ی اعراف آیه ی ۵۱

۳- (۳) -سوره ی انعام آیه ی ۷

۴- (۴) -سوره ی انعام آیه ی ۱۳۰

زندگانی دنیا شما را نفریبد و فریب دهنده یی شما را نسبت به خدا فریب ندهد» (۱)

۶- «فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ» - پس زندگانی دنیا شما را نفریبد و فریب دهنده یی شما را نسبت به خدا فریب ندهد» (۲)

۷- «ذَلِكُمْ بِمَا نَكَّمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا وَ غَرَّتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا» - این بدان جهت است که آیات خدا را به مسخره گرفتید و زندگانی دنیا شما را فریب داد» (۳)

۸- «وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» - و زندگانی دنیا جز کالائی فریبنده نیست» (۴)

*** و اما روایات ۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام در توصیف دنیا فرمود:

می فریبد و زیان می رساند و تلخ می سازد، همانا خدای متعال نپسندید که دنیا را پاداش دوستان و کیفر دشمنان خود قرار دهد، و اهل دنیا همچون سوارانی هستند که همینکه در جائی اقامت جستند کاروانسالارشان فریاد برداشت کوچ کنید. (۵)

۲- و نیز آن گرامی مردی را دید که از دنیا بد گوئی می کند، فرمود: ای بد گوئی که به فریب دنیا فریفته یی و به بیهودگی های آن نیرنگ خورده یی، آیا فریفته یی دنیائی و آنگاه از

ص: ۱۲۶

۱- (۱) -سوره ی فاطر آیه ی ۵

۲- (۲) -سوره ی لقمان آیه ی ۳۳

۳- (۳) -سوره ی جاثیه آیه ی ۳۵

۴- (۴) -سوره ی حدید آیه ی ۲۰

۵- (۵) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۵۲

آن بدگویی می کنی... (۱)

۳- و نیز فرمود: ای دنیا! ای دنیا! از من دور باش. آیا به من رو می آوری و یا به سوی من شوق داری، هنوز وقت تو نرسیده است، هیئات! غیر مرا فریب بده، مرا با تو نیازی نیست، ترا قطعا سه طلاقه کرده ام که رجوعی در آن نیست. (۲)

۴- و نیز فرمود: بر خود از دنیای فریبنده بترس، و در هیچ حال از آن ایمن مباش. (۳)

۵- و نیز فرمود: اما بعد، پس من شما را از دنیا بر حذر می دارم، که همانا شیرین و سرسبز است و به شهوات پیچیده شده... بسیار فریبنده و سخت زیان زننده است... (۴)

۶- و نیز فرمود: ای مردم همانا دنیا دلبسته به خود را که خواهان جاودانگی در آن است می فریبد و کسی را که بدان رغبت می ورزد میدان نمی دهد، و بر هر کسی که بر آن غلبه می جوید غلبه می کند. (۵)

۷- و نیز فرمود: زندگانی دنیا شما را نفریبد همچنانکه پیشینیان شما را در امتهای سابق و قرون گذشته فریفت... از دنیا حذر کنید که بسیار حيله گر و فریبکار و نیرنگباز است. (۶)

ص: ۱۲۷

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۸۱

۲- (۲) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۶۶

۳- (۳) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۲۴

۴- (۴) - نهج البلاغه ج ۱ ص ۱۲۶

۵- (۵) - نهج البلاغه ج ۲ ص ۱۱۹

۶- (۶) - نهج البلاغه ج ۲ ص ۲۵۱

۴- دنیا و آخرت با هم تنافی دارند و جمع بین آنها ممکن نیست

۱- خدای متعال می فرماید: «إِنْ كُنْتُمْ تُرَدُّنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمْتُّعُكُمْ وَ أُسَيِّرْكُمْ سَيْرًا جَمِيلًا وَ إِنْ كُنْتُمْ تُرَدُّنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (به پیامبر می فرماید که به همسران خود بگویند): اگر زندگانی دنیا و زیور آنرا می خواهید بیاید شما را بهره مند سازم و به نیکی شما را طلاق دهم و رها کنم* و اگر خدا و رسول او و سرای آخرت را می خواهید پس همانا خداوند برای نیکوکاران از شما پاداشی بزرگ آماده ساخته است» (۱)

۲- «وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» هر کس (فقط) کشت دنیا را می خواهد از آن به او می دهیم و در آخرت نصیبی ندارد» (۲)

۳- «وَ لَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ

ص: ۱۲۸

۱- (۱) -سوره ی احزاب آیه ی ۲۹

۲- (۲) -سوره ی شوری آیه ی ۲۰

بِالرَّحْمَنِ لِيُبَوِّتَهُمْ سُدُقًا مِّنْ فَضْلِهِ وَ مَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ وَ لِيُبَوِّتَهُمْ أُبُوبًا وَ سُرُرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ وَ زُخْرَفًا وَ إِنَّ كُلَّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ - و اگر نبود که مردم امتی واحدند برای خانه های آنانکه به خدای رحمان کفر می ورزند سقفهایی از نقره، و نردبانهایی که بر آنها بالا- روند، و درهایی، و تخت هایی که بر آن تکیه زنند، و زینتهایی قرار می دادیم و همه ی اینها جز کالای زندگانی دنیا نیست و آخرت نزد پروردگار تو مخصوص پرهیزکاران است» (۱)

*** و اما روایات ۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: تلخی دنیا شیرینی آخرت است، و شیرینی دنیا تلخی آخرت است (۲)

۲- و نیز فرمود: همانا دنیا و آخرت دو دشمن متفاوت و دو راه مختلفند، پس آنکه دنیا را بپسندد و دوست بدارد با آخرت کینه ورزیده و دشمنی کرده است و آندو همچون مشرق و مغربند و رهسپار میان این دو هرگاه به یکی نزدیک شود از دیگری دور شده است، و آندو پس از اینهمه همچون دو همسر یک مرد (هوو) هستند (که با هم سازگاری ندارند). (۳)

۳- و نیز فرمود: از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید، همانا هر فرزندی در قیامت به مادر خود ملحق می شود. (۴)

۴- امام باقر از امام چهارم زین العابدین علیهما السلام نقل

ص: ۱۲۹

۱- (۱) -سوره ی زخرف آیه ی ۳۵

۲- (۲) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۰۸

۳- (۳) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۷۳

۴- (۴) -نهج البلاغه ج ۱ ص ۸۹

می فرماید: دنیا کوچ کرد و پشت نمود و آخرت کوچ کرد و روی آورد، و برای هر یک فرزندان است پس از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید، و نسبت به دنیا زدهد بورزید و نسب به آخرت رغبت داشته باشید، آگاه باشید که زاهدان زمین را سفره و خاک را بستر و آب را عطر خود قرار دادند و از دنیا بشدت بریدند. (۱)

۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: در طلب دنیا زیان به آخرت و در طلب آخرت زیان به دنیاست، پس به دنیا زیان بزنید که آن برای زیان رساندن سزاوارتر است. (۲)

۶- و نیز فرمودند: ترسناکترین چیزی که بر امت خود از آن بیمناکم هوای نفس و درازی آرزوست؛ اُمّیا هوای نفس، از حق باز می دارد، و اُمّیا درازی آرزو، موجب فراموشی آخرت می شود، و این دنیاست که کوچ کرده و پشت نموده است و این آخرت است که کوچ کرده و رو آورده است، و برای هر یک فرزندان است، پس اگر می توانید از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید این کار را بکنید. (۳)

۷- «زهری» می گوید از امام چهارم علی بن الحسین علیهما السلام شنیدم که می فرمود: ... به خدا سوگند دنیا و آخرت جز همانند دو کفّه ی ترازو نیستند، پس هر کفّه که مایل گردد و پایین آید دیگری را بالا می برد... (۴)

ص: ۱۳۰

۱- (۱) - بحار ج ۷۳ ص ۴۳ به نقل از «کافی».

۲- (۲) - بحار ج ۷۳ ص ۱۶۱ به نقل از «کافی».

۳- (۳) - بحار ج ۷۳ ص ۹۱ به نقل از «حضال».

۴- (۴) - بحار ج ۷۳ ص ۹۲ به نقل از «حضال».

۵- دنیا سرگرمی و بازیچه است

۱- خدای متعال می فرماید: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَ فَلَآ تَعْقِلُونَ- دنیا جز بازیچه و سرگرمی نیست و سرای آخرت برای پرهیزکاران بهتر است، آیا در نمی یابید» (۱)

۲- «أ وَ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَ هُمْ يَلْعَبُونَ- آیا مردم آبادیها ایمنند از آنکه سختی و عذاب ما میان روز به آنان برسد در حالیکه آنان بازی می کنند» (۲)

۳- «قُلِ اللّٰهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ- بگو «اللّه» آنگاه ایشان را واگذار که در بازی کردن خود فرو روند و سرگرم باشند» (۳)

مفردات راغب می گوید: «خوض» در آمدن به آب و مرور در آن است، و برای ورود و اشتغال در امور بکار می رود، و در قرآن

ص: ۱۳۱

۱- (۱) -سوره ی انعام آیه ی ۳۲

۲- (۲) -سوره ی اعراف آیه ی ۹۸

۳- (۳) -سوره ی انعام آیه ی ۹۱

بیشتر برای اموری بکار رفته که ورود و اشتغال به آنها ناپسند است. (۱)

۴- «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ- این زندگانی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و همانا سرای آخرت است که حیات و زندگی است، اگر بدانند» (۲)

۵- «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ- پس وای بر تکذیب کنندگان، آنانکه در سرگرمی فرو رفته به بازی مشغولند» (۳)

۶- «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوٌّ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ- بدانید که زندگانی دنیا بازی و سرگرمی و خود آرائی و فخر فروشی بر یکدیگر و بیشی جستن در اموال و فرزندان است، همچون بارانی که رستنی آن کشاورزان را شگفت زده سازد سپس خشک شود و بینی که زرد شده است آنگاه خرد و ریزه ریزه گردد، و ر آخرت عذابی سخت و آمرزشی از جانب خدا و خشنودی است، و زندگانی دنیا جز کالایی فریبنده نیست» (۴)

۷- «فَذَرُهُمْ يُخَوْضُوا وَ يَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ- پس واگذار ایشان را که مشغول باشند و بازی کنند تا

ص: ۱۳۲

۱- (۱) - مفردات راغب ص ۱۶۱

۲- (۲) - سوره ی عنکبوت آیه ی ۶۴

۳- (۳) - سوره ی طور آیه ی ۱۲

۴- (۴) - سوره ی حدید آیه ی ۱۹

روزی را که وعده شده اند دیدار کنند» (۱)

*** «لهو» چیزی است که انسان را سرگرم و مشغول سازد و از چیز مهمتری غافل کند، و زندگانی دنیا لهو است زیرا با زیورهای ناپایدار خود آدمیان را از زندگی پایدار و جاوید که اگر بدانند حیات واقعی است غافل می سازد.

«لعب» عملی است که از یک نظم و هماهنگی خیالی برخوردار است مثل بازیهای کودکان؛ و زندگانی دنیا لعب است زیرا فانی است و زود باطل می شود مانند بازی کودکان که برای آن جمع می شوند و ساعتی به آن بسیار شوق دارند و خیلی زود از آن دست بر می دارند و پراکنده می گردند.

عموم خواستهایی که خواهندگان برای آن با هم به رقابت می پردازند و ستمگران بر سر آن با یکدیگر جنگ و ستیز می کنند، از قبیل اموال و همسران و فرزندان و انواع تقدّم ها و ریاستها و فرمانروائی ها و داشتن خدمتکاران و یاران و... اموری خیالی و سرابگونه اند، چرا که انسان جز در ظرف خیال و توهم مالک واقعی هیچیک از اینها نمی شود.

ولی زندگانی آخرت که انسان با کمال واقعی خود که بوسیله ی ایمان و عمل صالحش آنرا بدست آورده در آن زندگی می کند زندگی پرارزشی است که لهو و غفلتی در اشتغال به آن وجود ندارد، و حیاتی جدّی است که بازی و ناروایی در آن نیست، و بقائی است بدون فنا و لذّتی است بی رنج و سعادت

ص: ۱۳۳

است بدون بدبختی و شقاوت، و به معنای واقعی کلمه حیات و زندگی است. (۱) آیه ی شریفه زندگانی دنیا را منحصر در لهُو و لعب معرفی فرموده، و اشاره به آن با کلمه ی «هذه» افاده ی تحقیر می کند، و زندگی را منحصر در سرای آخرت دانسته که آن حیات واقعی است.

عالم ربّانی شیخ بهائی رحمه الله علیه می فرماید پنج خصلتی که در این آیه ذکر شده به ترتیب بر حسب سنین عمر آدمی و مراحل حیات انسان صدق می کند؛ چرا که آدمی در سنین کودکی مشتاق لعب و بازی است و چون به بلوغ و نوجوانی رسد به لهُو و سرگرمیها مایل می باشد، و چون کاملتر گردد به زینتها و زیورها از قبیل لباسهای فاخر و مرکب و منزل عالی و شیفتگی در برابر جمال و زیبایی مشغول می گردد، و چون سن بالا تر رود به تفاخر در حسب و نسب می پردازد، و چون پیر شود در افزایش و تکاثر اولاد و اموال می کوشد. (۲)

آیه ی شریفه برای دنیا و فنای آن مثل لطیفی بکار برده که حاصل آن چنین است: خوش آیندی و شادابی و شگفتی دنیا و سپس زوال و فنای آن همچون بارانی است که کشاورز از گیاه و رستنی حاصل از آن شگفت زده شود، و چون آن رستنی رشد کند و به کمال ظاهری خود برسد رنگ آن زرد گردد و مراحل نابودی و نزول را طی نماید و بتدریج خرد و ریزه ریزه و متلاشی شود چنانکه بادها اجزاء آن را پراکنده سازد، و سرای آخرت نیکوتر و

ص: ۱۳۴

۱- (۱) - تفسیر المیزان ج ۱۶ ص ۱۵۶

۲- (۲) - تفسیر المیزان ج ۱۹ ص ۱۸۸

پایدارتر است و آنچه نزد شماست پایان می یابد و آنچه نزد خداست باقی و پایدار می ماند.

ص: ۱۳۵

۶- دنیا سبب رو گرداندن و کناره گیری از آخرت است

۱- خدای متعال می فرماید: «وَ إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأَىٰ بِجَانِبِهِ- و چون به انسان نعمت دادیم رو گرداند و کنار کشید» (۱)

۲- «فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا- و چون شما را از دریا نجات داد و به خشکی رساند رو گردانید، و انسان بسیار ناسپاس است» (۲)

نظایر این آیه در قرآن کریم بسیار است و ما به ذکر برخی اکتفا می کنیم:

۳- «فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخُلُوا بِهِ وَ تَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ- و چون از فضل خود به آنان عطا کرد در آن بخل ورزیدند و پشت کردند در حالیکه رو گردان بودند» (۳)

ص: ۱۳۶

۱- (۱) -سوره ی اسراء آیه ی ۸۳

۲- (۲) -سوره ی اسراء آیه ی ۶۷

۳- (۳) -سوره ی توبه آیه ی ۷۶

۴- «وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلْجُؤُا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ»- و اگر بر آنان رحم کنیم و رنج و مشقتشان را برطرف سازیم همانا با خیرگی و لجاجت در طغیان خود سرگشته می مانند» (۱)

۵- «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفَلَكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ»- و چون در کشتی نشستند خدا را با اخلاص در دین خواندند و چون آنان را از دریا نجات داد و به خشکی رساند آنگاه آنان شرک می ورزند» (۲)

۶- «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ»- و اگر خداوند رزق و روزی را برای بندگانش گشایش دهد قطعا در زمین سرکشی و ستمگری می کنند» (۳)

۷- «فَأَعْرَضَ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا»- از آنکه از یاد ما روی گردانده و جز زندگانی دنیا نمی خواهد کناره کن و روی بگردان» (۴)

۸- «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ»- همانا انسان طغیان می کند چون ببیند که مستغنی و بی نیاز شده است» (۵)

دلالت این آیات بر منظور ما موقوف بر آنست که آیات در مذمت دنیا و اینکه دنیا ذاتا موجب رو گرداندن از حق و آخرت است باشد، ولی اگر در مذمت انسان باشد از آنچه ما در صدد اثبات آنیم بیرون خواهد بود.

ص: ۱۳۷

۱- (۱) -سوره ی مؤمنون آیه ی ۷۵

۲- (۲) -سوره ی عنکبوت آیه ی ۶۵

۳- (۳) -سوره ی شوری آیه ی ۲۷

۴- (۴) -سوره ی نجم آیه ی ۲۹

۵- (۵) -سوره ی علق آیه ی ۷

*** و اما روایات ۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: اما بعد، همانا دنیا (آدمی را) از غیر دنیا باز می دارد. (۱)

۲- و نیز فرمود: مال مایه و ماده ی شهوات است. (۲)

یعنی مال آدمی را به شهوات حرام بر می انگیزد و موجب غفلت از آخرت می شود.

ص: ۱۳۸

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۸۸

۲- (۲) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۶۴

(۱)

۱- خدای متعال می فرماید: «زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ» - برای مردم دوستی شهوتها از زنان و فرزندان و طلا و نقره ی بسیار و اسبان داغ نهاده و چارپایان و محصولات کشاورزی، آراسته و دلپسند است، اینها متاع زندگانی دنیاست و سرانجام و سر منزل نیکو نزد خداست» (۲)

۲- «لَا يَغْرَنُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ، مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ - گردش (زندگی و آزادی و بهره مندی) کافران در شهرها ترا نفریبند. متاع اندکی است آنگاه جایگاهشان دوزخ خواهد بود» (۳)

ص: ۱۳۹

۱- (۱) - متاع یعنی آنچه اندک زمانی از آن بهره مند شوند و بقاء و دوامی نداشته باشد.

۲- (۲) - سوره ی آل عمران آیه ی ۱۴

۳- (۳) - سوره ی آل عمران آیه ی ۱۹۷

۳- «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى» - بگو متاع دنیا ناچیز و اندک است و آخرت برای آنانکه تقوی ورزیدند بهتر است» (۱)

۴- «فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» - متاع زندگی دنیا در آخرت جز اندکی نیست» (۲)

۵- «إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مَتَاعِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» - سرکشی شما به زیان خودتان است (و بهره مندی از) متاع زندگی دنیا است (که ارزش و دوامی ندارد)» (۳)

۶- «وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ» - به زندگانی دنیا شادمان شدند و زندگانی دنیا در آخرت جز متاعی نیست» (۴)

۷- «مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» - متاع اندکی است و عذاب دردناکی برای ایشان است» (۵)

۸- «وَمَا أَوْتِيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ» - و آنچه داده شدید متاع زندگانی دنیا و زینت و آرایش آنست، و آنچه نزد خداست بهتر و پاینده تر است آیا در نمی یابید» (۶)

۹- «أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْداً حَسِيئاً فَهُوَ لِأَقْبِهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ» - آیا آنکه به او وعده یی نیکو دادیم و به آن خواهد رسید همچون کسی است

ص: ۱۴۰

۱- (۱) - سوره ی نساء آیه ی ۷۷

۲- (۲) - سوره ی توبه آیه ی ۳۸

۳- (۳) - سوره ی یونس آیه ی ۲۳

۴- (۴) - سوره ی رعد آیه ی ۲۶

۵- (۵) - سوره ی نحل آیه ی ۱۱۷

۶- (۶) - سوره ی قصص آیه ی ۶۰

که به متاع زندگانی دنیا کامیابش ساختیم آنگاه در قیامت از احضارشدگان است؟» (۱)

۱۰- «يَا قَوْمِ إِنَّمَا هِذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ - ای قوم من، این زندگانی دنیا جز متاعی نیست» (۲)

۱۱- «فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا - آنچه داده شده اید متاع زندگانی دنیا است» (۳)

۱۲- «وَإِنْ كُلُّ ذَلِكُمْ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا - همه ی اینها متاع زندگانی دنیا است» (۴)

۱۳- «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ - زندگانی دنیا جز متاع فریب نیست» (۵)

۱۴- «وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِنِّي فَاتَّقُونَ - آیات مرا به بهایی ناچیز نفروشید و در پیشگاه من پرهیز کار باشید» (۶)

۱۵- «إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ - آنانکه پیمان خدا و سوگندهاشان را به بهایی ناچیز می فروشند در آخرت بهره یی ندارند.» (۷)

۱۶- «وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا - آیات مرا به بهایی ناچیز نفروشید» (۸)

۱۷- «وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا - پیمان خدا را به

ص: ۱۴۱

۱- (۱) -سوره ی قصص آیه ی ۶۱

۲- (۲) -سوره ی غافر آیه ی ۳۹

۳- (۳) -سوره ی شوری آیه ی ۳۶

۴- (۴) -سوره ی زخرف آیه ی ۳۵

۵- (۵) -سوره ی حدید آیه ی ۲۰

۶- (۶) -سوره ی بقره آیه ی ۴۱

۷- (۷) -سوره ی بقره آیه ی ۴۱

۸- (۸) -سوره ی آل عمران آیه ی ۷۷

۱۸- «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ- آنان کسانی هستند که آخرت را به زندگانی دنیا فروختند» (۲)

۱۹- «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ- پس باید در راه خدا با آنانکه آخرت را به بهای زندگانی دنیا می فروشند بجنگد» (۳)

علاقمندان می توانند آیات دیگری را نیز در همین زمینه در قرآن کریم بیابند.

*** اما روایات ۱-امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «آگاه باشید که دنیا با شتاب رو گردانده و جز ته مانده یی از آن باقی نمانده همچون ته مانده ی ظرفی که ریزنده ی آن آنرا بریزد...» (۴)

۲-و نیز فرمود: برگزیدگانتان کجایند... آیا جز این است که از این دنیای پست کوچ کردند. (۵)

۳-و نیز فرمود: آگاه باشید دنیا سپری شده و جدائی و وداع را اعلام کرده و خوبیش دگرگون گردیده و با شتاب رو گردانده است... پس از آن باقی نمانده جز ته مانده یی همچون ته مانده ی آب آفتابه یا جرعه یی همچون جرعه ی ته کاسه یی که اگر تشنه بنوشد سیرابش نمی سازد. (۶)

ص: ۱۴۲

۱- (۱) -سوره ی نحل آیه ی ۹۵

۲- (۲) -سوره ی بقره آیه ی ۸۵

۳- (۳) -سوره ی نساء آیه ی ۷۴

۴- (۴) -نهج البلاغه ج ۱ ص ۸۹

۵- (۵) -نهج البلاغه ج ۲ ص ۱۶

۶- (۶) -نهج البلاغه ج ۱ ص ۹۷

۴- و نیز هنگامی که از زباله دانی می گذشت فرمود: اینست آنچه بخیلان در آن بخل می ورزیدند. (۱)

۵- و نیز فرمود: دنیای شما نزد من بی ارزشتر از برگی است که ملخی به دهان گرفته می جوید. (۲)

۶- اولیاء خدا کسانی هستند که به باطن دنیا نظر کردند آنگاه که مردم به ظاهر آن نظر نمودند... و بهره ی بسیار دیگران را از دنیا بهره ی اندکی دیند. (۳)

۷- آیا آزاده یی نیست که این اندک طعام جویده شده در دهان را برای اهلش واگذارند؟! (۴)

۸- به خدا سوگند این دنیای شما در چشم من پستتر از استخوان خوکی است که در دست شخصی جذامی باشد. (۵)

۹- از پستی دنیا نزد خدا آنکه نافرمانی خدا جز در آن نمی شود، و رسیدن به آنچه نزد خداست جز با وا گذاشتن دنیا میسر نمی گردد. (۶)

۱۰- برای دنیایی پست بر یکدیگر پیشی می گیرند و بر لاشه یی متعفن چون سگان با یکدیگر می ستیزند. (۷)

۱۱- بندگان خدا شما را به وا نهادن دنیا سفارش می کنم که ترک کننده ی شماست هرچند ترک آنرا دوست نداشته باشید، و پوئنده ی بدنهایتان است هرچند نو شدن آنرا بخواهید. (۸)

۱۲- چه بگریم از سرایی که اول آن رنج و مشقت و آخر آن

ص: ۱۴۳

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۹۷

۲- (۲) - نهج البلاغه ج ۲ ص ۲۴۵

۳- (۳) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۵۶

۴- (۴) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۶۱

۵- (۵) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۰۵

۶- (۶) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۴۷

۷- (۷) - نهج البلاغه ۵۰/۲

۸- (۸) - نهج البلاغه ۱۹۱/۱

نیستی و نابودی است، در حلال آن حساب و در حرام آن عذاب است. (۱)

۱۳- برای من در گذشته برادری دینی بود که حقارت دنیا در چشمش او را در چشم من عظمت می بخشید. (۲)

۱۴- اما بعد، دنیا قطعاً پشت کرده و جدائی و وداع را اعلام نموده، و آخرت نزدیک است آشکار شود. (۳)

۱۵- گویا رشد و رستگاری در بدست آوردن دنیایشان است! (۴)

۱۶- شما را از دنیا بر حذر می دارم، که سرای گذشتن و جایگاه نامرادی است... (۵)

۱۷- از دنیا وارسته و بر کنار و نسبت به آخرت شیفته و خواستار باشید. (۶)

۱۸- آگاه باشید، با دنیا چه می کند آنکه برای آخرت آفریده شده؟ و با مال چکار دارد آنکه بزودی از او گرفته می شود و وبال و حساب آن برایش باقی می ماند؟! (۷)

۱۹- خدا را فرشته یی است که هر روز بانگ بر می دارد:

فرزند بیاورید برای مرگ، و جمع کنید برای فنا و نابودی، و بسازید برای ویرانی. (۸)

۲۰- به دنیا با نظر بی رغبتان در آن و رو گردانان از آن نظر

ص: ۱۴۴

۱- (۱) - نهج البلاغه ۱۲۷/۱

۲- (۲) - نهج البلاغه ۲۲۳/۳

۳- (۳) - نهج البلاغه ۶۶/۱

۴- (۴) - نهج البلاغه ۱۳۸/۱

۵- (۵) - نهج البلاغه ۱۹۵/۲

۶- (۶) - نهج البلاغه ۱۵۸/۲

۷- (۷) - نهج البلاغه ۶۷/۲

۸- (۸) - نهج البلاغه ۱۸۳/۳

کنید. (۱)

۲۱- شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم و اینکه دنیا را نطلبید اگرچه آن شما را بطلبد. (۲)

۲۲- پس باید خواستار چیزی باشی که زیبایی و جمالش برایت بماند و گناه و وبالش از تو دور شود، و مال برای تو نمی‌ماند و تو نیز برای آن نمی‌مانی. (۳)

۲۳- پس باید دنیا در چشمتان از تفاله‌ی بی‌ارزش برگی که دباغان بکار می‌برند و از ریزه‌های دم‌قیچی ناچیزتر باشد... و با بدگویی آنرا و نهید که دنیا کسی را که از شما به آن شیفته‌تر بوده وانهاده است. (۴)

۲۴- آگاه باشید که این دنیایی که تمنای آن دارید و بدان رغبت می‌ورزید و شما را خشمگین و خشنود می‌سازد، سرا و خانه‌ی شما که برایش آفریده و به آن دعوت شده‌اید نیست.

آگاه باشید که آن برایتان باقی نمی‌ماند و شما نیز بر آن باقی نمی‌مانید. (۵)

۲۵- برای دنیا آفریده نشده‌ایم و به کوشش در آن مأمور نگشته‌ایم و فقط در آن قرار گرفته‌ایم تا با آن آزمایش شویم. (۶)

ص: ۱۴۵

۱- (۱) - نهج البلاغه ۱۹۷/۱

۲- (۲) - نهج البلاغه ۸۵/۳

۳- (۳) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۵۴

۴- (۴) - نهج البلاغه ۷۵/۱

۵- (۵) - نهج البلاغه ۱۰۶/۲

۶- (۶) - نهج البلاغه ۱۲۳/۳

تتمه اینک در ذیل عنوان هفتم روایاتی را ذکر می کنیم که سفارش می کند در طلب دنیا با آهستگی و بی حرص و شتاب عمل کنند و میانه روی در معیشت را مراعات نمایند و نسبت به دنیا زهد بورزند؛ و نیز روایاتی که حاوی مضامین دیگری است که اگر نه صریحا، التراما دلالت دارند اعراض و دوری از دنیا مطلوب و پسندیده و رو آوردن به آن ناپسند است:

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین سفر حج (حجه الوداع) فرمودند: آگاه باشید که جبرئیل بر دلم وحی کرد هیچکس تا همه ی روزی خویش را نیابد نمی میرد، پس از خدا بپرهیزید و در طلب دنیا آهسته و بی شتاب باشید، و دیر رسیدن برخی از رزق و روزی شما را بر آن ندارد که آن را با معصیت و نافرمانی خدا بطلبید، چرا که خدای متعال روزیها را میان آفریدگان خویش بطور حلال تقسیم کرده است نه حرام، پس آنکه تقوی بورزد و صبر کند خداوند روزی او را از حلال خود می رساند و آنکه پرده ی عفاف را بدرد و شتاب ورزد و از غیر حلال خدا بگیرد خدا عوض آن از روزی حلالش قصاص می کند

ص: ۱۴۶

و در قیامت نیز از او حساب می کشد. (۱)

۲- امام باقر علیه السلام فرمود: هیچکس نیست جز آنکه خدا برایش روزی حلالی قرار داده که با آسایش و عافیت به او می رسد، و به صورت حرام از طریقی دیگر نیز به او عرضه می شود، اگر چیزی از حرام را بگیرد خدا از حلالی که برای او قرار داده قصاص می کند، و نزد خدا جز اینها فضل و نعمت بسیاری است و آن گفتار خدای متعال است که می فرماید (۲):

«وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ - از فضل و نعمت خدا بخواهید» (۳)

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: اگر بنده در سوراخی باشد روزیش می رسد، پس در طلب دنیا آهسته و بی شتاب باشید. (۴)

۴- امام صادق علیه السلام از پدراننش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمودند: روح الامین جبرئیل مرا از پروردگارم خبر رساند که هیچکس نمی میرد تا تمام روزیش را دریابد پس از خدا پرهیزید و در طلب دنیا آهسته و بی شتاب باشید و بدانید رزق بر دو گونه است یکی رزقی که شما آنرا می طلبید و دیگری رزقی که شما را می طلبد، پس ارزاق خود را از حلال بطلبید چرا که اگر شما آنرا از راههای صحیحش بطلبید بصورت حلال آنرا می خورید و اگر از غیر راههای صحیحش بطلبی آنرا بطور حرام می خورید در حالیکه آنها ارزاق

ص: ۱۴۷

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۲۷ به نقل از «کافی».

۲- (۲) - سوره ی نساء آیه ی ۳۲

۳- (۳) - وسائل ج ۱۲ ص ۲۸ به نقل از «کافی».

۴- (۴) - وسائل ج ۱۲ ص ۲۸ به نقل از «کافی».

شماست و ناچار به شما می رسد و می خورد. (۱)

از این روایت استفاده می شود که همه ی رزق مقدر است جز آنکه برخی از آن مشروط به طلبیدن نیست بلکه به انسان از جایی که گمان نمی برد می رسد و برخی دیگر مشروط به طلب است و در این قسم طلب متعارف و معمولی و بدون حرص کافی است.

۵- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: دنیا نوبت به نوبت و در گردش است، پس به نیکوترین طلبی بهره ی خود را از آن بطلب (پس در طلب بی شتاب و آهسته باش). (۲)

۶- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: آنکه در معاش به قدر کفاف اکتفا کند قطعاً به آسودگی پیوسته است. (۳)

۷- معاش روزانه و به قدر کفاف از دنیا پاکیزه تر از ثروتمندی آنست... و مؤمن به دنیا با چشم عبرت می نگرد و قوت و روزی بقدری که ناگزیر و ناچار از آنست می خورد. (۴)

۸- آنکه بسیار یاد مرگ کند از دنیا به اندکی خشنود است. (۵)

۹- خوشا بی رغبتان به دنیا و مشتاقان به آخرت، آنانند که زمین را سفره و خاک آن را بستر خود برگزیده اند.. آنگاه از دنیا رو گرداندند و گرداندنی بر روش عیسی مسیح (علیه السلام). (۶)

ص: ۱۴۸

-
- ۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۲۹ به نقل از «مجالس صدوق»
 - ۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۲۹ به نقل از «کنز الفوائد کراچکی»
 - ۳- (۳) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۴۲
 - ۴- (۴) - نهج البلاغه ۳/۲۳۹
 - ۵- (۵) - نهج البلاغه ۳/۲۳۶
 - ۶- (۶) - نهج البلاغه ۳/۱۷۳

۱۰- خوشا آنکه قیامت را یاد کند و برای حساب در آخرت عمل نماید و به قدر کفاف قناعت ورزد و از خدا راضی و خشنود باشد. (۱)

۱۱- قناعت (ثروتی است که) تمام نمی شود. (۲)

۱۲- هیچ گنجی بی نیازکننده تر از قناعت نیست. (۳)

۱۳- خدا رحمت کند «خباب بن ارت» را که با رغبت اسلام آورد و با اطاعت و فرمانبرداری (از خدا) هجرت نمود و به قدر کفاف قناعت ورزید، و از خدا خشنود شد و با جهاد زیست. (۴)

۱۴- سبکبار در دنیا نیکو حالتی از گرانبار است. (۵)

۱۵- قناعت برای پادشاهی کافی است...

و از آن گرامی در مورد فرموده ی خدای متعال: «فَلْيُحْيِيَنَّهَا حَيَاءً طَيِّبَةً» پس هر آینه او را به زندگانی پاکیزه یی زندگی می بخشیم» سؤال شد، فرمود: آن قناعت است. (۶)

۱۶- نتیجه و پایان پیش رویتان و مرگ و قیامت دنبال شماست و شما را پیش می راند، سبکبار شوید تا ملحق گردید و باز نمایند، جز این نیست که اولین شمار را نگهداشته منتظر آخرین شمایند. (۷)

۱۷- دنیا سرایی است که برای آن فنا و نابودی و برای اهلش کوچیدن و جدایی از آن تقدیر شده است... پس از آن با

ص: ۱۴۹

۱- (۱) - نهج البلاغه ۱۶۲/۳

۲- (۲) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۶۴ و ۲۳۶ و ۲۶۶

۳- (۳) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۴۲

۴- (۴) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۶۲

۵- (۵) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۵۲

۶- (۶) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۰۴

۷- (۷) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۰۴

بهترین توشه‌ی‌ی که نزد شماست (ایمان و عمل) کوچ کنید و در آن بیش از مقدار کفاف (معاش و روزی) نخواهید و از آن بیش از آنچه به شما رسیده‌مطلبید. (۱)

۱۸- آنکه از دنیا کم بدست آورده، آنچه او را ایمن می‌دارد بسیار یافته، و آنکه از دنیا بسیار بدست آورده، آنچه او را هلاک می‌سازد بسیار یافته است و به زودی آنچه بدست آورده از دستش می‌رود. (۲)

۱۹- ای پسر آدم! تو در آنچه بیش از معاش بدست آورده‌ی‌نگهبان و انباردار دیگری هستی. (۳)

۲۰- اندوه یکسال را بر یکروزت تحمیل نکن، هر روزت را آنچه در آنست کافی است، اگر سال از عمرت باشد خدا در هر فردای جدیدی آنچه برایت قسمت کرده به تو می‌رساند و اگر سال از عمر تو نباشد با اندیشه و اندوه آنچه برای تو نیست چکار داری. (۴)

۲۱- ای پسر آدم! اندیشه و اندوه روزی که نرسیده بر روزی که در آنی تحمیل نکن، چه آنروز اگر از عمر تو باشد خداوند در آن روزیت را می‌رساند. (۵)

۲۲- «زهد» میان دو جمله از قرآن است، خدای سبحان می‌فرماید: «لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ - تَأْسَفُ و اندوه نخورید بر آنچه از دست شما رفته و شادمانی

ص: ۱۵۰

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۱ ص ۹۱

۲- (۲) - نهج البلاغه ۲۱۷/۱

۳- (۳) - نهج البلاغه ۱۹۶/۳

۴- (۴) - نهج البلاغه ۲۴۵/۳

۵- (۵) - نهج البلاغه ۲۱۷/۳

نمائید به آنچه به شما رسیده است» (۱). و آنکه بر رفته دریغی نخورد و به رسیده شادمان نشود هر دو سوی زهد را بدست آورده است. (۲)

۲۳- در دنیا زاهد و بی رغبت باش، خدا ترا بر عیبهای آن بینا می سازد. (۳)

۲۴- آنکه برای دنیا اندوهگین گردد بر قضای الهی خشمگین شده است. (۴)

۲۵- هیچ زهدی چون زهد و بی رغبتی در آنچه حرام است نمی باشد. (۵)

۲۶- آنکه نسبت به دنیا بی رغبت باشد مصیبتها را خوار و ناچیز می شمارد. (۶)

۲۷- در وصف زاهدان فرموده است: گروهی جزو مردم دنیا بودند و اهل دنیا نبودند، در دنیا همچون کسی که از آن نیست می زیستند. (۷)

۲۸- رزق بر دو گونه است، رزقی که تو او را می طلبی و رزقی که او ترا می طلبد که اگر تو به سوی آن نیروی او به سوی تو می آید و بتو می رسد. (۸)

۲۹- پس در طلب آسان بگیر و مدارا کن و در آنچه بدست می آید آهسته و بی حرص و شتاب باش، بسا طلب و خواهشی که به از دست دادن مال می کشد. و اینطور نیست که هر طالبی رزق

ص: ۱۵۱

۱- (۱) -سوره ی حدید آیه ی ۲۳

۲- (۲) -نهج البلاغه ۲۵۸/۳

۳- (۳) -نهج البلاغه ۲۴۸/۳

۴- (۴) -نهج البلاغه ۲۰۳/۳

۵- (۵) -نهج البلاغه ۱۷۷/۳

۶- (۶) -نهج البلاغه ۱۵۷/۳

۷- (۷) -نهج البلاغه ۲۵۲/۲

۸- (۸) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۶۱

و روزی یابد و هر بی حرص و شتابی محروم بماند. (۱)

۳۰- اما بعد، (شگفت آور است که) انسان به چیزی که از دست نخواهد داد (رزق مقدر) شادمان می شود و بر چیزی که بدست نخواهد آورد (آنچه مقدر او نیست) اندوه می خورد! (۲)

۳۱- اما بعد، تو از مدت عمرت سبقت نمی گیری (و فراتر نمی توانی بروی) و آنچه برای تو نیست روزی تو نمی شود. (۳)

۳۲- اما بعد، انسان را یافتن آنچه از دست نخواهد داد شاد و نیافتن آنچه بدست نخواهد آورد غمین می سازد! پس شادی تو باید به آنچه از آخرت نائل شده یی و تأسفت بر آنچه از آن از دست داده یی باشد. و بسیار بر آنچه از دنیایت نایل شده یی شادی مکن و بر آنچه از آن از دست داده یی بی تابی منما، و باید اندیشه و اندوهت در آنچه پس از مرگ است باشد. (۴)

۳۳- آنکه نشسته عطا نیابد ایستاده نیز عطا نخواهد یافت... (۵)

۳۴- از دنیا آنچه به تو رسید بگیر و از آنچه از تو رو گرداند رو بگردان، و اگر چنین نمی کنی (و به دنبال دنیا می روی) در طلب آهسته و بی حرص و شتاب باش. (۶)

۳۵- با علمی یقینی بدانید که خدا برای بنده هر چند چاره سازیش عظیم و طلب و کوشش او سخت و کید و تدبیرش توانمند باشد بیش از آنچه در کتاب پر حکمت تعیین فرموده قرار نداده

ص: ۱۵۲

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۵۶

۲- (۲) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۳۹

۳- (۳) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۴۶

۴- (۴) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۳-۲۴

۵- (۵) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۴۹

۶- (۶) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۴۸

*** ۳۶- «عبد الله بن سلیمان» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عزیز و جلیل در روزی احمقان وسعت و گشایش داد تا خردمندان عبرت گیرند و دریابند که بدست آوردن مواهب دنیوی به عمل و چاره سازی نیست. (۲)

۳۷- امام صادق علیه السلام فرمود: باید کوشش تو برای معاش برتر از کسب کسی که ضایع و تباه می سازد و کمتر از کوشش آزمندی که به دنیایش خشنود و دل بسته است باشد، لکن خود را در این کار همچون منصف آبرومندی قرار بده و خود را از جایگاه فرد سست و ناتوان برتر بدار و آنچه مؤمن از آن ناچار است کسب کن. آنانکه مال به آنان عطا شود و سپاسگزاری نکنند مالی نخواهند داشت (نعمت آنان دوامی ندارد). (۳)

۳۸- امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که امیر مؤمنان علیه السلام بسیار می فرمود: با علمی یقینی بدانید که خدای عزیز و جلیل برای بنده هر چند کوشش او شدید و چاره سازیش عظیم و کید و تدبیرش بسیار باشد مقرر نکرده است که از آنچه در کتاب حکیم برایش معین شده فراتر رود، و بنده را در ناتوانی و کم چارگیش رها نکرده که نتواند به آنچه در کتاب حکیم برایش معین شده برسد. ای مردم

ص: ۱۵۳

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۱۹

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۰ به نقل از «کافی» و «تهذیب».

۳- (۳) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۰ به نقل از «کافی» و «تهذیب».

هرگز فردی به جهت زرنگی و کاردانی خود پیشیزی اضافه نمی یابد و هرگز فردی به جهت حماقت و نادانی پیشیزی از دست نمی دهد، پس دانای عمل کننده ی به این موضوع در منفعتش از همه ی مردم آسوده تر است و دانای بی عمل به این در زیان و سختیش از همه ی مردم گرفتارتر است، و بسا نعمت یافته یی که با احسان به او برای کیفر و عقوبتش زمینه سازی می شود و بسا کسی که در مردم فریب خورده و برایش کارسازی می گردد، پس ای کوشش کننده کوششت را نگهدار (یا: از خدا بپرهیز ای کوشش کننده در کوششت) و شتابت را کوتاه کن و از خواب غفلتت بیدار شو. (۱)

ممکن است بگوییم: این روایات در صدد بدگویی از ثروت و بی نیازی نیست بلکه برای بیان یک مطلب نفسانی است که حرص و تزلزل در امر معاش باشد، و هنگامیکه انسان بطور یقینی بدانند رزق تقسیم شده و مقدر است آسوده ترین مردم خواهد بود و به آنچه برایش تقدیر شده اطمینان قلب پیدا می کند و از تأخیر آنچه برایش مقدر شده افسرده و غمگین نمی شود.

۳۹- امیر مؤمنان علی علیه السلام در وصیت خود به فرزندش «محمد حنفیه» فرمود: پسرم، رزق بر دو گونه است؛ رزقی که تو او را می طلبی و رزقی که او ترا می طلبد و اگر تو به سوی آن نیروی آن به سوی تو می آید. پس اندیشه و اندوه سالت را بر روزت تحمیل مکن، و هر روزی آنچه در آنست ترا کافیت اگر سال از عمر تو باشد خدای متعال در هر فردای جدیدی آنچه برای تو

ص: ۱۵۴

قسمت کرده است به تو می رساند و اگر سال از عمر تو نباشد با اندیشه و اندوه آنچه برای تو نیست چکار داری. و بدان که طلب کننده یی به رزق تو از تو سبقت نمی گیرد و غلبه کننده یی در مورد آن بر تو غالب نمی شود و آنچه برای تو تقدیر شده هرگز از تو پنهان نمی ماند. چه بسیار دیده یی کوشایی را که خود را به زحمت و مشقت می افکند تنگ روزی و فقیر است، و میانه رویی در کوشش را که تقدیرات با او همراهی می نماید. (۱)

و در روایتی دیگر می فرماید: اندیشه و اندوه روزی را که نرسیده بر روزی که در آنی تحمیل مکن. (۲)

ولی عمل ائمه علیهم السلام و روش آنان با این مطلب معارضه دارد چرا که آنان خوراک و خرج یکسال را ذخیره می فرمودند.

جمع میان این دو و رفع تعارض به این طریق ممکن است که این روایات را حمل نمائیم بر هنگامیکه کسی نداشته باشد خرج سال را ذخیره نماید، ولی اگر داشته باشد احتیاط به جهت فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله پسندیده است که فرمود:

نفس انسان چون قوت و مایحتاج خود را بیابد استقرار و اطمینان پیدا می کند. (۳)

۴۰- «علی بن سری» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عزیز و جلیل روزی مؤمنان را از جائی که گمان

ص: ۱۵۵

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۰ به نقل از «فقیه».

۲- (۲) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۱۷

۳- (۳) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۲۰ به نقل از «کافی» و «فقیه».

نمی برند قرار داده و این بدان جهت است که بنده چون طریق روزی خود را نداند دعایش بسیار می شود. (۱)

۴۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: بر آنچه امید نداری از آنچه امید میبری امیدوارتر باش؛ «موسی بن عمران» بیرون آمد تا آتشی برای خانواده اش بیاورد و خدا با او سخن گفت و با پیامبری بازگشت، و ملکه ی سبا بیرون آمد و نزد سلیمان به اسلام و ایمان نائل شد، و ساحران فرعون بیرون آمدند و عزّت و غلبه ی فرعون را می جستند اما با ایمان بازگشتند. (۲)

ممکن است بگوییم: از این روایت استفاده می شود که لازم است بر خدا که مسبب الاسباب است اعتماد نمایند نه بر اسباب ظاهری، و بنابراین بیان، روایت دلالتی بر مرجوح و ناپسند بودن سعی و طلب ندارد.

۴۲- «سدیر» می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: در طلب رزق بر مرد چه کاری لازم است؟

فرمود: هنگامیکه در را بگشایی و بساطت را بگستری آنچه بر تو لازم است انجام داده یی. (۳)

۴۳- امام صادق علیه السلام فرمود: آنکه برای روزیش غمگین گردد بر او (در نامه ی عملش) یک خطا نوشته می شود. (۴)

ممکن است بگوییم: از این دو روایت ناپسند و مرجوح بودن

ص: ۱۵۶

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۲ به نقل از «کافی» و «فقیه» و «تهذیب».

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۳ به نقل از «کافی» و «فقیه».

۳- (۳) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۴ به نقل از «کافی» و «فقیه» و «تهذیب».

۴- (۴) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۵ به نقل از «مجالس ابن الشیخ».

سعی و طلب استفاده نمی شود بلکه از کلمه ی «علی الزّجل بر مرد لازم است» در روایت اوّل و جوب طلب رزق استفاده می شود.

۴۴- امام کاظم علیه السلام فرمود: برای دنیایت چنان عمل کن که گویا تا ابد زندگی خواهی کرد و برای آخرت چنان عمل کن که گویا فردا خواهی مرد. (۱)

بنابراینکه معنای روایت عجله و شتاب نکردن در امور دنیا باشد چنانکه این معنا یکی از دو معنایی است که در این روایت احتمال می رود.

۴۵- صنعتکاران اگر همه ی شب را (برای کار) بیدار باشند در آمدشان (برای آن کار) حرام است. (۲)

۴۶- امام صادق علیه السلام فرمود: آنکه تمام شب را برای کسب بیدار بماند و حق چشم را از خواب ندهد کسبش حرام است. (۳)

۴۷- «محمّد بن مسلم» از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل می کند که آن دو گرامی سفر دریا را برای تجارت ناپسند می دانستند. (۴)

۴۸- امام باقر علیه السلام فرمود: در سفر دریا به جهت تجارت، انسان دین خود را به خطر هلاکت افکنده است. (۵)

ص: ۱۵۷

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۴۹ به نقل از «فقیه»

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۱۱۸ به نقل از «کافی» و «تهذیب»

۳- (۳) - وسائل ج ۱۲ ص ۱۱۸ به نقل از «کافی» و «تهذیب»

۴- (۴) - وسائل ج ۱۲ ص ۱۷۷ به نقل از «کافی» و «تهذیب»

۵- (۵) - وسائل ج ۱۲ ص ۱۷۷ به نقل از «کافی» و «تهذیب».

۴۹- «معلی بن خنیس» می گوید از امام صادق علیه السلام در مورد کسی که مسافرت می کند و به کشتی سوار می شود پرسیدم.

فرمود: پدرم می گفت این کار به دین تو زیان می رساند، این مردمند (که می بینی) به ارزاق و معاششان (بدون سفر دریا ۹ می رسند). (۱)

۵۰- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: در طلب رزق میانه رو و بی حرص و شتاب نیست آنکه برای تجارت بر دریا سفر کند. (۲)

۵۱- امام صادق علیه السلام فرمود: سود گرفتن مؤمن از مؤمن رباست. (۳)

۵۲- امام صادق علیه السلام فرمود: سود گرفتن مؤمن از مؤمن رباست مگر آنکه بیش از صد درهم بخرد پس سود بگیر بر آن به مقدار معاش یکروزت، یا برای تجارت بخرد پس سود بگیر بر آن و با ایشان مدارا کنید. (۴)

۵۳- «علی بن سالم» در حدیثی از پدرش نقل می کند که گفت: از امام صادق علیه السلام در مورد روایتی که می گوید سود گرفتن مؤمن از مؤمن رباست سؤال کردم؟ فرمود: آن وقتی است که حق آشکار و قائم ما اهل بیت قیام کند، اما امروز باکی

ص: ۱۵۸

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۱۷۷ به نقل از «تهذیب».

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۱۷۸ به نقل از «کافی».

۳- (۳) - وسائل ج ۱۲ ص ۲۹۴ به نقل از «محاسن».

۴- (۴) - وسائل ج ۱۲ ص ۲۹۳ به نقل از «کافی» و «تهذیب» و «استبصار».

نیست که چیزی به برادر مؤمن بفروشی و سود بگیری. (۱)

این روایات چنانکه آشکار است تا حدودی بر سود گرفتن قید وارد می‌سازد. م ۵۴-رسول خدا صلی الله علیه و آله از کسب و عرضه ی متاع میان طلوع سپیده ی صبح تا طلوع آفتاب نهی فرمودند. (۲)

۵۵-«هاشم صیدنانی» می گوید از امام صادق علیه السلام در مورد کالا و متاع پرسیدم، فرمود:

آری نزد هیچکس متاع و کالایی نیست جز آنکه خداوند کسی را که به او سود دهد بر می انگیزد، پس اگر نپذیرد او را منصرف و به سوی غیر او می فرستد، زیرا (نپذیرفتن او) ردی بر خدای عزیز و جلیل است. (۳)

از این روایت استفاده می شود که نگهداشتن کالا- به طمع سود بیشتر سزاوار نیست و شایسته است کالا را به اولین کسی که خریدار آنست بفروشد.

۵۶-امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله بر مردی گذشت که کالایی با او بود و می خواست بفروشد، فرمود: بر تو باد که در اول بازار (هر مشتری آنرا خواست) بفروشی (و به طمع سود بیشتر مشتری را رد نکنی). (۴)

احتمالا این روایت در مضمون نظیر روایت قبلی است.

۵۷-«حسین بن یسار» از مردی روایت می کند که

ص: ۱۵۹

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۲۹۴ به نقل از «فقیه» و «تهذیب» و «استبصار».

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۲۹۵ به نقل از «کافی» و «فقیه» و «تهذیب».

۳- (۳) - وسائل ج ۱۲ ص ۲۹۶ به نقل از «کافی» و «تهذیب».

۴- (۴) - وسائل ج ۱۲ ص ۲۹۶ به نقل از «فقیه».

پیشوایان در مورد کلام خدای عزیز و جلیل که می فرماید: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ - مردانی که تجارت و خرید و فروش ایشان را از یاد خدا باز نمی دارد» (۱) فرموده اند:

آنان بازرگانان هستند که تجارت و خرید و فروش ایشان را از یاد خدا باز نمی دارد، هنگامیکه اوقات نماز برسد حق خدای عزیز و جلیل را در آن ادا می کنند. (۲)

۵۸- «ابو بصیر» می گوید امام باقر علیه السلام فرمود: در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مؤمنی سخت نیازمند و فقیر از اهل صفّه (۳) بود که در همه ی اوقات نماز با پیامبر صلی الله علیه و آله همراهی می کرد و هیچ کاری از نماز را از دست نمی داد و رسول خدا صلی الله علیه و آله بر او ترخّم می کرد و به نیازمندی و غریبی او توجه داشت و می فرمود: ای سعد! اگر چیزی بدست آورم ترا بی نیاز می سازم.

این کار بر رسول خدا صلی الله علیه و آله بدر از کشید و اندوه رسول خدا صلی الله علیه و آله برای سعد بسیار شد، خدای سبحان به اندوه رسول خدا برای سعد توجه فرمود و جبرئیل را فرو فرستاد و با او دو درهم بود. جبرئیل به پیامبر عرض کرد:

ای محمّد! خدا از غم تو برای سعد آگاه است آیا دوست داری او را بی نیاز سازی؟

فرمود: آری.

ص: ۱۶۰

۱- (۱) - سوره ی نور آیه ی ۳۷.

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۲۹۷ به نقل از «کافی»

۳- (۳) «صفّه» مکانی کنار مسجد پیامبر بود که بینوایان در آن میخوابیدند

عرض کرد: این دو درهم را بگیر و به او عطا کن و امر کن با آن تجارت کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله دو درهم را گرفت آنگاه برای نماز ظهر بیرون آمد و سعد بر در حجره های رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستاده و منتظر او بود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله چون او را دید فرمود: ای سعد! آیا تجارت بلدی؟

سعد عرض کرد: به خدا سوگند هرگز مال چیزی که با آن تجارت کنم نشده ام.

پیامبر دو درهم را به او داد و فرمود: با آن تجارت کن و رزق خدای را بدست آور.

سعد دو درهم را گرفت و همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت... سعد تجارت را شروع کرد و چیزی را به یک درهم نمی خرید جز آنکه بدو درهم می فروخت و بدو درهم نمی خرید جز آنکه به چهار درهم می فروخت و دنیا به او رو آورد، و مال و متاعش فراوان و تجارتش بزرگ شد و درب مسجد موضعی را انتخاب کرد که می نشست و تجارتش را جمع و رسیدگی می کرد، و رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی بلال اذان می گفت بیرون می آمد و سعد به دنیا مشغول بود، نه وضو گرفته بود و نه چون سابق که به دنیا اشتغال نداشت آماده شده بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: ای سعد دنیا ترا از نماز بازداشته است.

سعد می گفت: چه کنم؟ تجارت را بر خود تباه سازم؟ این

مردی است که چیزی به او فروخته ام و می‌خواهم قیمت را از او دریافت دارم و این مردی است که چیزی از او خریده ام و می‌خواهم قیمت را به او بپردازم.

رسول خدا را از وضع سعد اندوهی بیش از اندوه بر فقرش فرا گرفت، و جبرئیل بر او نازل شد و عرض کرد: ای محمد! خداوند از اندوه تو برای سعد آگاه است، کدامیک را بیشتر دوست داری، حالت اول او یا حالت فعلی او را؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای جبرئیل، حالت اول او را، دنیا آخرتش را از بین برده است.

جبرئیل عرض کرد: دوستی دنیا و اموال، فتنه و آزمایشی بازدارنده از آخرت است... (۱)

۵۹- امام صادق علیه السلام یکی از موالی خود را ه مصارف نام داشت فرا خواند و هزار دینار به او داد و فرمود: آماده شو (برای تجارت) به مصر بروی که عائله ی من بسیار شده اند.

مصارف کالائی تهیه کرد و با بازرگانان به سوی مصر رفت، هنگامیکه به مصر نزدیک شدند قافله یی که از مصر می آمد با آنان روبرو شد، از آنان در مورد موضع کالایی که با خود داشتند در مصر سؤال کردند و آن کالایی مورد نیاز همگان بود، به آنان گفتند این کالا در مصر نایاب است، و کاروان مصارف هم قسم شدند و پیمان بستند که کالایشان را جز با سود دیناری به یک دینار نفروشند.

هنگامیکه کالاها را فروختند و قیمت ها را دریافت داشتند

ص: ۱۶۲

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۲۹۷ به نقل از «کافی».

به مدینه بازگشتند و مصارف خدمت امام صادق علیه السلام رسید و بهمراه دو کیسه داشت که هریک حاوی هزار دینار بود و عرض کرد:

فدایتان شوم این یک اصل مال و این دیگری سود است.

فرمود: این سودی فراوان است، ولی با کالا چه کردید؟

برای امام تعریف کرد که چه کردند و چگونه پیمان بستند.

فرمود: سبحان الله! بر زیان گروهی از مسلمانان سوگند می خورید که جز با سود دیناری به یک دینار نفروشید؟!!

آنگاه یکی از دو کیسه را گرفت و فرمود: این اصل مال من و به این سود نیازی نداریم. سپس فرمود: ای مصارف، دستیازی بر شمشیرها آسان تر از کسب حلال است. (۱)

ظاهراً مرجوح و ناپسند بودن در این روایت به پیمان بستن و انحصاری بودن کالا متوجه است چنانکه در روایت فرض بر همین است، اما در غیر این صورت (سود صد درصد) اشکالی ندارد چنانکه مثلاً اگر در بازار دو خریدار با هم رقابت کنند؛ و داستان مشهور «عروه بارقی» و قضیه ی «سعد» در روایت سابق که در شماره ی ۵۸ ذکر شد و حاکی از آن بود که: «چیزی به دو درهم نمی خرید جز آنکه به چهار درهم می فروخت» همین بی اشکال بودن را تأیید می کند.

۶۰- «حلبی» می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی که خوراک را احتکار کند و در انتظار سود بیشتر باشد آیا درست است؟

ص: ۱۶۳

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۱۱ به نقل از «کافی» و «تهذیب».

فرمود: اگر خوراک (در بازار و جامعه) فراوان است که مردم را کفایت کند اشکالی ندارد و اگر خوراک کم باشد که مردم را کفایت ننماید مکروه است که خوراکی را احتکار و مردم را بدون طعام بگذارد. (۱)

۶۱- «حلبی» می گوید از امام صادق علیه السلام در مورد احتکار سؤال شد، فرمود: احتکار آنست که طعام و خوراکی که غیر آن در شهر نیست بخری و احتکار کنی، و اگر در شهر خوراک یا کالایی غیر آن باشد اشکالی ندارد که (بدینوسیله) برای کالای خود افزایش (قیمت) بخواهی. (۲)

۶۲- «سالم حنط» می گوید امام صادق علیه السلام به من فرمود: کار تو چیست؟

عرض کردم: گندم فروشی، و گاه اتفاق می افتد که رواج می بینم و گاهی به کساد برخورد می کنم و جنس را نگه می دارم.

فرمود: آنان که نزد تواند در مورد آن چه می گویند؟

عرض کردم: می گویند محتکر است.

فرمود: کسی غیر از تو (گندم) می فروشد؟

عرض کردم: آنچه من می فروشم یک قسمت از هزار قسمت است.

فرمود: (در این صورت) اشکالی ندارد، در این مورد مردی از

ص: ۱۶۴

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۱۳ به نقل از «کافی» و «تهذیب» و «استبصار».

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۱۵ به نقل از «کافی» و «فقیه» و «توحید» و «تهذیب» و «استبصار».

قریش به نام «حکیم بن حزام» بود که چون گندم (و نظایر آن) به مدینه می آمد همه را می خرید، و پیامبر صلی الله علیه و آله بر او گذشت و فرمود: ای حکیم بن حزام، مبادا احتکار کنی. (۱)

۶۳- امیر مؤمنان علی علیه السلام در فرمان خود به مالک اشتر می فرماید: بدان، در عین حال در بسیاری از تاجران سختگیری بی اندازه و بخل زشت و احتکار به جهت منافع و نرخ گذاری و میل خود در فروختن آنها وجود دارد، و این موجب زیان به عموم و عیب برای فرمانروایان است، پس از احتکار منع کن که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن منع فرمود. و باید دادوستد داد و ستدی آسان با ترازوهای بی کم و کاست و به نرخهایی که به هیچیک از دو گروه خریدار و فروشنده اجحافی نشود صورت گیرد، پس هر کس بعد از نهي تو به احتکار نزدیک شد او را کیفر بده و بدون زیاده روی عقوبت کن. (۲)

از روایات باب احتکار، محدود کردن سود و مقدم داشتن مصالح اجتماع بر منافع فرد استفاده می شود، و اینکه اگر خوراک و ما یحتاج و مواد حیاتی افراد اجتماع به دست یکفرد و در انحصار او باشد و او بطمع سود بسیار آنها نگهدارد و انبار کند، حاکم او را مجبور می سازد با نرخي که به فروشنده و خریدار اجحافی نباشد و بر هیچیک ستمی نرود آنها بفروشد، و این در صورتی است که خوراک تنهادر دست او باشد و در شهر خوراک و عرضه کننده ی

ص: ۱۶۵

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۱۶ به نقل از «کافی» و «فقیه» و «توحید» و «تهذیب» و «استبصار».

۲- (۲) - نهج البلاغه ج ۲ ص ۱۱۰

دیگر نباشد، ولی اگر در شهر کالایی در دست دیگری و عرضه کننده بی جز او وجود داشته و نگهداری و انبار کردن او زیانی برای مردم نداشته باشد اشکالی ندارد که کالا را برای دستیابی به سود نگهدارد، چنانکه در روایات بدان اشاره شده است، و در این فرض در حقیقت احتکاری تحقق نمی یابد.

۶۴- امام صادق علیه السلام فرمود: «تَلَّقَى» نکن، که رسول خدا صلی الله علیه و آله از تَلَّقَى نهی فرمودند. (۱)

«تَلَّقَى» یعنی آنکه تاجر از شهر بیرون بیاید و به استقبال صاحبان کالا برود و کالای آنان را پیش از آنکه به شهر وارد سازند بخرد و به شهر باز گردد و آن کالا را با سود فراوان بفروشد.

عَلَّتْ منع از «تَلَّقَى» یکی از دو موضوع ذیل یا هر دوی آنهاست: ۱- کم شدن واسطه و روبرو شدن صاحب کالا یا سازنده ی کالا با مصرف کننده تا به نرخ کمتری جنس به مصرف کننده برسد و نرخهای مایحتاج عامه پایین بیاید. ۲- صاحبان کالا که غالباً از قیمت کالای خود در آن شهر بی خبرند مغبون نشوند.

۶۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هیچیک از شما نباید تجارتی را بیرون از شهر «تَلَّقَى» کند، و نباید کسی از اهل شهر برای بادیه نشینی دادوستد کند، خدا برخی از مسلمانان را از برخی دیگر روزی می دهد. (۲)

ص: ۱۶۶

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۲۶ به نقل از «کافی» و «تهذیب».

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۲۷ به نقل از «کافی» و «تهذیب» و «فقیه».

۶۶- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: نباید کسی از اهل شهر برای بادیه نشینی دادوستد کند، مردم را واگذارید خدا بر خیشان را از برخی روزی می دهد. (۱)

دادوستد اهل شهر برای بادیه نشینان آنست که تاجر شهری امور روستائیان و بادیه نشینانی که میوه و لبتیات و چیزهای دیگری به شهر می آورند بدست گیرد و به وکالت از طرف آنان فروش کالای ایشان را عهده دار شود و در مقابل کارمزد و حق العلم از آنان بگیرد. و ممکن است علت منع همان حذف واسطه ها و پایین آمدن نرخها و جلوگیری از گرانی مایحتاج عمومی باشد بخصوص با توجه به اینکه آن گرامی به امری ارتکازی فرمان می دهد که: مردم را وا گذارید...

۶۷- «عمر بن یزید» می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، مردم معتقدند سود گرفتن از کسی که دچار ضرورت است و چاره یی ندارد حرام بوده و جزو ریاست.

فرمود: آیا کسی را دیده یی که جز به جهت ضرورت و نیاز از دارا یا نداری چیزی بخرد؟ ای عمر! محققا خداوند دادوستد را حلال و ربا را حرام فرموده است، پس سود بگیر و رباخواری نکن.

عرض کردم: ربا چیست؟

فرمود: درهمهایی در برابر درهمهایی که در مقابل یکی دو تا گرفته شود. (۲)

ص: ۱۶۷

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۲۷ به نقل از «کافی» و «مجالس ابن الشیخ».

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۲۹ به نقل از «فقیه» و «تهذیب» و «استبصار».

۶۸- امام صادق علیه السلام فرمود: بر مردم روزگار سختی فرا می رسد که هر کس آنچه در دست اوست به دندان می گیرد (فقط برای خود می خواهد و از انفاق به دیگران بخل می ورزد) و فضل و بزرگواری را فراموش می کند در حالیکه خداوند فرموده است «وَلَا تَسْأُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ - فضل و بزرگواری را میان خود فراموش نکنید». آنگاه در آن زمان گروههایی پدیدار می شوند که با بیچارگان معامله و دادوستد می کنند (با سوء استفاده از ناچاری آنان سودجویی می نمایند) آنان بدترین مردمند. (۱)

نهی از خرید و فروش با بیچارگان و سود گرفتن از آنان محمول بر کراهت است، توضیح آنکه سزاوار است افراد بیچاره مورد ترحم و مهربانی قرار گیرند نه سودجویی.

۶۹- امام صادق علیه السلام فرمود امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده اند: (در معامله) هنگامیکه نداکننده بی (در مورد قیمت و خرید) ندا داد برای تو جایز نیست که بیشتر از آن بگویی، ندا مقدار اضافی را حرام می سازد و سکوت آنرا حلال می کند. (۲)

۷۰- رسول خدا صلی الله علیه و آله از اینکه کسی در معامله ی برادر مسلمانش دخالت کند نهی فرمودند. (۳)

۷۱- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «لا تناجشوا»

ص: ۱۶۸

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۳۰ به نقل از «تهذیب» و «کافی» و «استبصار» و «عیون اخبار الرضا».

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۳۷ به نقل از «کافی» و «تهذیب» و «فقیه».

۳- (۳) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۳۸ به نقل از «فقیه».

و لا تدابروا- با یکدیگر خیانت نکنید و از هم نبزید و جدائی ننمائید» معنایش اینست که کسی بدون آنکه قصد خرید کالا را داشته باشد قیمت بیشتری پیشنهاد نماید تا دیگری بشنود و بیشتر بخرد. «ناجش» بمعنای خائن و «تدابر» بمعنای هجران و بریدن از یکدیگر است. (۱)

۷۲- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود مردی اعرابی از قبیله ی بنی عامر خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از آن گرامی در مورد بدترین جای زمین و بهترین جای زمین سؤال کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمودند: بدترین جای زمین بازارهاست، و آن میدان ابلیس است که در آن هر بامداد پرچم می افرازد و تخت خود را می نهد و فرزندان خود را می پراکند، پس (به فریب و اغوای آنان، کسانی از اهل بازار که تقوی ندارند) یا در پیمانها و وزن کم فروشی می کنند یا در اندازه و ذرع دزدی می نمایند یا در مورد کالا دروغ می گویند، و (شیطان به فرزندان خود) می گوید: بر شما باد (که اغو کنید و همراه سازید) مردی را که پدرش مرده است (یعنی انسانها را که پدرشان حضرت آدم از دنیا رفته) و پدر شما (یعنی خود ابلیس) زنده است، پس همواره به این کارها مشغولست و اولین کسی است که به بازار می آید و آخرین کسی است که از آن بیرون می رود... (۲)

۷۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل پرسید:

ص: ۱۶۹

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۳۸ به نقل از «معانی الاخبار».

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۴۴ به نقل از «فقیه» و «معانی الاخبار».

منفورترین جای زمین نزد خدای متعال کجاست؟

گفت: بازارها، و منفورترین اهل بازار کسی است که پیش از همه به بازار وارد می شود و بعد از همه از آن بیرون می آید. (۱)

از این روایت استفاده می شود که حرص در تجارت و قبل از همه وارد شدن به بازار و بعد از همه بیرون آمدن برای سودجویی مذموم و ناپسند است.

ص: ۱۷۰

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۳۴۵ به نقل از «مجالس ابن الشیخ».

۸- فقر پسندیده و مرغوب است و همچنین پارسایی و داشتن به در کفاف

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: هر چه ایمان بنده افزوده شود تنگدستیش در معاش بیشتر می گردد (۱).

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: در کلام خدا با موسی است که: ای موسی چون فقر را دیدی رو آورده است بگو: مرچبا به نمودار صالحان. و چون ثروت و بی نیازی را دیدی رو آورده است بگو: گناهی است که کیفرش زود فرا رسیده است. (۲).

۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: دو چیز است که آدمی دوست ندارد؛ مرگ را دوست ندارد در حالیکه مرگ موجب آسودگی مؤمن از فتنه و آزمایش است. و کمبود مال را دوست ندارد در حالیکه کمی مال موجب کمتر شدن و آسانی محاسبه در آخرت است. (۳).

ص: ۱۷۱

۱- (۱) - بحار ج ۷۲ ص ۹ به نقل از «کافی» و ج ۷۲ ص ۴۹ به نقل از «تمحیص».

۲- (۲) - بحار ج ۷۲ ص ۱۵ به نقل از «کافی».

۳- (۳) - بحار ج ۷۲ ص ۳۹ به نقل از «خصال».

۴- «عقروقی» می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: از «ابو ذر» که خدا رحمتش کند نقل شده که می گفت:

سه چیز است که مردم دشمن می دارند و من آنها را دوست دارم؛ مرگ را و فقر را و بلا را دوست دارم!

فرمود: این گفتار چنان نیست که شما گمان کرده اید، منظور ابو ذر آنست که مرگ در اطاعت خدا نزد من محبوبتر از زندگی در نافرمانی خداست، و فقر در اطاعت خدا نزد من محبوبتر از بی نیازی در نافرمانی خداست، و بلا در اطاعت خدا نزد من محبوبتر از سلامتی در نافرمانی خداست. (۱)

۵- امام باقر علیه السلام فرمود: هیچیک از شما به حقیقت ایمان نمی رسد تا آنگاه که سه خصلت در او باشد. مرگ نزد او محبوبتر از زندگی و فقر محبوبتر از ثروت و بی نیازی و بیماری محبوبتر از سلامتی باشد!

عرض کردیم: چه کسی چنین است؟

فرمود: همه ی شما. آنگاه فرمود: کدام نزد هریک از شما محبوبتر است؛ اینکه در محبت ما بمیرد یا با دشمنی ما زندگی کند؟

عرض کردم: به خدا سوگند مردن با محبت شما نزد ما محبوبتر است.

فرمود: فقر و غنی و بیماری و سلامتی نیز همینطور است. م عرض کردم: آری به خدا سوگند. (۲)

ص: ۱۷۲

۱- (۱) - بحار ج ۷۲ ص ۳۹ به نقل از «معانی الاخبار»

۲- (۲) - بحار ج ۷۲ ص ۴۰ به نقل از «معانی الاخبار»

۶- امام کاظم علیه السلام فرمود: سه خصلت ویژه ی پیامبران و فرزندان پیامبران و پیروان پیامبران است: بیماری در بدن، و ترس سلطان (در حکومت ستمگران در خطر هستند)، و فقر. (۱)

۷- از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد فقر چیست؟ فرمودند: گنجینه یی از گنجینه های الهی، بار دیگر سؤال شد ای رسول خدا فقر چیست؟ فرمودند: کرامتی از جانب خدا.

بار سوم سؤال شد فقر چیست؟ فرمودند: چیزی است که خدا جز به پیامبر مرسلی یا مؤمنی که نزد خدای متعال گرامی است عطا نمی کند. (۲)

۸- «عبد الله بن سنان» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: بنده در پیشگاه خدا آنگاه از هر وقت دیگری گرامی تر است که یک درهم بخواهد و به آن دسترسی نداشته باشد.

عبد الله بن سنان می گوید امام صادق علیه السلام این سخن را فرمود در حالیکه صد هزار (درهم یا دینار) داشتم و امروز یک درهم ندارم. (۳)

۹- امام باقر علیه السلام فرمود: ما مال را دوست داریم و اگر به ما داده نشود برایمان بهتر است، همانا امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمود: من رئیس و قائد مؤمنان و امیر مؤمنانم، و مال زیاد یا بیشتر اموال دشمن مؤمنان و رئیس و قائد منافقان

ص: ۱۷۳

۱- (۱) - بحار ج ۷۲ ص ۴۶ به نقل از «روضه الواعظین».

۲- (۲) - بحار ج ۷۲ ص ۴۷ به نقل از «جامع الاخبار».

۳- (۳) - بحار ج ۷۲ ص ۴۹ به نقل از «التمحیص».

است. (۱)

۱۰- امام صادق علیه السلام فرمود: فقر نزد خدا ذخیره شده و مخزون است که جز مؤمنی را که دوست دارد به آن مبتلا نمی فرماید. (۲)

مراد از فقر در این روایات فقر غیر اختیاری است که آزمایش و امتحانی برای بنده و موجبی برای تکمیل درجات ایمان می باشد، هرچند وظیفه ی او طلب معاش و کوشش برای بدست آوردن آنست.

*** ۱۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند خدای عزیز و جلیل فرموده است: از نیکو حالتترین دوستانم نزد من مردی است سبکبار و بهره مند از نماز، عبادت پروردگارش را که پنهان از اوست به نیکی انجام می دهد و در میان مردم گمنام است. روزیش به قدر کفاف مقرر شده و او بر آن صبر می کند، مرگش زود فرا می رسد (عمرش طولانی نیست) و میراثش اندک است و گریه کنندگان بر او کمند. (۳)

۱۲- رسول خدا صلی اله علیه و آله دعا کردند: خدایا به محمد و خاندان محمد و کسی که محمد و خاندان محمد را دوست می دارد پارسائی و روزی به قدر کفاف عنایت فرما، و به

ص: ۱۷۴

-
- ۱- (۱) - بحار ج ۷۲ ص ۵۱ به نقل از «التمحیص».
 - ۲- (۲) - بحار ج ۷۲ ص ۵۲ به نقل از «التمحیص».
 - ۳- (۳) - بحار ج ۷۲ ص ۵۷ به نقل از «کافی» و قریب به همین مضمون است در بحار ج ۷۲ ص ۶۲ به نقل از «کافی» و ص ۹۵ به نقل از «قرب الاسناد» و ص ۶۶ به نقل از «فقه الرضا».

کسی که با محمد و خاندان محمد دشمن است مال و فرزند بده. (۱)

۱۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آنچه کم و کافی است نیکوتر از بسیار غفلت آور است، بار خدایا به محمد و خاندان محمد روزی به قدر کفاف عنایت فرما. (۲)

۱۴- رسول خدا صلی الله علیه و آله دعا کردند: خدایا به آنکه مرا دوست می دارد روزی به قدر کفاف، و پارسائی عنایت فرما، و آنکه با من دشمنی دارد مال و فرزندش را بسیار کن. (۳)

۱۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آنکه از خدا به رزق اندکی رضایت دهد خدا از او به عمل اندکی راضی می شود. (۴)

۱۶- «نضر بن قابوس» می گوید: از امام صادق علیه السلام معنای حدیث «آنکه از خدا به روزی اندکی رضایت دهد خدا از او به عمل اندکی راضی می شود» را پرسیدم، فرمود: (آنست که) در برخی امور خدا را اطاعت می کند و در برخی نافرمانی. (۵) (و به جهت آنکه به رزق اندک رضایت داده خدا نافرمانیهای او را ندیده می گیرد).

می توان گفت: از این روایت استفاده می شود که فقیر از خطرها آسوده تر است و در قیامت حساب اعمالش به آسانی

ص: ۱۷۵

- ۱- (۱) - بحار ج ۷۲ ص ۵۹ به نقل از «کافی».
- ۲- (۲) - بحار ج ۷۲ ص ۶۱ به نقل از «کافی».
- ۳- (۳) - بحار ج ۷۲ ص ۶۴ به نقل از «امالی طوسی».
- ۴- (۴) - بحار ج ۷۲ ص ۶۴ به نقل از «امالی طوسی».
- ۵- (۵) - بحار ج ۷۲ ص ۶۵ به نقل از «معانی الاخبار».

محاسبه می شود، و این به جهت نداشتن استطاعت مالی در مورد بسیاری تکالیف مالی است، بنابراین او در این گونه تکالیف از حساب آسوده است، به خلاف ثروتمند که ادای تکلیف به قدر دسترسی و استطاعتش بر عهده ی اوست، و از عهده ی تکلیف برآمدن هم دشوار است، بنابراین بیشتر در معرض خطر و هلاک بوده و مسئولیتش نیز سختتر خواهد بود، نه آنکه ثروت و بی نیازی ذاتا مذموم و ناپسند باشد.

۱۷- «عطیه» می گوید امام باقر علیه السلام فرمود: ما دنیا (و مواهب مادی آنرا) دوست داریم و به ما داده نشده و این برای ما بهتر است، و به هیچ بنده از آن داده نشده مگر آنکه از بهره اش در آخرت کم گذاشته شده است، و شیعه ی ما نیست آنکه صد هزار (درهم یا دینار) داشته باشد و نیز آنکه پنجاه هزار یا چهل هزار داشته باشد، و اگر می خواستم سی هزار بگویم و می گفتم؛ و هرگز مردی ده هزارش را از حلال جمع نکرده است. (۱)

۱۸- امام صادق علیه السلام فرمود: خدا به بنده یی سی هزار (دینار یا درهم) عطا نکرده که خیر او را بخواهد. و فرمود: هرگز مردی ده هزار (درهم و دینار) از حلال جمع نکرده است، و قطعا خداوند دنیا و آخرت را برای گروههایی جمع کرده است گاهی که به نزدیکان عطا کنند و از عمل صالح برخوردار باشند، و قطعا خدا برای گروهی دنیا و آخرت را جمع کرده (و هر دو را به آنان عطا فرموده است). (۲)

ص: ۱۷۶

۱- (۱) - بحار ج ۷۲ ص ۶۶ به نقل از «سرائر».

۲- (۲) - بحار ج ۷۲ ص ۶۶ به نقل از «تمحیص».

۱۹- امام صادق علیه السلام فرمود: مال چهار هزار (درهم یا دینار) است، و دوازده هزار گنج است (کنز کردن است) (۱) و بیست هزار از حلال جمع نشده است، و دارنده ی سی هزار در هلاکت است، و آنکه صد هزار داشته باشد جزو شیعیان ما نیست. (۲)

این سه روایت با ضعف سندشان هیچ حکم کلی الهی را بوجود نمی آورند، بلکه چنانکه آشکار است به زمان خاص و مکان خاصی اختصاص دارند.

ص: ۱۷۷

-
- ۱- (۱) - اشاره یی است به آیه ی «الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» سوره ی توبه آیه ی ۳۴
- ۲- (۲) - بحار ج ۷۲ ص ۶۷ به نقل از «تمحیص».

۹- حرص و آز در خواهش دنیا و گردآوری مال ناپسند است

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: دوستی دنیا، سر هر خطایی است. (۱)

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: شیطان در هر چیزی برای (گمراه کردن) فرزند آدم حيله سازی می کند و آنگاه که (آدمی با اطاعت نکردن از شیطان) او را خسته و درمانده سازد شیطان در امور مالی به کمین او می نشیند و (سرانجام) گردنش را به بند می آورد. (۲)

۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: دینار و درهم آنانرا که پیش از شما بودند هلاک کردند و این دو هلاک کننده ی شما نیز هستند. (۳)

۴- مثل حریص بر دنیا مثل کرم ابریشم است که هرچه

ص: ۱۷۸

۱- (۱) - بحار ج ۷۳ ص ۷ به نقل از «کافی».

۲- (۲) - بحار ج ۷۳ ص ۲۲ به نقل از «کافی».

۳- (۳) - بحار ج ۷۳ ص ۲۳ به نقل از «کافی».

در پيله) ابريشم بيشترى بر خويش بتند و بيچد، بيرون آمدنش دشوارتر مى شود تا از اندوه بميرد. (۱)

۵- امام صادق عليه السلام فرمود: برترين بى نيازىها براى كسى است كه اسير حرص نباشد. (۲)

۶- «حماد بن بشير» مى گويد امام صادق عليه السلام فرمود:

دو گرگ درنده در گله يى بى چوپان كه يكي از اين سوو ديگرى از سوو ديگر حمله كند، از مال دوستى و اسراف براى دين مؤمن زيان بخشتر نيستند. (۳)

۷- امام صادق عليه السلام فرمود: پيامبر صلى الله عليه و آله اندوهگين بيرون آمد، فرشته يى خدمتش رسيد و كليدهاى گنجينه هاى زمين را بهمهراه داشت و عرض كرد: اى محمد اين كليدهاى گنجينه هاى دنياست، پروردگارت به تو مى گويد، (گنجينه ها را) بگشا و آنچه مى خواهى بردار بدون آنكه چيزى را نزد من از دست داده باشى.

رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمودند: دنيا سراى كسى است كه سرايى ندارد و براى آن، كسى كه عقل ندارد جمع آورى مى كند. (۴)

۸- رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمودند: مرا با دنيا چكار! مثل من و دنيا، مثل سوارى است كه در روز گرمى درختى نزديك او باشد و زير آن بايستد و شامگاه برود و آن را ترك

ص: ۱۷۹

۱- (۱) - بحار ج ۷۳ ص ۲۳ به نقل از «كافى»

۲- (۲) - بحار ج ۷۳ ص ۲۳ به نقل از «كافى»

۳- (۳) - بحار ج ۷۳ ص ۲۴ به نقل از «كافى»

۴- (۴) - بحار ج ۷۳ ص ۵۴ به نقل از «كافى»

۹- «ابن ابی یعفور» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

در کلام خدای عزیز و جلیل با موسی علیه السلام است که: به سوی دنیا میل مکن مانند میل ستمگران و میل کسی که دنیا را پدر و مادر خویش قرار داده است. ای موسی اگر ترا به خودت وا می گذاشتم که نگهبان و ناظر بر نفس خود باشی دوستی دنیا و شکوفائی و شادابی آن بر تو چیره می شد... و از دنیا آنچه را که به آن نیاز نداری وا گذار... و بدان که هر فتنه یی آغازش از دنیا دوستی است و بر هیچکس به جهت فراوانی مالش حسرت مبر، چرا که با فراوانی مال به جهت حقوق واجبی که بر عهده می آید گناهان فراوان می شود... (۲)

۱۰- امام صادق علیه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام است که: دنیا همچون مار است، در لمس کردن بسیار نرم و در درونش زهری کشنده وجود دارد. مرد خردمند از آن می پرهیزد و کودک نادان به آن مایل است. (۳)

۱۱- امام صادق علیه السلام فرمود: دنیا همچون آب دریاست، هرچه تشنه از آن بنوشد تشنه تر می شود تا او را می کشد. (۴)

۱۲- «محمد بن قیس» می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله چون از سفر می آمدند ابتدا نزد فاطمه علیها السلام می رفتند و

۱- (۱) - بحار ج ۷۳ ص ۶۷ به نقل از «کافی»

۲- (۲) - بحار ج ۷۳ ص ۷۳ به نقل از «کافی»

۳- (۳) - بحار ج ۷۳ ص ۷۵ به نقل از «کافی»

۴- (۴) - بحار ج ۷۳ ص ۷۹ به نقل از «کافی»

مدتی طولانی نزد او می ماندند، یکبار به سفری رفتند و فاطمه علیها السلام دو خلخال از نقره و یک گردن بند دو گوشواره پرده‌ی برای درب منزل، برای هنگام بازگشت پدر و شوهرش تهیه کردند. هنگامیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله بازگشتند به خانه‌ی او وارد شدند و همراهانش بیرون در توقف کردند و به جهت طولانی شدن توقف پیامبر (صلی الله علیه و آله) نزد فاطمه (س) نمی دانستند بمانند یا بروند، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون آمدند و خشم در چهره اش آشکار بود تا (آمدند) نزدیک منبر نشستند، فاطمه علیها السلام احتمال داد که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دیدن دو خلخال و گردن بند و دو گوشواره و پرده خشمگین شده باشند بنابراین گردن بند و دو گوشواره و دو خلخالش را در آورد و پرده را کند و همه را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد و پیام داد: دخترت بر شما سلام می کند و می گوید: اینها را در راه خدا انفاق کنید، چون پیام او به پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسید سه مرتبه فرمودند: (وظیفه‌ی خود را) انجام داد پدرش فدای او باد. و فرمودند: دنیا از محمد و خاندان محمد نیست و اگر دنیا نزد خدا به قدر بال پشه‌ی خیر داشت در جهان به کافری یک جرعه آب نمی نوشانید، آنگاه برخاست و به خانه‌ی فاطمه رفت. (۱)

۱۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند جلیل به دنیا وحی کرد کسی را که خدمتگزار تو شود به رنج و مشقت بیفکن و به کسی که ترا ترک کند و واگذار خدمت کن. (۲)

ص: ۱۸۱

۱- (۱) - بحار ج ۷۳ ص ۸۹ به نقل از «امالی صدوق»

۲- (۲) - بحار ج ۷۳ ص ۸۷ به نقل از «امالی صدوق»

۱۴- «حفص» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: ای حفص دنیا را برای خودم جز به منزله ی مردار قرار ندادم که چون مضطر و ناچار از آن باشم از آن بخورم. (۱)

۱۵- «ابن رباط» نقل می کند: مردی از احتیاج و نیازمندی نزد امیر مؤمنان علیه السلام شکایت کرد، فرمود: بدان هرچه از دنیا بیش از معاش روزانه بدست آوری، در مورد آن نگهبان و انباردار برای غیر خودت می باشی. (۲)

۱۶- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل به من خبر داد بوی بهشت از هزار سال مسافت به مشام می رسد، و به مشام کسی که عاق پدر و مادر باشد و کسی که قطع رحم کند و از خویشاوند ببرد... و به مشام «جعظری» نمی رسد. عرض کردم: «جعظری» چیست؟ فرمودند: کسی است که از دنیا سیر نمی شود. (۳)

۱۷- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: کسی که دنیا را بپرستد و آنرا بر آخرت برگزیند عاقبتی وخیم و ناگوار دارد، و فرمود: من رئیس مؤمنانم و مال رئیس ستمگران است. (۴)

۱۸- امام صادق علیه السلام فرمود: زندانی کسی است که دنیایش او را از آخرتش باز داشته باشد. (۵)

۱۹- امام صادق علیه السلام فرمود: آخرین پیامبر یکه به

ص: ۱۸۲

۱- (۱) - بحار ج ۷۳ ص ۹۰ به نقل از «تفسیر قمی»

۲- (۲) - بحار ج ۷۳ ص ۹۰ به نقل از «خصال»

۳- (۳) - بحار ج ۷۳ ص ۱۰۳ به نقل از «معانی الاخبار»

۴- (۴) - بحار ج ۷۳ ص ۱۰۴ به نقل از «معانی الاخبار»

۵- (۵) - بحار ج ۷۳ ص ۱۰۵ به نقل از «محاسن»

بهشت وارد می شود سلیمان فرزند داود علیه السلام است، و این به جهت آنچه (از مواهب دنیوی و ثروت و سلطنت که) در دنیا به او عطا شده می باشد. (۱)

۲۰- امام زین العابدین علیه السلام روزی به یارانش فرمود:

برادران من! شما را به سرای آخرت سفارش می کنم و به سرای دنیا سفارش نمی کنم، همانا شما به این حرص دارید و چنگ زده اید، آیا آنچه عیسی بن مریم به حواریون گفت به شما نرسیده است! به آنان گفت: دنیا پلی است، از آن عبور کنید و آن را آباد نسازید. و گفت: کدامیک از شما بر موج دریا خانه بنا می کند، چنین است سرای دنیای شما، پس آنرا محل استقرار خود قرار ندهید. (۲)

۲۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: دنیا در آخرت جز همانند آنکه یکی از شما انگشتانش را در دریا فرو برد نیست، پس باید بنگرد با چه چیز باز می گردد. (۳)

۲۲- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: در دنیا بیش از مقدار کفاف نخواهید و از آن بیشتر از آنچه به شما می رسد مجوئید. (۴)

۲۳- عیسی مسیح علیه السلام به حواریون فرمود: دنیا جز پلی نیست، از آن عبور کنید و آنرا آباد نسازید. (۵)

۲۴- امیر مؤمنان علی علیه السلام (درباره ی دنیا) فرمود:

ص: ۱۸۳

۱- (۱) - بحار ج ۷۳ ص ۱۰۷ به نقل از «سرائر»

۲- (۲) - بحار ج ۷۳ ص ۱۰۷ به نقل از «مجالس مفید»

۳- (۳) - بحار ج ۷۳ ص ۱۱۹ به نقل از «روضه الواعظین»

۴- (۴) - بحار ج ۷۳ ص ۱۱۹ به نقل از «روضه الواعظین»

۵- (۵) - بحار ج ۷۳ ص ۱۱۹ به نقل از «روضه الواعظین»

چگونه توصیف کنم سرایی را که اول آن رنج و مشقت است و پایان آن فنا و نابودی است، برای حلال آن حساب و برای حرام آن کیفر و عذاب است. (۱)

۲۵- امام صادق علیه السلام فرمود: عیسی بن مریم به یارانش می گفت خدای متعال به موسی فرموده است: ای موسی! دنیا سرای رنج و عقوبت است و آنرا ملعون و بدور از رحمت خویش قرار دادم، آنچه در آنست ملعون است جز آنچه برای من باشد. (۲)

۲۶- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دنیا سرای کسی است که سرایی ندارد، و مال کسی که مالی ندارد، و برای آن جمع می کند کسی که عقل ندارد. (۳)

۲۷- امام صادق علیه السلام فرمود: مثل دنیا مثل دریای شوری است که هرچه تشنه از آن بنوشد تشنه تر می شود تا او را می کشد. (۴)

۲۸- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: دنیا سرای آرزوها و برای آن فنا و نابودی است... و بیش از مقدار کفاف نخواهید و از آن بیش از آنچه به شما می رسد مطلبید. (۵)

۲۹- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آنکه دنیایش

ص: ۱۸۴

۱- (۱) - بحار ج ۷۳ ص ۱۲۰ به نقل از «روضه الواعظین»

۲- (۲) - بحار ج ۷۳ ص ۱۲۱ به نقل از «روضه الواعظین»

۳- (۳) - بحار ج ۷۳ ص ۱۲۲ به نقل از «روضه الواعظین»

۴- (۴) - بحار ج ۷۳ ص ۱۲۶ به نقل از کتاب حسین بن سعید اهوازی.

۵- (۵) - بحار ج ۷۳ ص ۱۳۵ به نقل از «نهج البلاغه»

را دوست بدارد به آخرتش زیان زده است. (۱)

۳۰-امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: دنیا نوبت به نوبت است، پس بهره ات را از آن به نیکوترین طلیدن بطلب. (۲)

۳۱-امام صادق علیه السلام فرمود: اگر حساب (در قیامت) حق است پس گرد آوردن و جمع کردن برای چه؟! (۳)

۳۲-امام صادق علیه السلام فرمود: در بنی اسرائیل قحطی و گرسنگی روی داد تا آنجا که مردگان را از قبر بیرون کشیده و خوردند، یکبار قبری را شکافتند و در آن لوحی یافتند که بر آن نوشته بود: من فلان پیامبرم، قبرم را فردی حبشی می شکافت، آنچه (اعمال) از پیش فرستادیم (پس از مرگ) یافتیم، و آنچه (در دنیا) خوردیم و مصرف کردیم سود کردیم، و آنچه پس از خود بر جای گذاشتیم زیان کردیم. (۴)

۳۳-امام باقر علیه السلام درباره ی گفتار خدای متعال که می فرماید: «الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ - آنانکه طلا و نقره را کتم می کنند و گنجینه می سازند و آنرا در راه خدا انفاق نمی نمایند پس به عذابی دردناک بشارتشان بده» فرمود: خدا گنج کردن طلا و نقره را حرام کرده و به انفاق آن در راه خدا فرمان داده است، و گفتار خدای متعال است: «يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ

ص: ۱۸۵

۱- (۱) - بحار ج ۷۳ ص ۱۳۵ به نقل از «کنز الفوائد»

۲- (۲) - بحار ج ۷۳ ص ۱۳۵ به نقل از «کنز الفوائد»

۳- (۳) - بحار ج ۷۳ ص ۱۳۷ به نقل از «امالی صدوق»

۴- (۴) - بحار ج ۷۳ ص ۱۳۷ به نقل از «امالی صدوق»

فَذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ- روزی که در آتش جهنم آنرا (طلا و نقره را) گداخته سازند و با آن روها و پهلوها و پشتهاشان را داغ کنند، این است آنچه برای خویش گنج کردید پس ببخشید آنچه را گنج می کردید». (۱)

امام فرمود: ابو ذر غفاری هنگامی که در شام بود هر بامداد با بلندترین صدایش فریاد می کرد: به صاحبان گنجها بشارت بده به داغ کردن روها و داغ کردن پهلوها و داغ کردن پشتها که همواره در دوزخ ادامه دارد تا حرارت و آتش به درونشان می رسد. (۲)

۳۴- «ابن بزیع» می گوید امام رضا علیه السلام فرمود: مال جز با پنج خصلت جمع نمی شود: با بخلی شدید، و آرزویی دراز، و حرص و آزی که چیره شده باشد، و قطع رحم و رسیدگی نکردن به خویشاوند، و برگزیدن دنیا بر آخرت. (۳)

۳۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: کدامیک از شما مال و ارثش را بیشتر از مال خود دوست دارد؟

عرض کردند: ای رسول خدا هیچیک از ما آنرا دوست ندارد.

فرمودند: همه ی شما آنرا دوست دارید. آنگاه فرمودند: فرزند آدم می گوید مال من، مال من، و آیا از اموال جز آنچه خوردی و نابود کردی، یا پوشیدی و کهنه و مندرس ساختی، یا صدقه دادی و (برای آخرت) باقی گذاشتی، چیزی برای تو است؟ و جز اینها هرچه باشد مال و ارث توست. (۴)

ص: ۱۸۶

۱- (۱) -سوره ی توبه آیه ی ۳۴ و ۳۵

۲- (۲) -بحار ج ۷۳ ص ۱۳۸ به نقل از «تفسیر قمی».

۳- (۳) -بحار ج ۷۳ ص ۱۳۸ به نقل از «خصال».

۴- (۴) -بحار ج ۷۳ ص ۱۳۸ به نقل از «امالی طوسی».

۳۶- برخی خدمت امام کاظم علیه السلام عرض کردند:

شنیده ایم مردی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مرد و دو دینار از خود بجای گذاشته بود، و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مال فراوانی از خود بجای گذاشته است.

امام فرمود: او مردی بود که نزد اهل صفه (۱) می آمد و از آنان تقاضا و گدائی می کرد، و مرد و دو دینار از خود بجای گذاشت. (۲)

۳۷- امام صادق علیه السلام فرمود: خدای متعال به موسی علیه السلام وحی کرد: به فراوانی مال شادمانی مشو و ذکر مرا در هر حال ترک نکن که فراوانی مال موجب فراموشی گناهان می شود و ترک ذکر من موجب قساوت دلها می گردد. (۳)

۳۸- امام صادق علیه السلام درباره ی گفتار خدای متعال که می فرماید: «كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسْرَاتٍ عَلَيْهِمْ» - این چنین خدا اعمالشان را حسرتهایی بر آنان می نمایاند» (۴) فرمود: آنست که شخص مال را می گذارد و از روی بخل آنرا در راه فرمانبرداری از خدا انفاق نمی کند، آنگاه می میرد و آنرا برای کسی که با آن در فرمانبرداری یا نافرمانی خدا عمل می کند باز می گذارد، پس اگر با آن مال در فرمانبرداری خدا عمل شود آنرا در ترازوی اعمال دیگری می بیند و حسرتش افزوده می شود که قبلا مال برای او بود، و اگر با آن در نافرمانی خدا عمل شود، او با

ص: ۱۸۷

۱- (*) «صفه» مکانی بود کنار مسجد پیامبر که مستمندان از مسلمانان در آن زندگی می کردند.

۲- (۱) - بحار ج ۷۳ ص ۱۴۱ به نقل از «معانی الاخبار»

۳- (۲) - بحار ج ۷۳ ص ۱۴۲ به نقل از «قصص الانبياء»

۴- (۳) - سوره ی بقره آیه ی ۱۶۷

آن مال او را تقویت کرده که در نافرمانی خدا عمل کند. (۱)

۳۹- از امیر مؤمنان علیه السلام سؤال شد که حسرت و تأسف چه کسی از همه ی مردم بزرگتر است؟

فرمود: کسی که مال خود را در ترازوی اعمال دیگری ببیند و خدا او را به جهت آن مال به آتش افکند و وارثش را به جهت آن مال به بهشت وارد سازد. (۲)

۴۰- یکی از امامان علیهم السلام در معنای گفتار خدای متعال که می فرماید: «كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسِيرَاتٍ عَلَيْهِمْ» (۳) فرمود: مرد مالی کسب می کند و از اینکه (با آن) کار خیری بکند محروم می ماند آنگاه می میرد و دیگری از او ارث می برد و (با آن) عمل صالحی انجام می دهد، پس آن مرد چیزی را که کسب کرده بود در ترازوی اعمال دیگری می بیند. (۴)

۴۱- امام باقر علیه السلام درباره ی گفتار خدای متعال «الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ...» (۵) فرمود: منظور از آن افزون بر دو هزار درهم است. (۶)

۴۲- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: ای فرزند آدم! تو در آنچه بیش از معاش روزانه ات کسب کرده یی نگهبان و انباردار دیگری هستی. (۷)

ص: ۱۸۸

۱- (۱) - بحار ج ۷۳ ص ۱۴۲ به نقل از «تفسیر عیاشی»

۲- (۲) - بحار ج ۷۳ ص ۱۴۲ به نقل از «تفسیر عسکری»

۳- (۳) - سوره ی بقره آیه ی ۱۶۷

۴- (۴) - بحار ج ۷۳ ص ۱۴۳ به نقل از «مجالس مفید»

۵- (۵) - سوره ی توبه آیه ی ۳۴

۶- (۶) - بحار ج ۷۳ ص ۱۴۳ به نقل از «تفسیر عیاشی»

۷- (۷) - بحار ج ۷۳ ص ۱۴۴ به نقل از «نهج البلاغه»

۴۳- امام صادق علیه السلام فرمود: اگر رزق تقسیم شده است پس حرص و آز برای چه؟ (۱)

۴۴- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: اگر بنده اجل خود و شتاب آنرا به سوی خویش ببیند آرزو را دشمن می دارد و دنیا طلبی را ترک می کند. (۲)

۴۵- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: کسی که فردا را از عمر خود بشمارد برای مرگ منزلتی و اهمیتی قائل نشده است. (۳)

۴۶- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: اگر بنده اجل خود و شتاب آنرا به سوی خویش ببیند آرزو و دنیا طلبی را دشمن می دارد. (۴)

۴۷- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: طمع و آزمندی مردم را محتاج و مستمند ساخته است. (۵)

۴۸- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که نزد مالداری بطمع مالش فروتنی کند دو سوم دینش از بین می رود. (۶)

۴۹- امام صادق علیه السلام می فرماید که امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: فرزند آدم! اگر از دنیا آنچه ترا کفایت کند می خواهی کمترین چیزی که در آنست ترا کفایت می کند، و اگر آنچه ترا کفایت نکند می خواهی همه ی آنچه در آنست ترا

ص: ۱۸۹

۱- (۱) - بحار ج ۷۳ ص ۱۶۰ به نقل از «امالی صدوق»

۲- (۲) - بحار ج ۷۳ ص ۱۶۴ به نقل از «عیون اخبار الرضا»

۳- (۳) - بحار ج ۷۳ ص ۱۶۶ به نقل از کتاب «حسین بن سعید».

۴- (۴) - بحار ج ۷۳ ص ۱۶۶ به نقل از کتاب «حسین بن سعید»

۵- (۵) - بحار ج ۷۳ ص ۱۶۸ به نقل از «امالی صدوق»

۶- (۶) - بحار ج ۷۳ ص ۱۶۹ به نقل از «تفسیر قمی»

کفایت نمی کند. (۱)

۵۰- امام باقر یا امام صادق علیهما السلام فرمود: کسی که به آنچه خدا روزیش فرموده قناعت کند از بی نیازترین مردم است.

(۲)

۵۱- امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که مالی را از حرام و ستمگری و سختگیری بر مردم گردآورده باشد خدا آن مال را در مهلکه ها و مصرف باطل می افکند. (۳)

۵۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که در بدن بیماری نداشته و از امنیت برخوردار و معاش روز و شبش را داشته باشد، چنانست که دنیا را دارد. ای «ابن جعشم» ترا آنقدر که گرسنه نمانی و عورت خویش پوشانی کافی است، و اگر خانه یی باشد که از گرما و سرما پناهت دهد اشکالی ندارد، و اگر مرکبی باشد که سوار شوی پس خوش بحال تو، و اگر نبود (لازم است به) نان و آب دریا (اکتفا کنی)، و آنچه جز این باشد حساب آن یا عذاب آن بر تو است. (۴)

۵۳- «عیسی بن موسی» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: ای عیسی! اموال متعلق به خدای عزیز و جلیل است که

ص: ۱۹۰

۱- (۱) - بحار ج ۷۳ ص ۱۷۶ به نقل از «کافی»

۲- (۲) - بحار ج ۷۳ ص ۱۷۸ به نقل از «کافی»

۳- (۳) - بحار ج ۱۰۳ ص ۸ به نقل از «محاسن» این حدیث در اعلام الوری مرحوم طبرسی در باب معجزات امام صادق علیه السلام نقل شده است که آن گرامی در بیان معنای حدیث به فارسی فرمود «از باد آید به دم شود» یعنی باد آورده را بادش برد.

۴- (۴) - بحار ج ۱۰۳ ص ۱۳ به نقل از «عدّه الداعی».

آنها نزد آفریدگان خود بصورت امانتهایی قرار داده و به آنان امر کرده با میانه روی از آن بخورند و با میانه روی از آن بیاشامند و با میانه روی از آن بیوشند و با میانه روی از آن ازدواج کنند و با میانه روی از آن برای سواری مرکب تهیه نمایند، و اضافه بر اینها را به مستمندان از مؤمنان بدهند، پس کسی که از آن تجاوز نماید، آنچه بخورد حرام است و آنچه بنوشد حرام است و آنچه بیوشد حرام است و آنچه زناشویی کند حرام است و آنچه سوار شود حرام است. (۱)

به ظاهر این روایت عمل نشده است و شاید بر استحباب و کراهت حمل شود.

۵۴- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اَمّت من در دنیا بر سه طبقه اند:

اما طبقه ی اوّل: گردآوری مال و اندوختن آنها دوست ندارند، و در کسب مال و نگهداری آن کوششی نمی کنند، و از دنیا به آن مقدار که رفع گرسنگی کند و عورت را بپوشاند خشنود و راضیند و در دنیا آنچه آنان را به آخرت برساند بی نیازشان ساخته است، و آنان ایمن ها هستند که ترسی بر ایشان نیست و اندوهگین نمی شوند.

و امّا طبقه ی دوّم؛ گردآوری مال را از پاکیزه ترین راهها و بهترین روشها دوست دارند، با آن اموال به خویشاوندان خود رسیدگی می کنند و به برادران خود احسان و نیکی می نمایند و با مستمندان خود مواسات می ورزند، و اگر به شدّت گزیده شوند بر

ص: ۱۹۱

۱- (۱) - بحار ج ۱۰۳ ص ۱۶ به نقل از «اعلام الدین».

آنان آسانتر است از آنکه درهمی غیر حلال کسب کنند یا یک درهم حقی را ضایع سازند و یا یک درهم را تا هنگام مرگ نگهدارند و گنجینه سازند؛ این افراد اگر (در قیامت) نسبت به ایشان مناقشه و سختگیری شود عذاب خواهند شد و اگر از ایشان گذشت شود نجات می یابند و در امان می مانند.

و اما طبقه سوّم؛ آنان گردآوری مال را از حلال و حرام و نپرداختن آنرا در اموری که واجب است دوست دارند، اگر آنرا انفاق کنند با زیاده روی و برای پیشی جوئی انفاق می کنند و اگر آنرا نگهدارند از روی بخل و احتکار نگه می دارند. (۱)

۵۵- «ابن عمر» همین روایت را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند و ذیل آن چنین است:

... و اگر آنرا نگهدارند از روی بخل و احتکار نگه می دارند، آنان کسانی هستند که دنیا زمام دلهاشان را بدست گرفته تا به جهت گناهانشان آنان را به دوزخ وارد می سازد. (۲)

۵۶- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: خوشا بحال آنکه نزد خود خوار و افتاده است، پس کسبش پاکیزه باشد... و زیاده مالش را انفاق نماید. (۳)

۵۷- و نیز فرمود: از مال به قدر ضرورت نگهدار و زیاده را برای روز حاجت پیش بفرست (انفاق کن). (۴)

۵۸- و نیز فرمود: سخی و بخشنده باش و تذرکننده نباش،

ص: ۱۹۲

۱- (۱) - بحار ج ۱۰۳ ص ۱۶-۱۷ به نقل از «اعلام الدین».

۲- (۲) - بحار ج ۱۰۳ ص ۲۳-۲۴ به نقل از «عده الداعی»

۳- (۳) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۷۹

۴- (۴) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۳

و اندازه گیر باش و سختگیر نباش. (۱)

۵۹- و نیز فرمود: همانا بزرگترین حسرتها روز قیامت حسرت و تأسف مردی است که مالی را از راه نافرمانی خدا کسب کرد، و مردی از او ارث برد و آنرا در طاعت و فرمانبرداری از خدا انفاق نمود، پس این بوسیله ی آن مال به بهشت وارد شود و اولی بواسطه ی آن به دوزخ افتد (۲)

۶۰- و نیز فرمود: ای مردم! از خدا بپرهیزید، چه بسا آرزومند چیزی که به آن نمی رسد و چه بسا بناکننده ی عمارتی که در آن سکونت نخواهد کرد و چه بسا گردآورنده یی که آنرا ترک کرده بر جای می گذارد، و شاید از راه باطل گردآورد و از پرداخت حقوق واجب آن خودداری ورزید، و از راه حرام به آن رسید و به جهت آن گناہانی بر خود بار کرد، پس به وزرو و بال آن دچار شد و با تأسف و حسرت بر پروردگار خود وارد شد؛ «خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكُمْ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (۳) قطعاً در دنیا و آخرت زیان کرده و آن زیان آشکاری است. (۴)

ص: ۱۹۳

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۵۹

۲- (۲) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۵۵

۳- (۳) - سوره ی حج آیه ی ۱۱

۴- (۴) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۳۵ (باید توجه داشت که بسیاری از روایاتی که ذیل این عنوان ذکر شد از روایات دسته ی سوم نیز محبوب می شود، یعنی جزو روایاتی است که شاهد بر جمع میان روایات دسته ی اوئ ل و دوم و رافع تعارض آنها می باشد).

۱۰- دنیا در برابر آخرت و کمالات معنوی ارزشی ندارد

۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: دنیایش که برای او آراسته و زیباست، جانشین و عوض آخرت که بد نگریستن آنرا نزد او زشت جلوه گر ساخته نیست، و فریفته یی که با نهایت کوشش و همتش بر دنیا دست یافته همانند و برابر کسی که به کمترین بهره و قسمتش از آخرت نائل شده نمی باشد. (۱)

۲- از آبادکننده ی سرای فانی و رهاکننده ی سرای جاودانی تعجب می کنم. (۲)

۳- مردم چیزی از امور دینشان را برای اصلاح دنیاشان و نمی گذارند جز آنکه خداوند بر آنان زیاتمندتر از آن را می گشاید. (۳)

۴- خیر آن نیست که مال و فرزندت زیاد شود، خیر آنست که عملت بسیار گردد. (۴)

ص: ۱۹۵

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۴۱

۲- (۲) - نهج البلاغه ج ۲ ص ۱۸۰

۳- (۳) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۷۵

۴- (۴) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۷۱

۵- علم بهتر از مال است... دارندگان گنجینه های مال هلاک شدند در حالیکه زنده اند و علماء تا دنیا باقی است جاوید و پایدارند. (۱)

ص: ۱۹۶

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۸۷

روش پیامبران علیهم السلام زهد در دنیا است «فِيهِدَاهُمْ اَقْتِدَةَ» (۱) پس از هدایت ایشان پیروی کن» «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (۲) و برای شما در روش رسول خدا الگو و سرمشق نیکویی است» ۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: آگاه باشید که امام شما از دنیایش بدو جامه ی کهنه و از خوراکش بدو قرص نان اکتفا کرده است، و شما بر این کار توانا نیستید ولی مرا با پرهیزکاری و کوشش و پاکدامنی و درستی یاری نمائید؛ به خدا سوگند من از دنیای شما طلایی نیندوخته ام، و از غنائم آن چیز فراوانی ذخیره نساخته ام، و برای لباس کهنه ام جامه ی دیگری مهیا ننموده ام و از زمین آن وجبی تصرف نکرده ام... آری از آنچه آسمان بر آن سایه انداخته است «فدک» در دست ما بود، پس بر آن نفوس گروهی بخل آورد و نفوس گروهی دیگر از آن گذشت کرد، و خدا خوب حکم کننده یی است. و من با فدک و غیر فدک چه می کنم و چکار دارم. (۳)

ص: ۱۹۷

۱- (۱) -سوره ی انعام آیه ی ۹۰

۲- (۲) -سوره احزاب آیه ی ۲۱

۳- (۳) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۷۸

۲- خداوند بر پیشوایان بر حق واجب ساخته که خود را در حدّ ناتوانان از مردم قرار دهند تا بر فقیر فقرش سخت نیاید و او را پریشان و نگران نسازد. (۱)

۳- قطعاً در روش رسول خدا صلی الله علیه و آله سرمشق و الگویی کافی برای توست، و ترا دلیلی است بر اینکوهش دنیا و عیب و نقص آن و بسیاری رسوائیها و زشتی های آن، چرا که جوانب دنیا از آن گرامی گرفته و برای غیر او آماده شد، و از نوشیدن شیر آن منع گردید و از زیتهای آن دور نگهداشته شد.

و اگر می خواهی از فرد دوّمی پیروی کنی به موسی کلیم الله اقتدا کن؛ هنگامی که گفت: «خدایا به آنچه از خیر و نیکوئی نازل فرمائی محتاج و نیازمندم» و سوگند به خدا جز نانی که بخورد از خدا نمی خواست، زیرا گیاه زمین را می خورد، و از لاغری سبزی گیاه از پس پوست شکمش دیده می شد.

و اگر می خواهی به شخص سوّمی اقتدا کنی از داود علیه السلام صاحب مزامیر زبور و خواننده ی اهل بهشت پیروی کن؛ او به دست خود زنبیلهایی از لیف خرما می بافت و به هم نشینانش می گفت کدامیک از شما آنرا برایم می فروشید؟ و نان جوی از قیمت آن تهیه می کرد و می خورد.

و اگر می خواهی از عیسی بن مریم علیه السلام بگو؛ سنگ را بالش خویش قرار می داد و لباس زبر و خشن می پوشید و طعام درشت و خشن می خورد و خورشش گرسنگی و چراغش بهنگام شب ماه بود... و میوه و سبزیش گیاهانی که زمین برای

ص: ۱۹۸

چارپایان می رویانند. و نه زنی داشت که او را به فتنه بیفکند و نه فرزندی که اندوهگینش سازد و نه مالی که او را بیچاند و بگرداند و نه طعمی که او را خوار سازد؛ مرکب سواریش دو پایش و خدمتکارش دو دستش بود.

پس به پیامبر خودت صلی الله علیه و آله که پاکیزه تر و پسندیده تر است اقتدا کن، همانا او سرمش و الگویی است برای کسی که پیروی کند، و مایه ی شکیبائی است برای کسی که بخواهد شکیبائی ورزد، و محبوبترین بندگان نزد خدا کسی است که به پیامبر خود اقتدا کند و از پی او برود..

و قطعاً در روش رسول خدا صلی الله علیه و آله آنچه ترا بر زشتیها و عیبهای دنیا راهنمایی کند وجود دارد، چرا که آن گرامی با نزدیکان خود در دنیا گرسنگی کشید و با عظمت مقام قرب او به خدا، زینتهای دنیا از او دور نگهداشته شد، پس بیننده باید با عقلش بنگرد آیا خدا بدینوسیله محمد (صلی الله علیه و آله) را اکرام فرموده یا او را خوار ساخته است؟ اگر بگوید او را خوار ساخته قطعاً دورغ گفته و تهمتی بزرگ زده است، و اگر بگوید او را اکرام فرموده، پس باید بداند که خداوند غیر او را خوار ساخته است که دنیا را به او ارزانی داشته و از مقربترین مردمان نزد خود، دنیا را دور نموده است، بنابراین پیروی کننده از پیامبرش پیروی کند... از دنیا بیرون رفت در حالیکه... سنگی بر سنگی نهاده بود، تا آنگاه که راه خویش را به پایان برد، و دعوت پروردگارش را اجابت نمود پس منت و نعمت خدا بر ما بسیار عظیم است که او را پیشرو ما قرار داد تا از او پیروی نمائیم...

به خدا سوگند، بر این جامه ی پشمین خود آنقدر وصله دوختم تا از دوزنده ی آن شرمنده شدم، و گوینده یی به من گفت: آیا آنرا دور نمی اندازی؟! گفتم: از من دور شو که به هنگام بامداد شیروان تحسین و ستایش می شوند. (۱)

ص: ۲۰۰

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۲ ص ۷۳-۷۶

دسته ی سوّم از آیات و روایات را ذیل این عناوین ذکر می کنیم:

- ۱- دنیا دوستی نه خود دنیا ناپسند و مذموم است.
- ۲- شادمانی به دنیا ناپسند و مذموم است.
- ۳- دنیایی که غفلت آور و سرگرم کننده ی انسان باشد ناپسند و مذموم است.
- ۴- مقدم داشتن دنیا بر آخرت نکوهش شده است.
- ۵- گردآوری مال و بخل ورزیدن در مورد آن ناپسند و مذموم است.
- ۶- فروختن آخرت به دنیا سرزنش شده، و خریدن آخرت به دنیا ستایش شده است.
- ۷- اسراف (زیاده روی) و تبذیر (بیهوده خرج کردن اموال) و اتراف (عیش و نوش و خوشگذرانی) ناپسند و مذموم است.
- ۸- خودداری از انفال مال در آنچه خدا فرمان داده مذموم و ناپسند است.
- ۹- اطمینان و دل بستگی به دنیا مذموم است.
- ۱۰- دنیا هنگامی که کمک برای امور آخرت باشد پسندیده و ممدوح است.

۱-دنیادوستی نه خود دنیاناپسند و مذموم است

۱-خدای متعال می فرماید: «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ ذَلِكُمْ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَ اللّٰهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ- برای مردم آراسته شد دوستی خواسته ها از قبیل زنان و فرزندان و طلا و نقره ی بسیار...اینها کالای زندگی دنیاست و سرانجام نیک نزد خداست» (۱)

ظاهرا فاعل این «تزئین و آرایش» خدای متعال نیست، بلکه شیطان و یا نفس اماره ی آدمی است، زیرا آراستن و زینت کردن بر دو گونه است:

یکی زینت دادن و آراستنی است برای آنکه به دنیا روی آرند و آنرا برای رسیدن به آخرت وسیله سازند و رضایت و خشنودی خدا را با مال و مقام و فرزندان بجویند؛ این روشی الهی و نیکوست. و نیز زینت دادن و آراستن فطری که عبارت از تمایل غریزی انسان به این مواهب دنیوی است، و این تزئین و

ص: ۲۰۳

آراستن نیز از خدای متعال است، چرا که خواهش طبیعی در مورد این امور تنها محرک انسان برای تشکیل اجتماع و اقدام در مورد مصالح مجتمع انسانی است.

دیگری، تزئین و آراستنی است برای جلب و جذب قلوب و خیره کردن و پای بند ساختن دلها به خود زینت، و سرگرم و غافل نمودن آنها از ذکر و یاد خدا. و این تصرفی شیطانی و مذموم است که خدای متعال در چندی جای قرآن آنرا کار شیطان معرفی فرموده است.

منظور از «حَبِّ الشَّهَوَاتِ» غرق شدن در خواسته هاست و این کار شیطان است، نه اصل خواهش و کششی که در فطرت و غریزه و طبیعت آدمی نهاده شده و منسوب به خدای متعال می باشد.

و آیه برای رفع این توهم باطل است که گمان نکنند با اموال و اولاد از خدا بی نیاز می شوند؛ چنانکه جلوتر از آن می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا - آنانکه کافر شدند اموال و اولادشان بهیچ وجه آنان را از خدا بی نیاز نمی سازد» (۱)؛ بنابراین آیه می گوید علّت این توهم آنست که در دوستی این خواسته ها و شهوات فرو رفته و از مهمّیات اخروی کاملاً بریده و به این خواسته ها رو کرده اند، و مطلب کاملاً بر آنان مشتبه شده است، زیرا اینها همه بهره و کالای زندگی دنیاست و جز مقدمه یی برای رسیدن به سرانجام نیک و حسن عاقبت که نزد خداست نمی باشد، و اینها در اختیارشان گذاشته شده تا وسیله ی سرای آخرت سازند و کالای دنیوی را

ص: ۲۰۴

برای بهره مندی در آخرت بکار برند نه آنکه به دنیا و زینت و آرایش آن با دیده ی استقلال بنگرند و وسیله را هدف و نتیجه قرار دهند.

و این گونه آراستن و زینت دادن که دنیا به چشم آدمی مستقل و بصورت نتیجه و هدف درآید، به خدای متعال نسبت داده نمی شود، بلکه منسوب به شیطان است: «زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» - شیطان اعمالشان را برای آنان آراسته و زیبا جلوه می دهد»

پس مقام، مقام، نکوهش این شهوات است که مردم دوست دارند و آنان را از آنچه نزد خداست منصرف و سرگرم می سازد و به اعراض و دوری از آخرت بر می انگیزد؛ به قرینه ی ذیل آیه که می فرماید:

«ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاَبِ قُلْ أَلْبَسْتُكُمْ بَخَيْرٍ مِنْ ذَلِكُمْ» - اینها بهره و کالای زندگانی دنیاست و سرانجام نیکو نزد خداست، بگو آیا شما را به نیکوتر از اینها خبر دهم؟»

پس این خواستن، خواستنی است که به حدّ عشق و فرو رفتن در شهوات رسیده، و با تزئین و جلوه دادن شیطان موجب آن شده که دنیا را بر آخرت ترجیح دهد.

و بنابراین آیه شاهدهی بر جمع میان آیات و روایات نکوهش و ستایش دنیاست، ولی هنگامی که تزئین دهنده خدای متعال باشد چنانکه در برخی تفاسیر ذکر شده از آیه در این مقام نمی توانیم استفاده کنیم.

۲- «فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى

تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ - پس (سلیمان علیه السلام) گفت: من به جهت دوست داشتن اسبان از ذکر پروردگارم باز ماندم تا- آفتاب فرو رفت و پوشیده شد» (۱)

بنا بر آنچه برخی از تفاسیر ذکر کرده اند.

۱- «كَلاَّ بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَ تَذَرُونَ الْآخِرَةَ - نه چنین است، بلکه دنیا را دوست دارید و آخرت را وا می گذارید.» (۲)

۴- «إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَ يَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا - اینان دنیا را دوست دارند و روزی سخت و سنگین را پشت سر خود رها کرده اند» (۳)

۵- «وَ تُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا - مال را به شدت دوست دارید» (۴)

از این آیات استفاده می شود که آنچه مذموم و ناپسند است خود دنیا نیست. بلکه نکوهش مربوط به امری نفسانی است که همان دوستی مفرط دنیا و ترجیح دادن آن بر آخرت است.

*** و اما روایات:

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: سر هر گناه و خطا دوستی دنیاست. (۵)

۲- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: دلها تان را از دنیا

ص: ۲۰۶

۱- (۱) -سوره ی ص آیه ی ۳۲

۲- (۲) -سوره ی قیامت آیه ی ۲۰

۳- (۳) -سوره ی انسان آیه ی ۲۷

۴- (۴) -سوره ی فجر آیه ی ۲۰

۵- (۵) -بحار ج ۷۳ ص ۷ به نقل از «کافی».

بیرون برید پیش از آنکه بدنهایتان را از دنیا بیرون برند. (۱)

۳- و نیز فرمود: دلها تن را از دنیا منصرف سازید و هیچیک از شما نباید به جهت چیزی از دنیا که از او دور شده (از دست داده یا به آن دسترسی ندارد) مانند کنیزان ناله سر دهد. (۲)

۴- و نیز فرمود: آنکه دلش شیفته ی دنیا گردد، دلش به سه چیز از آن مبتلا می شود: اندوهی که از او جدا نمی شود، و حرصی که او را رها نمی کند، و آرزویی که به آن نمی رسد. (۳)

ص: ۲۰۷

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۲ ص ۲۰۹

۲- (۲) - نهج البلاغه ج ۲ ص ۱۰۶

۳- (۳) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۰۳

۲- شادمانی به دنیا ناپسند و مذموم است

۱- خدای متعال می فرماید: «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ» پس هنگامیکه آنچه به ایشان تذکر داده شد فراموش نمودند درهای همه چیز را برویشان گشودیم تا آنگاه که به آنچه داده شدند شادمانی کردند، ناگهان فرو گرفتیمشان، و در این هنگام ایشان نومیدند» (۱)

۲- «وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ» و هنگامیکه به مردم رحمتی بچشانیم بدان شادمان می شوند و اگر به جهت آنچه قبلا انجام داده اند رنجی به ایشان برسد نومید و مأیوس می شوند» (۲)

۳- «وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ» و به زندگی دنیا شادمان شدند و زندگی دنیا در آخرت

ص: ۲۰۸

۱- (۱) -سوره ی انعام آیه ی ۴۴

۲- (۲) -سوره ی روم آیه ی ۳۶

جز کالایی (ناچیز) نیست» (۱)

۴- «وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ» و هنگامیکه ما به انسان رحمتی بچشانیم بدان شادمان می شود و اگر به جهت آنچه قبلاً انجام داده اند رنجی به ایشان برسد انسان ناسپاس است» (۲)

بنا بر آنکه آیه بیانگر آن باشد که شادمانی به دنیا مذموم و ناپسند است، نه بیانگر آنکه انسان ناسپاس است.

ص: ۲۰۹

۱- (۱) -سوره ی رعد آیه ی ۲۶

۲- (۲) -سوره ی شوری آیه ی ۴۸

۳-دنیایی که غفلت آور و سرگرم کننده ی انسان باشد مذموم و ناپسند است

۱-خدای متعال می فرماید: «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ- مردانی که تجارت و دادوستدی ایشان را از یاد خدا غافل نمی سازد» (۱)

۲- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ- ای مؤمنان، اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نسازد، و کسانی که چنین کنند زیانکارند» (۲)

۳- «أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ- افزون طلبی شما را به غفلت افکند تا آنجا که بیدار گورها رفتید» (۳)

و امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: ذکر خدا اهلی دارد

ص: ۲۱۰

۱- (۱) -سوره ی نور آیه ی ۳۷

۲- (۲) -سوره ی منافقون آیه ی ۹

۳- (۳) -سوره ی تکوین آیه ی ۱

که آن را به جای دنیا اختیار کرده اند و تجارت و دادوستدی ایشان را از آن مشغول نمی سازد... (۱)

ص: ۲۱۱

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۲ ص ۲۳۸

۴-مقدم داشتن دنیا بر آخرت نکوهش شده است

۱-خدای متعال می فرماید: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» - بگو اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و عشیره ی شما و اموالی که فراهم آورده اید و تجارتي که از کسادی آن بیم دار ید و خانه هایی که خوش آیندتان است نزد شما از خدا و رسول او و جهاد در راه او محبوبتر است پس منتظر باشید تا خدا امر خویش را بیاورد، و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند» (۱)

و از این استفاده می شود چیزی که مانع از هجرت به مدینه و جهاد و اطاعت از خدا و پیامبر می شد دوستداری و محبتی بود که نسبت به غیر خدا داشتند، و در این آیه اصول آنچه خواهش

ص: ۲۱۲

نفسانی به آنها تعلق می گیرد یاد شده و بیانگر آنست که مقدم داشتن دوستداری این امور بر دوستداری خدا و رسولش و جهاد در راه او، موجب کیفر و عذاب است، پس محبت اینها تا وقتی که مقدم بر محبت خدا و رسولش قرار نگیرد مشروع و جایز است، و محبت مؤمنان نسبت به خدا بیشتر و شدیدتر است.

۲- «وَيُلْ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ- وای بر کافران از عذابی سخت، آنان که دنیا را بر آخرت ترجیح داده و برگزیده اند» (۱)

۳- «وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكَفْرِ صِدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ- و لیکن کسی که سینه بر کفر گشوده (کفر را قلبا پذیرفته) باشد، پس بر آنان غضبی از خداست و برای آنان عذابی بزرگ است، چرا که آنان زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح داه و برگزیده اند، و خدا کافران را هدایت نمی کند» (۲)

راغب می گوید: «حقیقت استحباب آنست که انسان پای بند دوستداری چیزی شود و دل بسته ی آن گردد، و متعدی شدن آن با «علی» معنی ایثار و مقدم داشتن را می رساند» (۳)

و معنای «استحباب زندگی دنیا بر آخرت» دنیا را برگزیدن و آخرت را کاملاً وا گذاشتن است، و مقابل آن «برگزیدن آخرت

ص: ۲۱۳

۱- (۱) -سوره ی ابراهیم آیه ی ۳

۲- (۲) -سوره ی نحل آیه ی ۱۰۷

۳- (۳) -مفردات راغب ص ۱۰۵

بر دنیا است، به این معنا که آخرت را نهایت و هدف کوشش خود سازد و دنیا را مقدمه‌ی برای آن و وسیله‌ی وصول به آن قرار دهد. بنابراین کسی که آخرت را برگزیند و اثبات کند ناچار باید دنیا را به جهت آنکه مقدمه‌ی آخرت باشد اثبات کند، و کسی که دنیا را برگزیند و هدف قرار دهد ناچار باید آخرت را تماماً نفی کند. پس مفهوم آیه چنین می‌شود: آنان با تعلقی تمام به زندگی دنیا دلبسته و با نفی آخرت از آن دوری و اعراض کرده‌اند.

پس فرق میان «حَبَّ» و «استحباب» در شدت و ضعف است، زیرا «زیاده المبانی تدلّ علی زیاده المعانی» افزونی مبانی کلمه بر افزونی معانی آن دلالت دارد، بنابراین آنچه مذموم است برگزیدن دوستی دنیا بر دوستی آخرت و مقدم داشتن دنیا بر آخرت است در جائیکه این دو با هم تزامم و برخورد داشته باشند؛ و بدین ترتیب جمع بندی درست میان دو دسته آیات و روایات قدح و مدح دنیا به دست می‌آید؛ یعنی دنیا هنگامیکه مقدمه‌ی برای تحصیل آخرت و در طریق آخرت باشد در حقیقت آخرت محسوب می‌شود (چنانکه در برخی روایات هم این تعبیر نقل شده است) ولی هنگامی که مستقلاً مورد دوستی و محبت قرار گیرد بگونه‌ی که بر آخرت تقدّم یابد منفور و مذموم بوده و موجب فسق و کفر بلکه عین کفر و انکار آخرت و معاد است.

۴- «فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ - پس (سلیمان علیه السلام) گفت: من به جهت دوست داشتن اسبان از ذکر پروردگارم باز ماندم تا آفتاب -

۵- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ- ای مؤمنان شما را چه شده است که وقتی به شما گفته شد در راه خدا بسیج و کوچ کنید سنگین بر زمین مانند، آیا به زندگی دنیا به جای آخرت خشنود شده اید» (۲)

۶- «فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ وَ آثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ- و اما کسی که طغیان ورزد و زندگی دنیا را برگزیند، دوزخ جایگاه اوست» (۳)

۷- «يَلْ تُوَثَّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ خَيْرٌ وَ أَبْقَىٰ- بلکه زندگی دنیا را ترجیح داده برگزیده اند و حال آنکه آخرت بهتر و پایدارتر است» (۴)

*** و اما روایات:

۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: بدانید آنچه از دنیا کم شود و بر آخرت افزوده گردد بهتر است از آنچه از آخرت کم و بر دنیا اضافه شود، پس چه بسا کم یافته یی که سود کرده و افزون یافته یی که زیانکار است. (۵)

۲- پس دنیا بر شما از آخرت مسلطتر شده و آنچه زود بدست می آید و گذرنده است (دنیا) برایتان جاذب تر از آنست (آخرت) که دیرتر فرا می رسد. (۶)

ص: ۲۱۵

۱- (۱) -سوره ی ص آیه ی ۳۲

۲- (۲) -سوره ی توبه آیه ی ۳۸

۳- (۳) -سوره ی نازعات آیه ی ۲۷

۴- (۴) -سوره ی اعلی آیه ی ۱۶

۵- (۵) -نهج البلاغه ج ۱ ص ۲۲۴

۶- (۶) -نهج البلاغه ج ۱ ص ۲۲۱

۳- اگر به کشت دنیا فرا خوانده شود انجام می دهد و اگر به کشت آخرت فرا خوانده شود کسالت و تنبلی می ورزد، چنانکه گویا آنچه (برای دنیا) انجام می دهد بر او واجب و آنچه در انجام آن سستی می کند (امور آخرت) از او ساقط است. (۱)

۴- نفرین بر شما، از نکوهش بر شما خسته و ملول شدم، آیا به زندگی دنیا به جای آخرت رضایت داده اید و ذلت را به جای عزت پذیرفته اید؟ (۲)

۵- و بسیار بد تجارتی است که دنیا را بهای خود و عوض آنچه نزد خدا برای توست بینداری... (۳)

۶- کسی که دنیا در چشمش عظمت داشته باشد و موقعیت آن در دلش بزرگ جلوه کند، دنیا را بر خدا مقدم می دارد و یکسره به آن روی می آورد و بنده ی آن می شود، و قطعاً روش رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آنکه پیروی کنی کافی است، و ترا دلیلی است بر نکوهش دنیا و عیب آن و بسیاری رسواییها و زشتیهای آن. (۴)

۷- امام صادق علیه السلام فرمود: از ما نیست کسی که دنیايش را به جهت آخرتش و آخرتش را به جهت دنيايش ترک کند. (۵)

۸- مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به خدا سوگند ما خواستار دنياييم و دوست داريم که به ما داده شود.

ص: ۲۱۶

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۱ ص ۱۹۷

۲- (۲) - نهج البلاغه ج ۱ ص ۷۸

۳- (۳) - نهج البلاغه ج ۱ ص ۷۳

۴- (۴) - نهج البلاغه ج ۲ ص ۷۲

۵- (۵) - وسائل ج ۱۲ ص ۴۹ به نقل از «فقيه».

فرمود: دوست داری با آن چه کنی؟

عرض کرد: با آن بر خود و خانواده ام نیکی و عطا کنم، وصله ی رحم و رسیدگی به خویشاوند نمایم، و صدقه بدهم، و حج و عمره بروم.

فرمود: این خواستاری دنیا نیست، خواستاری آخرت است. (۱)

۹- «هشام بن سالم» می گوید امام صادق علیه السلام می فرمود: ما دنیا را دوست داریم و اگر به ما عطا نشود برای ما بهتر است، و از آن چیزی به کسی عطا نشده جز آنکه بهره اش در آخرت نقصان یافته است.

مردی عرض کرد: به خدا سوگند ما خواستار دنیائیم.

امام فرمود: با آن چه می کنی؟

عرض کرد: بر خود و خانواده ام نیکی و عطا می کنم و از آن صدقه می دهم و به خویشاوند رسیدگی می نمایم و حج می روم.

امام فرمود: این خواستاری دنیا نیست خواستاری آخرت است. (۲)

این روایت و روایت قبل آن از بهترین روایات در این باب باری رفع تعارض میان دو دسته آیات و اخبار است، و در واقع این دو روایت حاکم بر سایر آیات و روایات و شارح و مفسر آنهاست.

ص: ۲۱۷

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۱۹ به نقل از «کافی» و «تهذیب».

۲- (۲) - بحار ج ۷۳ ص ۱۲۷ به نقل از «امالی طوسی».

۵-گردآوری مال و بخل ورزیدن در مورد آن ناپسند و مذموم است

۱-خدای متعال می فرماید: الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا- آنانکه بخل می ورزند و مردمان را به بخل فرمان می دهند و آنچه خدا از فضل و رحمت خود به ایشان عطا کرده کتمان می کنند، و ما برای کافران عذابی خوارکننده آماده کرده ایم» (۱)

۲- «فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ- پس هنگامی که از فضل خویش به ایشان عطا کرد، بدان بخل ورزیدند و با اعراض و روگردانی پشت کردند» (۲)

۳- «وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَلْفَنِعْمَهُ اللَّهُ يَجْحَدُونَ- و خداوند در رزق و روزی برخی از شما

ص: ۲۱۸

۱- (۱) -سوره ی نساء آیه ی ۳۷

۲- (۲) -سوره ی توبه آیه ی ۷۶

را بر برخی برتری داد، پس آنانکه برتری داده شدند رزقشان را بر بندگان و مملوکین خود نمی دهند که با هم مساوی باشند، پس آیا نعمت خدا را انکار می کنند» (۱)

۴- «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا» - بگو اگر شما مالک گنجینه های رحمت پروردگارم بودید البته از ترس فقر در اثر انفاق، امساک و خودداری می کردید و انسان خسیس و ممسک است» (۲)

راغب می گوید: «قترا» کم دادن نفقه و خرجی، و مقابل «اسراف» است و هر دو مذموم و ناپسندند... «وَ كَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا» اشاره به آنست که بخل در نهاد و سرشت انسان است. (۳)

۵- «إِنَّ يَسْئَلُكُمْوهَا فَيُخْفِكُمْ تَبَخُلُوا وَيُخْرِجَ أَضْغَانَكُمْ هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَن نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ» - اگر از شما (اموالتان را) بخواهد و اصرار ورزد بخل می ورزید و موجب بروز کینه های شما می گردد، اینک شماست که فرا خوانده می شوید تا در راه خدا انفاق نمائید، پس برخی از شما بخل می ورزد و کسی که بخل ورزد جز این نیست که بر خود بخل می ورزد و خداوند بی نیاز و شما فقیر و نیازمندید» (۴)

۶- «الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» - آنانکه بخل می ورزند و مردم را به بخل فرمان می دهند، و هر کس رو بگرداند و پشت کند همانا

ص: ۲۱۹

-
- ۱- (۱) -سوره ی نحل آیه ی ۷۱
 - ۲- (۲) -سوره ی اسراء آیه ی ۱۰۰
 - ۳- (۳) -مفردات راغب ص ۳۹۲
 - ۴- (۴) -سوره ی محمد آیه ی ۳۷-۳۸

۷- «وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ وَكَذَّبَ بِالْحُسَيْنِ فَسَيُئَسِّرُهُ لِّلْعَسِيرِ- وَاَمَّا أَنكَه بَخِلَ وَرَزِيدَ وَبِي نِيَاذِي نَمُود وَنِيَكِي رَا تَكْذِيب كَرْد پَس بَه زُودِي اُو رَا بَه سُوِي سَخْتِي وَ دَشُوَارِي مِي رَانِيْم وَ مِي بَرِيْم» (۲)

۸- «وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ- وَ كَسَانِي كِه دَر مُورِد أَنچِه خُدا اَز فَضْل خُوِيش بَه اِيشان عطا كرده بَخِل مِي وَرَزْنِد نَبِنْدَارِنْد أَن بَر اِيشان خُوب اسْت بَلَكِه أَن بَر اِيشان بَد اسْت، بَه زُودِي أَنچِه بَدَان بَخِل وَرَزِيْدِنْد چُون طُوقِي دَر رُوز قِيَاْمَت دَر گَرْدَنشان قَرار گِيْرِد» (۳)

۹- «... وَ يُؤْتِرُونَ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خِصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ- وَ بَر خُود (دِيگَران رَا) مَقْدَم مِي دَارِنْد هَر چِنْد فَقِيْر وَ نِيَاز مَنْد بَاشِنْد، وَ اَنانَكِه اَز بَخِل خُود نَگَه دَاشْتِه شُونْد اَنان رَسْتگَارانِنْد» (۴)

۱۰- «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتِطَعْتُمْ وَ اسْمِعُوا وَ اطِيعُوا وَ اَنْفِقُوا خَيْرًا لِّاَنْفُسِكُمْ وَ مَنْ يُّوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، اِنْ تُقْرَضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعَفْهُ لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللّٰهُ شَكُورٌ حَلِيْمٌ- جَز اِيْن نِيَسْت كِه اَمُوال وَ فَرزَنْدانَتان اَز مَايِشِي اسْت وَ نَزْد خُدا پاداَش بَزَرگِي اسْت، پَس تَقُوايِ اِلهِي پِيْشِه كُنِيْد وَ بَشُونِيْد

ص: ۲۲۰

۱- (۱) -سوره ی حدید آیه ی ۳۴

۲- (۲) -سوره ی اللیل آیه ی ۸

۳- (۳) -سوره ی آل عمران آیه ی ۱۸۰

۴- (۴) -سوره ی حشر آیه ی ۹

و اطاعت کنید و انفاق نمائید که برای خودتان بهتر است و آنانکه از بخل خود نگهداشته شوند رستگارانند، اگر به خدا قرض الحسنه بدهید آنرا برایتان دو برابر می سازد و خدا سپاسگزار بردبار است» (۱)

راغب می گوید: «شح» بخل همراه با حرص است که عادت و ملکه ی انسان شده باشد. (۲) و «یوق» از ماده ی «وقایه» است که به معنای حفظ و نگهداری است.

۱۱- «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ» - و آنانکه طلا و نقره را گنج کرده و آنرا در راه خدا انفاق نمی کنند به عذابی دردناک بشارتشان ده، روزی که آن را در آتش دوزخ گداخته سازند و روها و پهلوها و پشتهاشان را با آن داغ کنند؛ این است آنچه برای خود گنج کردید پس بچشید آنچه را گنجینه می ساختید» (۳)

۱۲- «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ» - وای بر هر سخن چین عیب جوی، آنکه مالی گرد آورد و آنرا شمرد» (۴)

۱۳- «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» - بگو به فضل خدا و رحمت اوست، و برای این باید

ص: ۲۲۱

۱- (۱) -سوره ی تغابن آیه ی ۱۶

۲- (۲) -مفردات راغب ص ۲۵۶

۳- (۳) -سوره ی توبه آیه ی ۳۵

۴- (۴) -سوره ی همزه آیه ی ۲

شادمانی کنند که این بهتر است از آنچه جمع می کنند» (۱)

«وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٍ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٍ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» - و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید هر آینه
آمزش و رحمتی از جانب خدا از آنچه جمع می کنند بهتر است» (۲)

*** و اما روایات:

۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: انباردار دیگری نباش. (۳)

۲- و نیز فرمود: آنچه از خیر (اموال) و نیکی که پیش فرستی ذخیره یی است که برایت می ماند، و آنچه واگذاری خیرش برای
غیر تو خواهد بود. (۴)

۳- و نیز فرمود: دارندگان خزائن اموال هلاک شده اند در حالیکه زنده اند... (۵)

ص: ۲۲۲

۱- (۱) -سوره ی یونس آیه ی ۵۸

۲- (۲) -سوره ی آل عمران آیه ی ۱۵۷

۳- (۳) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۵۱

۴- (۴) -نهج البلاغه ۱۴۲/۳

۵- (۵) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۸۷

۶- فروختن آخرت به دنیا سرزنش شده، و خریدن آخرت به دنیا

ستایش شده است

۱- خدای متعال می فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ» - اینها هستند که زندگانی دنیا را به بهای آخرت خریدند پس در عذاب آنان تخفیفی داده نخواهد شد» (۱)

۲- «فَتَبَدُّوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا» - پس آنرا از پس پشت افکندند و به بهایی ناچیز فروختند» (۲)

۳- «اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا» - آیات خدا را به بهایی ناچیز فروختند» (۳)

۴- «وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا» - آیات مرا به بهایی ناچیز مفروشید» (۴)

۵- «وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ

ص: ۲۲۳

۱- (۱) -سوره ی بقره آیه ی ۸۶

۲- (۲) -سوره ی آل عمران آیه ی ۱۸۷

۳- (۳) -سوره ی توبه آیه ی ۹

۴- (۴) -سوره ی مائده آیه ی ۴۴

إِلَّا النَّارَ- و به بهایی ناچیز می فروشند، آنان در شکم خویش جز آتش نمی خورند» (۱)

۶- «إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ- کسانی که پیمان خدا و سوگندهاشان را به بهایی ناچیز می فروشند در آخرت بهره یی ندارند» (۲)

۷- «خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا- فروتنان برای خدا که آیات خدا را به بهایی ناچیز نمی فروشند» (۳)

*** و اما روایات:

۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: آخرت را به دنیایت مفروش. (۴)

۲- دنیایت را با نابودی دینت اصلاح نکن که از زیانکارتران در اعمال می شود. (۵)

۳- آگاه باشید که تباه شدن چیزی از دنیاتان به شما زیانی نمی رساند پس از آنکه ستون دینتان را نگهداشته باشید، و آگاه باشید که بعد از آنکه دینتان را تباه سازید چیزی از امور دنیاتان که مراقبت آن نمائید سودی به شما ندارد. (۶)

۴- مردم چیزی از امور دینشان را برای اصلاح دنیایشان و نمی گذارند جز آنکه خدا برویشان زیانمندتر از آنرا

ص: ۲۲۴

۱- (۱) -سوره ی بقره آیه ی ۱۷۴

۲- (۲) -سوره ی آل عمران آیه ی ۷۷

۳- (۳) -سوره ی آل عمران آیه ی ۱۹۹

۴- (۴) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۴۴

۵- (۵) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۷۶

۶- (۶) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۰۶

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند «ذهب» و «فضّه» - طلا و نقره را لعنت فرمود و آندو را جز کسی که از جنس آنها باشد دوست نمی دارد.

راوی می گوید عرض کردم: فدایتان شوم، طلا و نقره؟

فرمود: چنان نیست که تو پنداشته یی؛ «ذهب» آنست که موجب ذهاب دین از بین رفتن دین گردد، و «فضّه» آنست که افاضه ی کفر نماید کفر را روان سازد. (۲)

*** ۱- خدای متعال می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ - خداوند جانها و اموال مؤمنان را خریداری می کند به آنکه در عوض بهشت برای آنان باشد» (۳)

۲- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ - ای مؤمنان آیا شما را به تجارتی که از عذاب دردناک نجاتتان دهد راهنمایی کنم: به خدا و رسولش ایمان آورید و در راه خدا با اموال و جانهایتان جهاد نمائید، این اگر بدانید برایتان بهتر است» (۴)

۳- امیر مؤمنان علی علیه السلام هنگامی که شنید مردی از

ص: ۲۲۵

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۵۷

۲- (۲) - بحار الانوار ج ۷۳ ص ۱۴۱ به نقل از «معانی الاخبار».

۳- (۳) - سوره ی توبه آیه ی ۱۱۱

۴- (۴) - سوره ی صف آیه ی ۱۱-۱۰

دنیا بدگویی می کند فرمود: ای بدگوی به دنیا که به فریبندگی آن فریفته شده یی و فریب اباطیل آنرا خورده یی، آیا فریفته ی
دنیا یی و آنگاه از آن بدگویی می کنی....

همانا دنیا سرای راستی است برای کسی که نسبت به آن راستی ورزد، و سرای سلامت است برای کسی از آن فهم و درک
بدست آورد، و سرای بی نیازی است برای کسی که از آن کسب توشه کند، و سرای پند و موعظه است برای کسی که به آن
پند گیرد، محل سجده ی دوستان خدا و محل نماز فرشتگان الهی و محل نزول وحی خدا، و محل تجارت اولیاء خداوند است
که در آن رحمت را کسب کنند و بهشت را سود برند. (۱)

ص: ۲۲۶

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۸۱

۷- اسراف (زیاده روی) و تبذیر (بیهوده خرج کردن اموال) و اتراف (عیش و نوش و خوشگذرانی) ناپسند و مذموم است

۱- خدای متعال می فرماید: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا- تبذیرکنندگان برادران شیطانهایند و شیطان نسبت به پروردگارش بسیار کافر و ناسپاس است» (۱)

۲- «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ- اوست (خدایی) که باغهایی که درختانش روی داربست قرار گرفته و باغهایی که درختانش روی داربست قرار نگرفته، و درخت خرما، و کشت که خوراکش گوناگون است، و زیتون، و انار که مشابه یکدیگر و نامشابه یکدیگر است بیافرید. از بار آن هنگامی که بار دهد

ص: ۲۲۷

بخورید و حق آنرا روز درویدنش بدهید و اسراف نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد» (۱).

ظاهراً جمله ی «لا- تُسْرِفُوا- اسراف نکنید» متعلق به جمله ی «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ- از میوه اش بخورید» است نه به جمله ی «وَأْتُوا حَقَّهُ- حقش را بدهید».

و فرق میان «تبذیر» و «اسراف» آنست که تبذیر بی جهت مصرف کردن چیزی است بدون آنکه علتی خردمندانه داشته باشد، مثل آنکه چوبی را بی جهت بسوزاند؛ ولی اسراف بیش از اندازه مصرف کردن است.

*** و اما روایات:

۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: برای اقتصاد و میانه روی اسراف را رها کن. (۲)

۲- و نیز فرمود: کسی که میانه روی کند مخارجش سنگین و تنگدست نمی شود. (۳)

۳- سخاوتمند باش و تبذیرکار مباش، اندازه گیر و تبذیر کننده باش و سخت گیر مباش. (۴)

۴- «داود بن سرحان» می گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم که میوه را به دست خویش پیمانه می کرد. عرض کردم:

فدایتان شوم چه خوب بود اگر به برخی از فرزندان یا خدمتکارانتان امر می فرمودید بجای شما این کار را انجام می دادند!

ص: ۲۲۸

۱- (۱) -سوره ی انعام آیه ی ۱۴۱

۲- (۲) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۳

۳- (۳) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۸۵

۴- (۴) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۵۹

فرمود: ای داود! مرد مسلمان را جز سه چیز اصلاح نمی کند:

تفقه در دین، و شکیبایی بر مصیبت، و تدبیر و اندازه گیری در معاش. (۱)

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: کمال، همه ی کمال در سه چیز است و جزو آن سه چیز «تدبیر و اندازه گیری در معاش» را ذکر فرمود. (۲)

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی خداوند برای خانواده یی خیر بخواهد، میانه روی در معاش را روزی آنان می فرماید. (۳)

۷- امام باقر علیه السلام فرمود: سه چیز از نشانه های مؤمن است: اندازه گیری و تدبیر نیکو در معاش، و شکیبایی بر مصیبت، و تفقه در دین. و فرمود: در مردی که میانه روی در معاش نداشته باشد خیری نیست، و چنین فردی نه صلاح دنیایش را مراعات کرده است نه اصلاح آخرتش را. (۴)

۸- امام صادق علیه السلام در مورد این آیه: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ» (۵) دستت را به گردنت نبند که هیچ انفاق نکنی - دست خویش را مشت کرد و فرمود: یعنی اینطور. و در مورد «وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ» (۶) و به کلی نیز آنرا مگشاکه هرچه داری انفاق نمایی - کف دست خود را باز

ص: ۲۲۹

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۴۱ به نقل از «کافی» و «فقیه».

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۴۲ به نقل از «کافی».

۳- (۳) - وسائل ج ۱۲ ص ۴۲ به نقل از «کافی».

۴- (۴) - وسائل ج ۱۲ ص ۴۲ به نقل از «کافی».

۵- (۵) - سوره ی اسراء آیه ی ۲۹

۶- (۶) - سوره ی اسراء آیه ی ۲۹

کرد و فرمود: یعنی اینطور. (۱)

۹- «عبید بن زراره» می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: ای عبید! اسراف موجب فقر و میانه روی موجب غنی و بی نیازی است. (۲)

۱۰- امام کاظم علیه السلام فرمود: من ضمانت می کنم هر کس میانه روی کند فقیر نشود. (۳)

ص: ۲۳۰

۱- (۱) - وسائل ج ۱۲ ص ۴۲ به نقل از «کافی» و «تهذیب»

۲- (۲) - وسائل ج ۱۲ ص ۴۱ به نقل از «کافی» و «فقیه»

۳- (۳) - وسائل ج ۱۲ ص ۴۱ به نقل از «فقیه».

۸- خودداری از انفاق مال در آنچه خدا فرمان داده مذموم و ناپسند است

۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: ای فرزند آدم! آنچه بیش از معاش روزانه ات بدست آوری، در مورد آن انباردار دیگری خواهی بود. (۱)

۲- و نیز فرمود: خدای سبحان روزی مستمندان را در اموال ثروتمندان قرار داده، پس فقیری گرسنه نمی ماند مگر آنکه ثروتمندی از روزی او بهره ور شده و خدای متعال در مورد آن از ایشان سؤال و بازپرسی خواهد کرد. (۲)

۳- و نیز فرمود: امور دنیا بر چهار چیز استوار است...

بخشنده یی که در نیکی و احسان خویش بخل نرزد... و هنگامی که ثروتمندی در نیکی و احسانش بخل ورزد فقیر آخرتش را به دنیایش می فروشد. (۳)

ص: ۲۳۱

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۹۶

۲- (۲) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۳۱

۳- (۳) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۴۲

۴- و نیز فرمود: آیا ندیدید آنانکه آرزوی دور و دراز دارند و کاخهای بلند بنا می کنند و اموال بسیار گرد می آورند چگونه خانه هاشان گور و گرد آورده هاشان تباه گردید و اموالشان نصیب وارثان شد؟... (۱)

۵- و نیز فرمود: خدا پدرانتان را بیامرزد! برخی از امواتان را با انفاق در راه خدا و نیکی و احسان پیش فرستید که برایتان بماند (نفع اخروی آن به شما برسد) و همه را پس از خود وا نگذارید که علیه شما گردد (مسئولیت و جواب اخروی آن بر عهده شما باشد). (۲)

۶- و نیز فرمود: ای پسر آدم! در مالت وصی خود باشد و در آن آنچه دوست داری بعد از تو با آن انجام دهند انجام بده. (۳)

۷- و نیز فرمود: چیزی از مال دنیا پس از خود وامگذار زیرا آنرا برای یکی از این دو وا می گذاری: یا کسی است که در آن به فرمان خدا عمل می کند و او بوسیله ی آنچه شقاوت و مسئولیتش بعهده ی توست به سعادت می رسد. و یا کسی است که در آن به نافرمانی و معصیت خدا عمل می کند و تو در معصیتش کمک او بوده یی. و هیچک از این دو سزاوار آنکه بر خود مقدم داری نیستند. (۴)

۸- و نیز فرمود: کسی که نعمتهای الهی بر او فراوان شود نیازمندیهای مردم به او نیز بسیار می گردد، پس آنکه برای خدا آنچه در نعمتها واجب است در آن نیازمندیها انجام دهد

ص: ۲۳۲

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۲ ص ۲۱

۲- (۲) - نهج البلاغه ج ۲ ص ۲۰۹

۳- (۳) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۰۹

۴- (۴) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۵۲

(با نعمتهایی که خدا به او عطا کرده در رفع نیاز مردم بکوشد و واجبات مالی خود را بپردازد) موجب دوام و بقاء نعمتها شده است، و آنکه آنچه در آن نعمتها واجب است بر پا ندارد و انجام ندهد، آن نعمتها را در معرض زوال و فنا قرار داده است. (۱)

۹- امام صادق علیه السلام نقل می فرماید که از امام باقر علیه السلام در مورد دینارهای (طلا) و درهمهای (نقره) آنچه در مورد آنها بر مردم واجب است، سؤال شد. فرمود: آنها خاتم های خداوند در زمین است که خدا آنها را موجب اصلاح و درستی امور خلقش قرار داده و بوسیله ی آن شئون و کار و کسب مردم قوام می یابد، پس کسی که خدا به او دنیار و درهم بسیار داده اگر حق خدای متعال را در آنها رعایت کند و زکاتشان را بپردازد، او کسی است که آنها برایش حلال و پاک و خالص است، و اگر در آن بخل بورزد و حق خدا را بپردازد و از آن ظرف (طلا و نقره) بسازد، تهدیدهای خدا در کتاب آسمانیش بر او درست و سزاوار است؛ خدای متعال می فرماید: «يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتَكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ» (۲) روزی که آنها را در آتش جهنم گداخته سازند و روها و پهلوها و پشتهاشان را با آن داغ کنند، این است آنچه برای خویش گنج می کردید پس بچشید آنچه را گنجینه می ساختید» (۳)

۱۰- امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که این آیه نازل

ص: ۲۳۳

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۴۳

۲- (۲) - سوره ی توبه آیه ی ۳۵

۳- (۳) - بحار الانوار ج ۷۳ ص ۱۳۸ به نقل از «امالی طوسی».

شد «وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (۱) و کسانی که طلا و نقره را گنج می کنند و آنرا در راه خدا انفاق نمی نمایند به عذابی دردناک بشارتشان ده» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آنچه زکاتش داده شود «کنز» نیست هر چند زیر هفت طبقه ی زمین قرار گیرد و آنچه زکاتش داده نشود، «کنز» است اگر چه روی زمین باشد. (۲)

ص: ۲۳۴

۱- (۱) -سوره ی توبه آیه ی ۳۴

۲- (۲) -بحار الانوار ج ۷۳ ص ۱۳۹ به نقل از «امالی طوسی».

۱- خدای متعال می فرماید:

«أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ- آیا به زندگانی دنیا به جای آخرت خشنود شده اید» (۱)

۲- «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ- کسانی که ملاقات ما را امید نمی برند و به زندگانی دنیا خشنود شده و به آن دل بسته اند و کسانی که از آیات ما غافلند، آنان جایگاهشان آتش دوزخ است» (۲)

۳- «وَيُؤْتِي لِكُلِّ هَمَزَةٍ لُحْمًا الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ كَالَّذِي بُدِيَ فِي الْحُطَمَةِ- وای بر هر عیبجوی طعنه زن که مالی گرد آورده و آنرا می شمرد، می پندارد مالش او را جاودان می سازد، چنین نیست؛ هر آینه در آتش

ص: ۲۳۵

۱- (۱) -سوره ی توبه آیه ی ۳۸

۲- (۲) -سوره ی یونس آیه ی ۷

*** اما روایات:

۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: دل بستن به دنیا با وجود آنچه از آن می بینی، جهل و نادانی است. (۲)

۲- و نیز فرمود: مبادا به دل بستگی و چسبیدن اهل دنیا به آن و جنگ و ستیزشان بر سر آن فریفته شوی. (۳)

۳- و نیز فرمود: دل کردن از آن پر بهره تر از دل بستن به آنست. (۴)

۴- و نیز فرمود: به دنیا انس گرفتند پس آنان را بفریفت، و به آن اعتماد نمودند پس آنان را به هلاکت افکند؛ بنابراین پیشی بگیرد خدا رحمتتان کند به سوی خانه هایتان که به آباد کردنش فرمان داده شدید. (۵)

ص: ۲۳۶

۱- (۱) -سوره ی همزه آیه ی ۵-۱

۲- (۲) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۴۶

۳- (۳) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۵۵

۴- (۴) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۳۹

۵- (۵) -نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۵۲

است

۱- خدای متعال می فرماید: «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» - و از آنچه روزی ایشان ساختیم انفاق می کنند» (۱)

۲- «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً» - کیست که به خدا قرض الحسنه دهد تا به مراتب بسیار برایش بیفزاید» (۲)

۳- «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ» - مثل آنانکه اموالشان را در راه خدا انفاق می کنند همانند دانه یی است که هفت سنبله برآورد» (۳)

۴- «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ» - آنانکه در آسایش و سختی انفاق می کنند» (۴)

۵- «وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ... وَالْمُؤْتُونَ

ص: ۲۳۷

۱- (۱) -سوره ی بقره آیه ی ۳

۲- (۲) -سوره ی بقره آیه ی ۲۴۴

۳- (۳) -سوره ی بقره آیه ی ۲۶۱

۴- (۴) -سوره ی آل عمران آیه ی ۱۳۴

الزَّكَاةَ... أولئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا- مؤمنان به آنچه بر تو نازل شده ایمان می آورند... و دهندگان زکات... به آنان پاداشی بزرگ خواهیم داد» (۱)

۶- «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ أولئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا- آنانکه نماز را بر پا می دارند و از آنچه روزیشان ساختیم انفاق می کنند، آنان حقیقتاً مؤمنانند» (۲)

۷- «وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ- و آنانکه انجام دهنده ی زکاتند» (۳)

۸- «وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ- و کسی که از بخل خویش نگهداشته شود، ایشان رستگارانند» (۴)

۹- «إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ- اگر به خدا قرض الحسنه بدهید آنرا برایتان دو برابر می سازد و شما را می آمرزد و خداوند سپاسگزار بردبار است» (۵)

۱۰- «وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَى إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ لَهُمْ جِزَاءٌ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ- و اموال و فرزندانان نیست که شما را نزد ما مقرب می سازد، مگر کسی که ایمان آورد و کار شایسته کند که برای ایشان به جهت آنچه انجام داده اند پاداش دو برابر خواهد بود و آنان در غرفه های (بهشت) آسوده و ایمنند» (۶)

ص: ۲۳۸

۱- (۱) -سوره ی نساء آیه ی ۱۶۲

۲- (۲) -سوره ی انفال آیه ی ۳

۳- (۳) -سوره ی مؤمنون آیه ی ۴

۴- (۴) -سوره ی حشر آیه ی ۹

۵- (۵) -سوره ی تغابن آیه ی ۱۷

۶- (۶) -سوره ی سبا آیه ی ۳۷

وجه دلالت این آیات بر منظور ما آنست که چون «انفاق» و «زکات» و «قرض» پسندیده و ممدوح است بنابراین آنچه این کارها متوقف بر آن می باشد یعنی «مال» نیز پسندیده و ممدوح خواهد بود، زیرا وجود مال هر چند از قبیل «شرط وجوب» است نه «شرط واجب» - و بهمین جهت تحصیل مال برای آنکه به حد نصاب برسد و زکات آنرا بپردازد واجب نیست در عین حال از مطلوب بودن زکات، مطلوب بودن مال نیز در صورتیکه در راه خدا انفاق شود، استفاده می شود. و بنابراین دلیل مطلوب بودن هر کار شایسته بی که متوقف بر وجود مال باشد، مانند ساختن مسجدها و مدرسه ها و خیابانها و راهها و انجام حج و بر پا داشتن شعائر دینی و غیر اینها، بر مطلوب بودن تحصیل مال دلالت دارد.

*** و اما روایات:

- ۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: دنیا برای غیر دنیا آفریده شده نه برای خود دنیا (خودش هدف نیست). (۱)
- ۲- دنیا سرای عبور است نه سرای اقامت، و مردم در آن دو گونه اند، یکی آنکه خود را در آن فروخت و به هلاکت افکند، و دیگری آنکه خود را خرید و آزاد ساخت. (۲)
- ۳- دنیا برای کسی که از آن توشه بگیرد سرای ثروت و بی نیازی است. (۳)
- ۴- و بدانکه تو برای آخرت آفریده شدی نه برای دنیا. (۴)

ص: ۲۳۹

۱- (۱) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۲۶۲

۲- (۲) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۸۲

۳- (۳) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۸۱

۴- (۴) - نهج البلاغه ج ۳ ص ۵۴

۵- از دنیا توشه یی بردارید که فردا(در آخرت) با آن خود را حفظ کنید! (۱)

۶- بد تجارتنی است که دنیا را بهای خود و عوض آنچه برای تو نزد خداست بدانی، و برخی از ایشان با کار آخرت دنیا را می خواهد و با کار دنیا آخرت را نمی خواهد. (۲)

۷- آگاه باشید دنیا سرایی است که نجات از آن نیست مگر در آن... پس آنچه از دنیا برای دنیا گرفته شود از آن بیرون می روند و درباره ی آن مورد محاسبه و مسئولیت قرار می گیرند، و آنچه از دنیا برای غیر دنیا گرفته شود، بر آن وارد می شوند و در آن اقامت می کنند. (۳)

۸- آنچه را که برایتان می ماند(نعمتهای اخروی) بوسیله ی آنچه از دستتان می رود(خواسته های دنیوی) خریداری کنید. (۴)

۹- بندگان برگزیده ی خداوند؛ کم دنیا را که پایدار نیست به بسیار آخرت که فنا ندارد فروختند. (۵)

۱۰- و باید از سرای رفتنش(دنیا) برای سرای اقامتش(آخرت) توشه بردارد. (۶)

۱۱- دنیا برای اقامت شما خلق نشده بلکه برای عبور و گذشتن شما آفریده شده است تا در آن توشه یی از اعمال برای سرای اقامت(آخرت) بردارید. (۷)

۱۲- ای مردم! جز این نیست که دنیا سرای گذشتن و

ص: ۲۴۰

۱- (۱) - نهج البلاغه ۶۸/۱ و ۱۰۷

۲- (۲) - نهج البلاغه ۷۴/۱

۳- (۳) - نهج البلاغه ۱۰۴/۱

۴- (۴) - نهج البلاغه ۱۰۵/۱

۵- (۵) - نهج البلاغه ۱۰۳/۲

۶- (۶) - نهج البلاغه ۱۴۷/۱

۷- (۷) - نهج البلاغه ۲۲/۲

آخرت سرای اقامت است، پس از محلّ عبورتان برای محلّ اقامتتان توشه بگیرید... در آن آزمایش می شوید و برای غیر آن آفریده شده اید. (۱)

۱۳- آماده ی سفر شوید خدا رحمتتان کند که مسلما در میانتان به کوچیدن ندا داده اند(رحلت از دنیا سرنوشت حتمی شماست)، و تمایل به دنیا را کم کنید و با توشه ی شایسته یی که نزد شماست به دنیا پشت کرده بروید... (۲)

۱۴- بر شما باد جدّیت و کوشش... و توشه گیری در سرای توشه. و زندگانی دنیا شما را نفریبد آنچنانکه افراد پیش از شما را فریفت.. (۳)

۱۵- نباید برترین چیزی که برای خود از دنیایت بدست می آوری رسیدن به لذّتی یا فرو نشانیدن خشمی باشد، بلکه باید میراندن باطلی یا زنده کردن حقی باشد. (۴)

۱۶- و باید شادمانی تو به آنچه از پیش فرستاده یی (اعمال صالح) باشد و تأسفت بر آنچه پس از خویش وا گذاشته یی. (۵)

۱۷- باید مرد از خود برای خود توشه بگیرد... و از فانی برای باقی و از آنچه از دست می رود برای آنچه جاوید است. (۶)

۱۸- بزرگی این خانه را در دنیا می خواهی چه کنی... و آری اگر بخواهی با آن به (بهره های) آخرت بررسی، در آن میهمان را پذیرایی و به خویشان نیکی و رسیدگی کن، در این صورت با

ص: ۲۴۱

۱- (۱) - نهج البلاغه ۲۰۹/۲

۲- (۲) - نهج البلاغه ۲۰۹/۲

۳- (۳) - نهج البلاغه ۲۵۱/۲

۴- (۴) - نهج البلاغه ۱۳۹/۳

۵- (۵) - نهج البلاغه ۱۳۹/۳

۶- (۶) - نهج البلاغه ۲۵۷/۲

آن به آخرت می رسی. (۱)

۱۹- هر کس خداوند به او مالی عطا کند باید با آن به خویشان نیکی و رسیدگی نماید، و میهمانی نیکو دهد و اسیر و گرفتار را نجات بخشد، و به مستمند و مقروض عطا کند. و باید در ادای حقوق (صاحبان حق) و در پیش آمدها برای رسیدن به پاداش اخروی شکیبایی ورزد. نائل شدن به این خصلتها شرف بزرگواریهای دنیوی و نیل به فضیلتهای اخروی است انشاء الله. (۲)

۲۰- بوسیله ی دنیا آخرت بدست می آید. (۳)

۲۱- امام علیه السلام در حالیکه کفش خود را وصله می کرد فرمود: به خدا سوگند این کفش نزد من از فرمانروایی بر شما بهتر است مگر آنکه حقی را بر پا دارم یا باطلی را دفع کنم. (۴)

۲۲- مردم در دنیا دو گونه عمل می کنند، یکی آنکه برای دنیا عمل می کند که این، دنیایش او را از آخرتش بازداشته است... و دیگری آنکه برای بعد از آن عمل می کند و این آنچه از دنیا دارد بدون عملی به او می رسد و او هر دو بهره (بهره ی دنیوی و اخروی) را بدست آورده و هر دو سرا (سرای دنیا و سرای آخرت) را با هم مالک شده و نزد خداوند نیز آبرومند است. (۵)

۲۳- پرهیزکاران هم نعمتهای نزدیک دنیا و هم بهره های دور آخرت را دارند، با اهل دنیا در دنیایشان شریکند و اهل دنیا در

ص: ۲۴۲

۱- (۱) - نهج البلاغه ۲/۲۱۳

۲- (۲) - نهج البلاغه ۲/۳۳

۳- (۳) - نهج البلاغه ۲/۶۳

۴- (۴) - نهج البلاغه ۱/۷۶ و نزدیک به همین مضمون در ۱/۳۲

۵- (۵) - نهج البلاغه ۳/۲۱۷

آخرت ایشان شرکت ندارند، در دنیا در برترین مسکنها سکونت دارند و بهترین خوراکیها را می‌خورند و از آنچه دنیا داران بهره می‌گیرند بهره‌ورند، و از آنچه جباران متکبر دارند برخوردارند، در عین حال از دنیا با توشه‌ی کامل و تجارتی پرسود می‌روند، در دنیایشان به لذت زهد در دنیا رسیده‌اند، و به اینکه فردا در آخرتشان همسایگان خدایند یقین دارند. (۱)

۲۴- مال و پسران، کشت و بهره‌ی دنیوی است و عمل صالح کشت و بهره‌ی اخروی. و گاهی خدای متعال هر دو را به گروههایی عطا می‌فرماید. (۲)

*** ۲۵- امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به بنده‌ی سی هزار (درهم یا دینار) عطا نکرده که خیر او را خواسته باشد. و فرمود: هرگز مردی ده هزار (درهم یا دینار) از حلال جمع نکرده است، و مسلماً خداوند هر دو را (دنیا و آخرت را) به گروههایی می‌دهد در صورتیکه به خویشاوند عطا کنند و به عمل صالح موفق شوند؛ و مسلماً خداوند به گروهی دنیا و آخرت را با هم عطا فرموده است. (۳)

۲۶- امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه‌ی «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَزْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَزْثِهِ وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَزْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ - کسی که کشت آخرت را

ص: ۲۴۳

۱- (۱) - نهج البلاغه ۳۱/۳

۲- (۲) - نهج البلاغه ۵۶/۱

۳- (۳) - بحار ۶۶/۷۲ به نقل از «تمحیص».

بخواهد در کشت او (یعنی در پاداش اخرویش) می افزاییم، و کسی که کشت دنیا را می خواهد از آن به او می دهیم و برای او در آخرت بهره یی نیست» (۱) فرمود: مال و پسران کشت دنیا و عمل صالح کشت آخرت است، و گاهی خدا هر دو را به گروههایی عطا می فرماید. (۲)

ظاهر آیه حاکی از آنست که دنیا و آخرت با هم جمع نمی شوند، ولی روایتی که در تفسیر آن ذکر شد دلالت دارد که مفاد آیه حکمی کلی نیست بلکه گاهی خداوند دنیا و آخرت را برای گروههایی جمع می فرماید، هر چند «قد» افاده ی تقلیل می کند (یعنی به ندرت چنین چیزی اتفاق می افتد).

۲۷- «ابو بصیر» می گوید: خدمت امام باقر علیه السلام، ثروتمندان شیعه را یاد کردیم، گویا امام از آنچه از ما در مورد آنها شنید بدش آمد؛ فرمود: ای ابا محمد! هنگامی که مؤمن دارا و مهربان و رسیدگی کننده به خویشان و نیکوکار به یارانش باشد خداوند پاداش آنچه در نیکوکاری انفاق می کند دو بار دو برابر عطا می فرماید زیرا خدا در کتاب خود می فرماید: «وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جِزَاءٌ الضَّعْفُ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ» (۳) و اموال و فرزندانان نیست که شما را نزد ما مقرب می سازد، مگر کسی که ایمان آورد و کار شایسته کند که

ص: ۲۴۴

۱- (۱) -سوره ی شوری آیه ی ۲۰

۲- (۲) -بحار ۶۳/۷۲ به نقل از «تفسیر قمی».

۳- (۳) -سوره ی سبا آیه ۳۷

برای ایشان به جهت آنچه انجام داده اند پاداش دو برابر خواهد بود و آنان در غرفه های (بهشت) آسوده و ایمنند». (۱)

۲۸- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ثروت و بی نیازی کمک خوبی برای تقوای الهی است. (۲)

۲۹- امام صادق علیه السلام فرمود: دنیا کمک خوبی برای آخرت است. (۳)

۳۰- امام صادق علیه السلام فرمود: دنیا برای آخرت کمک خوبی است. (۴)

۳۱- امام باقر علیه السلام فرمود: دنیا برای طلب آخرت کمک خوبی است. (۵)

۳۲- در وصیت «مفضل بن عمر» آمده است: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: به برخی از دنیا برای آخرت کمک بگیرد و سربار مردمان نباشد. (۶)

۳۳- مردی خدمت امام صادق علیه السلام ثروتمندان را یاد کرد و از آنان بدگویی نمود، امام فرمود: ساکت باش، ثروتمند اگر رسیدگی کننده ی به خویشانش و نیکوکار به برادرانش باشد خداوند پاداش او را دو برابر می سازد زیرا خدا می فرماید: «وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَ

ص: ۲۴۵

۱- (۱) - بحار ۶۳/۷۲ به نقل از «علل الشرایع».

۲- (۲) - وسائل ۱۶/۱۲ به نقل از «کافی» و «فقیه».

۳- (۳) - وسائل ۱۶/۱۲ به نقل از «کافی».

۴- (۴) - وسائل ۱۷/۱۲ به نقل از «کافی» و «فقیه».

۵- (۵) - وسائل ۱۷/۱۲ به نقل از «کافی».

۶- (۶) - وسائل ۱۸/۱۲ به نقل از «کافی».

عَمَلٌ صَالِحًا فَأُولَئِكَ لَهُمْ جِزَاءُ الضُّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ- و اموال و فرزندانان نیست که شما را نزد ما مقرب می سازد، مگر کسی که ایمان آورد و کار شایسته کند که برای ایشان به جهت آنچه انجام داده اند پاداش دو برابر خواهد بود و آنان در غرفه های (بهشت) آسوده و ایمنند» (۱)

۳۴- «عمرو بن جمیع» می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خیری نیست در کسی که گردآوری مال از راه حلال را دوست نداشته باشد تا با آن آبروی خویش حفظ کند و قرضش را بردارد و به خویشاوندش رسیدگی نماید. (۲)

۳۵- مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به خدا سوگند ما طالب دنیائیم و دوست داریم که به ما داده شود، امام فرمود: دوست داری با آن چه کنی؟

عرض کرد: با آن خودم و خانواده ام را تأمین نمایم و صله ی رحم کنم و صدقه بدهم و حج و عمره بجای آورم.

فرمود: این طلب دنیا نیست، طلب آخرت است. (۳)

این روایت از بهترین روایات در این موضوع و شرح دهنده ی روایات سرزنش و ستایش دنیا است و بر آنها حکومت دارد و جلوی آنها قرار می گیرد، و گویای آنست که: طلب دنیا اگر برای منظور پسندیده و شرعی باشد طلب دنیا نیست و طلب آخرت محسوب می شود.

ص: ۲۴۶

۱- (۱) - بحار ۲/۱۰۳ به نقل از «تفسیر قمی». و آیه در سوره ی سبا آیه ی ۳۷ است.

۲- (۲) - وسائل ۱۹/۱۲ به نقل از «کافی» و «فقیه» و «ثواب الاعمال» و «تهذیب».

۳- (۳) - وسائل ۱۹/۱۲ به نقل از «کافی» و «تهذیب».

۳۶- «عمر بن سیف» می گوید امام صادق علیه السلام به من فرمود: طلب روزی از راه حلال را رها مکن که آن کمک تو در دینت می باشد، و شترت را ببند و توکل کن. (۱)

۳۷- «عقروقوفی» می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: از ابوذر رحمت خدا بر او چیزی نقل می کنند که گفته است: سه چیز است که مردم دشمن دارند و من آنها را دوست دارم. مرگ را دوست دارم، و فقر را دوست دارم، و بلا را دوست دارم!

امام فرمود: این موضوع آنطور نیست که شما روایت می کنید، منظور او این است که مرگ در فرمان خدا از زندگی در نافرمانی خدا نزد من محبوبتر است، و فقر در فرمان خدا از بی نیازی در نافرمانی خدا نزد من محبوبتر است، و بلا در فرمان خدا از سلامتی در نافرمانی خدا نزد من محبوبتر است. (۲)

۳۸- امام صادق علیه السلام فرمود: خدای متعال (به موسی کلیم الله) فرمود: ای موسی! دنیا سرای عذاب و سختی است و آنرا ملعون قرار دادم، هرچه در آن است ملعون است مگر آنچه برای من باشد. (۳)

۳۹- «اسباط بن سالم» می گوید خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم، امام پرسید: «عمر بن مسلم» چه می کند؟ عرض کردم: خوب است ولی تجارت را رها کرده است.

ص: ۲۴۷

۱- (۱) - وسائل ۲۰/۱۲ به نقل از «مجالس ابن الشیخ».

۲- (۲) - بحار ۳۹/۷۲ به نقل از «معانی الاخبار».

۳- (۳) - بحار ۱۲۱/۷۳ به نقل از «روضه الواعظین».

امام علیه السلام سه بار فرمود: کار شیطان است. و فرمود: آیا نمی داند که رسول خدا صلی الله علیه و آله از کاروانی که از شام آمده بود خریداری کرد و در دادوستد سود نمود چنانکه قرضش را پراخت و (از آن سود) در میان خویشان خود تقسیم فرمود؟ خداوند می فرماید: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ - مردانی که تجارت و خرید و فروش آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی دارد» (۱)، قصه گو (و معرکه گیر) می گوید آنان تجارت نمی کردند! (این قصه گویان) دروغ می گویند، آنان نماز را در وقت آن و نمی گذاشتند و افضل از کسی هستند که به نماز حاضر شود ولی تجارت نکند. (۲)

۴۰- «روح بن عبد الرحیم» از امام صادق علیه السلام نقل می کند که در مورد آیه ی «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ - مردانی که تجارت و خرید و فروش آنان را از یاد خدا باز نمی دارد» (۳) فرمود: آنها اهل تجارت بودند و چون وقت نماز می شد تجارت را رها کرده به سوی نماز می رفتند و اجر آنان بزرگتر از کسی است که تجارت نمی کند. (۴)

ص: ۲۴۸

۱- (۱) - سوره ی نور آیه ی ۳۷

۲- (۲) - وسائل ۶/۱۲ به نقل از «کافی» و «تهذیب»

۳- (۳) - سوره ی نور آیه ی ۳۷

۴- (۴) - وسائل ۸/۱۲ به نقل از «فقیه».

پایان آنچه گذشت آیات و روایاتی است که می‌خواستیم ذکر کنیم، و ممکن است پژوهنده عناوین دیگری نیز بیابد، همچنانکه ممکن است برخی از عناوین یاد شده را به برخی دیگر ارجاع یا برخی را ضمن برخی دیگر قرار دهد؛ بهر حال ما ادعای آنکه همه ی آیات و روایات مربوطه را ذکر کرده باشیم نداریم، همچنانکه مدعی ذکر همه ی عناوین و نیز تشخیص کامل عناوین نیستیم، و فقط می‌گوییم: این بحث تا آنجا که ما می‌دانیم نو و تازه است، بر تو باد که در تکمیل آن بکوشی.

و خلاصه ی آنچه از این بحث بدست می‌آید آنکه: بین آیات و روایات اصلاً تعارضی نیست، و دنیا به معنای اعم آن، بخودی خود نه پسندیده و نه ناپسند است، و اگر در امور مشروع و در راه جلب رضایت خدای متعال بکار رود نیک و پسندیده و ممدوح، و اگر در امور نامشروع و غیر معقول بکار رود ناپسند و مذموم خواهد بود.

و خدای متعال به تحصیل دنیا به معنای اعم آن فرمان داده

زیرا آشکار است که انسان با آن پاداش اخروی را کسب می کند و در امور دنیا و آخرتش به آن نیازمند است، و رسیدن به کمالات نیز متوقف بر آنست.

آری، دنیا موجب خسران و زیان نیز هست، زیرا انسان با آن از حق رو می گرداند و تپذیر و اسراف می کند، و به مردم ستم روا می دارد، و در زمین سرکشی می نماید و فساد براه می اندازد.

بنابراین دنیا وسیله ی آزمایش و امتحان انسان است؛ خدای متعال می فرماید: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» - ما آنچه بر زمین است زینت آن قرار دادیم تا ایشان را بیازماییم کدامشان بهتر عمل می کنند» (۱)

و می فرماید: «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» - جز این نیست که اموال و فرزندانان فتنه و آزمایشی است، و نزد خدا پاداشی بزرگ است» (۲)

بنابراین از آنچه ذکر شد بدست می آید که عرف میان ادله ی مختلف را بدین گونه وفق می دهد که دنیا اگر وسیله ی کسب آخرت و معنویات باشد پسندیده و اگر خود هدف و منظور واقع شود ناپسند و مذموم است.

و نیز ممکن است بگوییم: از آیات و روایاتی که می گوید دنیا فضل از جانب خدا و رحمت و پاداش نیکوکاران و مؤمنان است، استفاده می شود که: دنیا به معنای اعم آن بخودی خود محبوب و پسندیده است و این با آنکه گاهی بالعرض هم پسندیده

ص: ۲۵۰

۱- (۱) -سوره ی کهف آیه ی ۷

۲- (۲) -سوره ی تغابن آیه ی ۱۵

قرار گیرد منافاتی ندارد.

و در این صورت، موافقت و جمع میان ادله بدین گونه ممکن است که: دنیا به معنای اعم آن بخودی خود، و اگر وسیله‌ی کارهای خیر قرار گیرد بالعرض، پسندیده و محبوب است، و اگر وسیله‌ی کسب معاصی و کارهای زشت شود بالعرض ناپسند و مذموم است. و انصاف آنست که این جمع بندی قوی و استواری است و روایات رسیده از خاندان عصمت و طهارت صلوات الله علیهم اجمعین آنرا تأیید و تأکید می کند.

ص: ۲۵۱

گفتار علامه ی مجلسی علامه ی مجلسی رحمه الله علیه در سخنانش برای جمع میان دو دسته از دلایل، وجوهی ذکر کرده که شاید بازگشت آن به برخی از آنچه ما ذکر کردیم باشد، در عین حال ذکر گفتار ایشان خالی از فائده نیست:

در ذیل حدیث ۹۴/۴ پس از سخنانی فرموده است: «اهل تسنن در برتری «فقر» بر «غنی» و «کفاف» یا بر عکس آن چهار نظر دارند که سوم آن برتری «کفاف» و چهارم توقف در مطلب و عدم ترجیح هریک است. و معنای «کفاف» آنست که نه محتاج باشد و نه زیادی داشته باشد. و تردیدی نیست که «فقر» نسبت به حال اکثر مردم سالم تر و نیکوتر، و «غنی» نسبت به حال برخی بهتر است. پس سزاوار است که مؤمن به هرچه خدا به او عطا کرده و صلاح او را در آن دانسته، راضی باشد. در دعاهای رسیده از پیشوایان معصوم خواستن فقر از خدا نیامده بلکه در اکثر دعاها پناه بردن به خدا از فقری که موجب شقاوت شود و از غنایی که

ص: ۲۵۲

و نیز در ذیل حدیث ۹۴/۲۶ «کاد الفقر ان یکون کفرا- فقر ممکن است به کفر بینجامد» پس از نقل سخنان بسیار از اهل تسنن فرموده است: «و من می گویم: جمع میان روایاتما، انست که «فقر» و «غنی» هر یک نعمتی از نعمتهای خداست که هر یک را بنا بر علمی که به مصالح کامله دارد به هر کس بخواهد عطا می کند، و بر بنده ی خدا لازم است که بر فقر شکیبایی ورزد بلکه شکر گزار آن باشد و اگر بی نیازی به او عطا کرد شکر گزاری کند و به وظایفی که مقتضای آنست عمل نماید.

و در صورتی که مستمند و ثروتمند هر یک به آنچه مقتضای حالشان است عمل کنند، احتمال قویتر آن است که فقیر صابر از غنی شاکر ثواب و پاداش بیشتری دارد، ولی مراتب احوال هر دو بسیار گوناگون و مختلف است و نمی توان در مورد هیچیک از دو طرف حکمی کلی کرد، و ظاهراً «کفاف» سالمتر و بی خطرتر از فقر و غنی است، و بهمین جهت طلب کفاف در بیشتر دعاها آمده و پیامبر صلی الله علیه و آله برای خاندان و عترت خویش از خدا طلب کفاف می کرد» (۲)

و نیز در ذیل حدیث ۹۵/۳ فرموده است: «و نیز این روایات بر ناپسند بودن فراوانی اموال و فرزندان دلالت دارد و روایات در این مورد مختلف است، و در بسیاری از دعاها طلب غنا و فراوانی اموال و فرزندان آمده و در بسیاری از آنها مذمت فقر و پناه بردن به

ص: ۲۵۳

۱- (۱) - بحار ۷/۷۲

۲- (۲) - بحار ۳۴/۷۲

خدا از آن ذکر شده، و جمع میان آنها مشکل است، و ممکن است جمع میان آنها به این باشد که: غنا و ثروتمندی پسندیده و ممدوح آنست که وسیله‌ی تحصیل آخرت باشد و مانع پراختن به طاعات و عبادات نگردد، چنانکه فرموده اند: «نعم المال الصالح للعبد الصالح - چه خوب است مال حلال برای بنده‌ی شایسته» (مال را کز بهر دین باشی حمول - «نعم مال صالح خواندش رسول) و این کم و نایاب است؛ و فقر ناپسند آنست که بر آن صبر نتواند و موجب تن دادن به ذلت و نیاز به مردم شود... و تردیدی نیست که فراوانی اموال و فرزندان و خدمتکاران غالباً موجب غفلت از یاد خدا و آخرت است، همچنانکه خدای سبحان می‌فرماید: «أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ - جز این نیست که اموال و فرزندانان فتنه و آزمایشی است» (۱) و نیز می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ - همانا انسان چون بیند بی‌نیاز شده طغیان می‌ورزد» (۲) ولی اگر داشتن این چیزها مانع تحصیل آخرت نشود و منظور از آنها اطاعت خدا باشد، آنها از نعمتهای الهی برای کسانی که خدا صلاح ایشان را در آن دانسته می‌باشد؛ و گویا این روایات رسیده در مورد فقر و غنی محمول بر اغلب موارد است» (۳)

و نیز در ذیل حدیث ۱۲۲/۳۰: «و ما باید معنای دنیا و مذموم از آنرا ذکر کنیم زیرا این موضوع بر بیشتر مردمان مشتبه شده، بسیاری از آنان مطلب حقی را دنیا می‌نامند و از آن بدگویی

ص: ۲۵۴

۱- (۱) -سوره‌ی تغابن آیه‌ی ۱۵

۲- (۲) -سوره‌ی علق آیه‌ی ۶-۷

۳- (۳) -بحار ۶۰/۷۲

می کنند و متقابلاً چیزی را که عیناً دنیای ناپسند است برمی گزینند و آنرا زهد می نامند و مطلب را بر افرادی که نمی دانند مشتبه می سازند.

بدان که دنیا بر معانی مختلفی اطلاق می شود:

اول: زندگی دنیا؛ و این مطلقاً ناپسند و از چیزهایی که بد داشتن و رها کردنش واجب باشد نیست، بلکه ناپسند آن، آنست که بقای در دنیا را برای انجام معاصی و کارهای باطل دوست بدارد... و نتیجه آنکه اگر کسی زندگی و بقا و عمر را برای منظورهای ناروا بخواهد، این ناپسند و مذموم است و کسی که بقا را برای طاعات و عبادات و کسب کمالات و تحصیل سعادت‌ها بخواهد پسندیده و ممدوح و عین آخرت است و بهمین جهت انبیاء و اوصیاء طول عمر و بقای در دنیا را می خواستند...

دوم: دینار و درهم و اموال دنیا و کالاهای آن؛ و این نیز بکلی مذموم نیست بلکه مذمومش آنهایی است که از حرام یا شبه ناک بدست آید یا وسیله ی این دو شود و بازدارنده ی از یاد خدا و مانع از عبادت خدا باشد و یا چنان به آنها دلبسته باشد که در حقوق واجب و مستحب بذل و انفاق نکند...

سوم: کامیابی به لذتهای دنیا از قبیل خوردنیها و نوشیدنیها و پوشیدنیها و همسرها و مرکبها و خانه های وسیع و نظایر اینها؛ که در استحباب لذت جویی به بسیاری از اینها در صورتی که مشتمل حرام و شبهه ناک یا اسراف و تبذیر نباشد، و نیز در سرزنش و مذمت ترک اینها و رهبانیت... روایات بسیار رسیده است.

چون این را دریافتی بدان که آنچه از مجموع آیات و روایات

آنطور که ما می فهمیم بدست می آید آنست که دنیای مذموم، مرکب از مجموع اموری است که انسان را از طاعت خدا و دوستی او و تحصیل آخرت باز می دارد؛ و دنیا و آخرت دو رقیب مقابل یکدیگرند و آنچه موجب رضایت خدای متعال و قرب به او شود از آخرت است هرچند بر حسب ظاهر از اعمال دنیا باشد...» (۱)

و الحمد لله اولا و آخرا.

ص: ۲۵۶

۱- (۱) - بحار ۶۱/۷۳-۶۳

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

